

الحمد لله رب العالمين

تدبیر ماه

نماندگی ولی فقیه در سپاه

دقت تأیید شرعی ضوابط و برنامه ها

نام نشریه:

تنظیم و نشر:

نوبت چاپ:

شماره:

تاریخ چاپ:

شمارگان:

چاپ:

تدبیر ماه

نماینده‌گی ولی فقیه در سپاه
دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها

اول

(اسفند ۹۳ - فروردین ۹۴) ۹۳

اردیبهشت ۱۳۹۴

۳۰۰۰ نسخه

مرکز چاپ نماینده‌گی ولی فقیه در سپاه

فهرست

موضوع	صفحه
مقدمه	۷
حدیث	۹
تدابیر تربیتی و معنوی	۱۳
تدابیر فرهنگی و هنری	۲۹
تدابیر مدیریتی	۳۵
تدابیر سیاسی و اجتماعی	۴۱
تدابیر دفاعی و رزمی	۱۱۵
تدابیر اقتصادی و مالی	۱۲۳
تدابیر خدمت‌رسانی	۱۳۵
تدابیر بهداشت و سلامت	۱۳۷
تدابیر نظارت و بازرسی	۱۵۹
تدابیر امنیتی و حفاظتی	۱۶۷
تدابیر حقوقی و قانونی	۱۶۹
تدابیر پژوهشی، تحقیقاتی	۱۷۱
تدابیر نیروی انسانی	۱۷۷
تدابیر برون مرزی	۱۸۱
سایر تدابیر	۱۹۳
پی‌نوشت‌ها	۱۹۹

معاونت تدابیر و قوانین دفتر تأیید شرعی

تلفن مستقیم: ۳۵۲۳۳۷۱۲

کوثر: ۳۳۹۳۹ و ۳۳۷۱۲

پایگاه داخلی: www.pasdar.org

بسمت کمالی

حلول ماه رجب، ماه خدا، ماه نور و رحمت

بر همه رجبیون مبارک باد.

ضمن تبریک اعیاد بزرگ و میلادهای خجسته

در این ماه، به خصوص ولادت با سعادت

حضرت امیرمؤمنان امام علی علیه السلام در سیزدهم

و بعثت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در بیست و هفتم رجب،

شهادت امام کاظم علیه السلام، رحلت پیام آور عاشورا

حضرت زینب علیها السلام و شهادت آیت الله استاد مطهری رحمته الله

و روز عقیدتی سیاسی در سپاه را گرامی می داریم.

در آغاز سال ۱۳۹۴، سال «همدلی و هم زبانی، دولت و ملت»، نود و سومین شماره نشریه «تدبیر ماه»، شامل برگزیده تدابیر و رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای مد ظله العالی، در دو ماه اسفند ۹۳ و فروردین سال جاری را به شما فرماندهان و مسئولان دژهای مستحکم انقلاب اسلامی تقدیم می‌نماییم.

امید است سرمایه جاویدتان در پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی باشد، ان شاء الله.

والسّلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته

دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها

* * *

حدیث

عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ بَهَائِي
وَ عُلُوُّ ارْتِفَاعِي لَا يُؤْثِرُ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ هَوَايَ عَلَى هَوَاهُ
فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا إِلَّا جَعَلْتُ غِنَاهُ فِي نَفْسِهِ
وَ هَمَّهُ فِي آخِرَتِهِ وَ ضَمَنْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ رِزْقَهُ
وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَةٍ كُلِّ تَاجِرٍ.^۱

الشافعي ص ۵۳۰

توضیح مقام معظم رهبری علیه السلام:

هر بنده‌ای که هوای نفس خود را، خواست
خود را مغلوب خواست خداوند قرار دهد،
خواست الهی را غلبه بدهد بر خواست خود، در
امری از امور دنیا، هیچ بنده‌ای چنین کاری را

۱- امام باقر علیه السلام فرمود:

خداوند متعال فرموده است: به عزّت و جلال و عظمت و شکوه و
بلندی مقام سوگند که هیچ بنده مؤمنی در چیزی از امور دنیا خواست
مرا بر هوای نفس و خواسته دل خود بر نمی‌گزیند، مگر آنکه به او
غنای نفس بخشم (از دیگران بی‌نیازش کنم) و همّ و غمش را برای
آبادانی آخرتش قرار دهم و آسمان‌ها و زمین را ضامن روزیش قرار
دهم و از پس تجارت هر تاجری هوایش را داشته باشم.

نمی‌کند، مگر اینکه این چند پاداش بزرگ را من به او خواهم داد. اول این که غنای او را، بی نیازی او را در نفس او، در دل او، در جان او قرار می‌دهم. این بسیار مهم است. بعضی دلشان، جانشان گرسنه است. فقیر است. هرچه از مال دنیا هم جمع کنند، به هر خواسته دنیوی هم برسند، باز احساس کمبود می‌کنند. احساس فقر می‌کنند، احساس گرسنگی می‌کنند، حرص می‌زنند. بعضی نه! در نفس خودشان غنی‌اند. با توجه به حقیقت نفس انسانی، در خود احساس غنا می‌کنند. همه ثروت‌های عالم هم در مقابل اینها اهمیتی ندارد. کوچک است. همه عزت‌های ظاهری و دنیوی، سلطنت‌ها در مقابل چشمشان که قرار بگیرد، به نظرشان بی‌اهمیت و بی‌ارزش است. غنا را در جان خودشان، در نفس خودشان احساس می‌کنند. اهتمام او را در امر آخرتش قرار می‌دهیم. مایه اصلی و اساسی سعادت انسان همین است، که انسان به فکر آن طرف مرز باشد. چون این طرف مرز، یک برهه کوتاهی است. زندگی آنجاست. اساس حیات آنجاست. به فکر آن باید بود که انسان‌ها غالبا غافل‌اند. به فکر

نیستند. یک چنین انسانی را خدای متعال این توفیق را به او می‌دهد، که او همتش معطوف باشد به آن طرف این مرز. مرز آخرت. کار را برای او بکند. از لحاظ وضع روزی دنیا هم دستش خالی نخواهد ماند. محتاج نخواهد شد. آسمان و زمین، یعنی قواعد طبیعت و سنن طبیعی ضامن رزق او خواهند بود. رزق به قدر کفاف. یعنی همانی که انسان به آن نیاز واقعی دارد. این به او خواهد رسید بلاشک. در پشت تجارت هر تاجری، من متعلق به او خواهم بود. یعنی هرگونه تعاملی با هرکس داشته باشد، پشت سر او منم. او را من هدایت می‌کنم. او را من کمک می‌کنم. خیلی چیز مهمی است. همه اینها متوقف است بر این که انسان ایثار کند، ترجیح بدهد طلب خدا را، خواست خدا را بر خواست خود. که البته به زبان خیلی آسان است. در عمل کار دشواری است. اما با تمرین ممکن خواهد شد. مقول به تشکیک هم هست. یعنی حد کاملی دارد. حد متوسطی دارد. حد ناقصی دارد. بالاخره می‌شود این کار را در زندگی خود، انسان انجام بدهد.

تدابیر تربیتی و معنوی

• ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی

• تحکیم محبت به عترت و معرفت به ادعیه

• اهتمام به نقش تربیتی قرآن و اسلام

• ویژگی‌های پاسداری

• تحول دینی و انقلابی

ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی

ابتکارات زیرکانه اسلامی

ایرانی زیرکِ مسلمان، نوروز باستانی را با عقیده خود و به شکل دلخواه خود، تغییر داد؛ قالب نوروز و صورت نوروز را نگه داشت، محتوای آن را عوض کرد. نوروز باستانی، نوروز پادشاهان بود؛ فرصتی برای سلاطین و حکام

مستبد بود؛ برای اینکه شکوه خود و عظمت ظاهری خود را به رخ ملّت‌ها بکشانند و بنشینند از آنها هدیه بپذیرند. حتّی در زمان بنی‌امیه و بنی‌عبّاس که نوروز به دربارهای خلافت اموی و عبّاسی وارد شد، همان رفتار و سیره پادشاهان و کسریان فارسی باستان در دربار آنها عمل می‌شد. امّا ایرانی مسلمان، این نظم را، این قالب را به‌نفع خود تغییر داد؛ اگرچه این تغییر به‌صورت دفعی انجام نگرفته است امّا شما امروز بعد از گذشتن قرن‌ها، مشاهده می‌کنید که نوروز بهانه‌ای و وسیله‌ای است برای ارتباط قلبی میان مردم و میان مبدأ عظمت و عزّت، یعنی ذات مقدّس باری تعالی. در نوروز ایرانی، حقیقت نوروز یک حقیقت مردمی است؛ مردم به‌مناسبت نوروز با یکدیگر با صفا و محبّت رفتار می‌کنند؛ به یکدیگر تبریک می‌گویند و هدیه می‌دهند. رسم و سنّت باستانی و پادشاهی، امروز بعد از گذشت سال‌ها و قرن‌ها، در نوروز وجود ندارد. در ایام نوروز و تحویل سال نو، شلوغ‌ترین و پرازدحام‌ترین مراکز در

کشور پهناور ما عبارت است از بارگاه‌های مقدّس ائمّه و امام‌زادگان علیهم‌السلام. دیشب - در نیمه شب - در این آستان مقدّس، صدها هزار مؤمن با دل‌های پاکیزه، متوجّه مرکز عظمت و قدرت شدند، با خدای خود سخن گفتند، از گرداننده حال‌ها گردش نیکوی حالت خود را طلب کردند و مراسم دینی به جا آوردند. بنابراین، این نوروزی که امروز ما داریم، نوروز باستانی نیست، نوروز ایرانی است؛ نوروز ملّت مسلمانی است که از قالب این مراسم کهن، توانسته است برای خود سرمایه‌ای فراهم کند و به سمت هدف‌های خود پیش برود.

امیدواریم خداوند متعال به ملّت عزیز ایران کمک کند تا این ابتکارات زیرکانه اسلامی را در همه مسائل و در همه موارد به کار ببندد. لذا امسال که ایام نوروز با شهادت بانوی بزرگ جهان اسلام، حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام مصادف است، یقیناً مراسم نوروز نباید هیچ‌گونه منافاتی با تکریم و احترام به نام آن بزرگوار و یاد آن بزرگوار داشته باشد؛ و یقیناً منافاتی پیدا نخواهد کرد.^۹

تحکیم محبت به عترت و معرفت به ادعیه

سال ۹۴ سال سرشار از برکات فاطمی علیها السلام

آغاز سال، مصادف است با ایام شهادت حضرت زهرا علیها السلام؛ ارادت مردم ما به خاندان پیغمبر و دخت گرامی پیامبر اعظم اقتضائاتی دارد که یقیناً همه باید این اقتضائات را رعایت کنند و یقیناً رعایت خواهند کرد. امید است که این ایام و این سال از برکات فاطمی سرشار و برخوردار باشد؛ و نام مبارک این بزرگوار و یاد ایشان تأثیرات عمیق و ماندگار خود را در زندگی مردم ما در سال ۱۳۹۴ بگذارد. و امیدواریم که این آغاز بهار طبیعت که آغاز سال نوی هجری شمسی است، برای ملت ایران و برای همه ملت‌هایی که نوروز را گرامی می‌دارند، مبارک باشد. سلام خاکسارانه عرض می‌کنم به ساحت حضرت بقیةالله الاعظم ارواحنfade و یاد امام بزرگوارمان و شهیدان را در این فرصت، گرامی می‌داریم و امیدواریم که ما را از برکات انفاس طیبه و دعاهای ارواح مطهر آن عزیزان برخوردار فرماید.^۸

اغتنام فرصت مداحی

امروز جامعه مدّاح کشور، فرصت بسیار بزرگی را در اختیار دارد؛ شما مجالسی تشکیل می‌دهید؛ جمعیت‌های بزرگ، گاهی جمعیت‌های هزاران نفری و غالباً هم جوان جمع می‌شوند پای منبر شما و پای خواندن شما و مدیحه‌سرایی و مرثیه‌خوانی شما؛ از این فرصت بهتر؟ این‌همه مخاطب، این‌همه دل آماده شنیدن و نیوشیدن، این همه نفوس آماده تربیت شدن در اختیار شما هستند؛ این فرصت است: «اغْتَنِمُوا الْفُرَصَ فَإِنَّهَا تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ». این فرصت را مغتنم بشمرید؛ از این فرصت بهترین استفاده را بکنید.^{۱۲}

اهتمام به نقش تربیتی قرآن و اسلام

دین حدّ اقلّی از منظر اسلام

دین حدّ اقلّی و اکتفای به حدّ اقلّها، از نظر اسلام قابل قبول نیست؛ ما در معارف خودمان چیزی به عنوان دین حدّ اقلّی نداریم، بلکه در قرآن کریم در موارد متعدّدی اکتفای به بعضی از تعالیم دینی دون (منهای) بعضی، مذمّت شده است؛ «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر ۹۱) همانا که قرآن را جزء جزء کردند [به برخی از آن عمل کردند و بعضی را رها نمودند]. یا آیه شریفه «وَيَقُولُونَ نُوْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ» (نساء ۱۵) «و می‌گویند: ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می‌کنیم.» که مربوط به منافقین است، اشاره به همین است. حتی برخی از بخش‌های دین که خیلی برجسته است - مثل اقامه قسط - هم کافی نیست که انسان دل خود را خوش کند که ما حالا دنبال اقامه قسطیم و اقامه قسط خواهیم کرد، پس اسلام تحقّق پیدا کرد؛ نه! این نیست. بلکه مسلماً اقامه قسط در جامعه، یک قلم مهم است. از این آیه شریفه در

سوره مبارکه حدید، «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید ۲۵ [براستی ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.) این جور به نظر می رسد در بادی (ابتدای) امر، که هدف از ارسال رسل و انزال کتب و معارف الهی، اقامه قسط است که حالا این جمله «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» را هرجور معنا کنیم - چه به این معنا بگیریم که «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» یعنی «لِيَقِيمَ النَّاسُ الْقِسْطَ» که مثلاً «باء» را «باء تعدیه» بگیریم، که این وظیفه مردم است که در محیط زندگی خودشان اقامه قسط کنند؛ یا نه! «باء تسبیب» که «لِيَقُومَ النَّاسُ بِسَبَبِ الْقِسْطِ»، یعنی با قسط با مردم [رفتار کنیم]؛ هرکدام از این دو معنا یا معانی احتمالی دیگری که وجود دارد، اگر در نظر گرفته بشود - اهمّیت اقامه قسط را در جامعه روشن می کند. لکن این بدین معنا نیست که شارع مقدّس از ما قبول می کند که ما مثلاً اکتفا کنیم به اقامه قسط و همه همّت خودمان را بگذاریم برای اینکه

اقامه قسط بشود، ولو برخی از احکام دیگر اسلام - مثلاً - مورد بی توجهی قرار بگیرد؛ نه! آیه شریفه می فرماید که: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّهِمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ». (حج ۴۱) همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده و امیدارند و از کارهای ناپسند باز می دارند.» یعنی انتظاری که خدای متعال از متمکنین در ارض دارد، اینها است که اولش: «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»، بعد: «وَأَتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج ۴۱) «... و فرجام همه کارها از آن خدا است» [است].

این جور نیست که اگر ما به قسط توجه می کنیم، حق داشته باشیم که از اقامه صلات و اهمیت دادن به صلات یا به زکات یا به امر به معروف و نهی از منکر غفلت کنیم، بلکه «أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل ۳۶) «خدا را پرستید و از طاغوت بپرهیزید» - که چندین بار این لفظ و این مضمون در قرآن تکرار شده - نشان می دهد که اصلاً خدای متعال

پیغمبران را فرستاد برای توحید، برای اجتناب از طاغوت، برای عبودیت خداوند؛ اساس کار این است. یا وصیتی که خدای متعال در آن آیه شریفه سوره شوری، به نوح و به ابراهیم و به موسی و به بقیه کرده است: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ»؛ (شوری ۱۳) «دین را برپا دارید.» آنکه مورد نظر است، اقامه دین است؛ یعنی همه دین را باید اقامه کرد؛ «وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ»؛ (شوری ۱۳) «و در آن تفرقه اندازی نکنید. بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرامی خوانی، گران می آید. خدا هر که را بخواهد، به سوی خود برمی گزیند، و هر که را که از در توبه درآید، به سوی خود راه می نماید.» یعنی همه دین - همه اجزا و همه ارکان دین - مورد توجه است، و معارض اصلی هم در مقابل این حرکت و این رویکرد - یعنی اقامه دین به تمامه، به جمیع اجزائه، به کله - عبارتند از قلدرهای عالم، مستکبران عالم؛ «كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ»؛ (شوری ۱۳) آنچه تو به آن دعوت می کنی، برای مشرکین [گران است]؛ یا در آیه

شریفه در اوّل سورۀ مبارکۀ احزاب؛ «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا»؛ (احزاب ۱) ای پیامبر، از خدا پروا بدار و کافران و منافقان را فرمان مبر، که خدا همواره دانای حکیم است.» یعنی هم علیم است خدای متعال که احاطۀ علمی دارد به تمام اجزا و ذرات عالم و سازوکار زندگی ذرات، و هم حکیم است؛ با حکمت، راه تو را در این مجموعه مشخص کرده و باید دنبال کنی. «وَاتَّبِعْ مَا يُوْحٰى اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ اِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا * وَتَوَكَّلْ عَلٰى اللّٰهِ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيلًا»؛ (احزاب ۳۰۲) و آنچه را که از جانب پروردگارت به سوی تو وحی می‌شود، پیروی کن که خدا همواره به آنچه می‌کنید، آگاه است. و بر خدا اعتماد کن، همین بس که خدا نگهبان [تو] است.» در مقابله با این حرکت تو، دشمنی وجود خواهد داشت. ... چیزی که گاهی از آن در برخی از گفته‌ها و نوشته‌ها تعبیر می‌شود به دین حداقلی؛ یعنی کاستن از آرمان‌ها که به معنای نابودی سیرت دین است. این دین حداقلی یعنی در واقع دین را حذف کردن.^۷

ویژگی‌های پاسداری

پایبندی نیروهای مسلح

به مبانی اسلام و قوانین الهی

امروز دشمنان ما، جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند به دخالت در اینجا و آنجا، که این خلاف واقع است؛ چنین چیزی وجود ندارد؛ ما در هیچ‌جا دخالت نمی‌کنیم. ما در آنجایی که مورد تهاجم قرار بگیریم البته دفاع می‌کنیم، دفاع جانانه! اما دخالت نمی‌کنیم. ما از کسانی و عواملی که به مردم بی‌دفاع حمله می‌کنند، به غیر نظامی‌ها حمله می‌کنند، کودکان را نابود می‌کنند، زنان را به قتل می‌رسانند، خانه‌ها را خراب می‌کنند، متنفریم، اعلام بیزاری می‌کنیم، اعلام برائت می‌کنیم؛ اینها از اسلام چیزی نفهمیده‌اند، از وجدان انسانی هم چیزی نفهمیده‌اند. خصوصیت نیروهای مسلح ما این است که به مبانی اسلام و قوانین الهی که در همه‌جا قانون الهی رایج است - حتی در جنگ، یا در صلح - پایبند است. این یکی از خصوصیات نیروهای مسلح ما است.

علّت اینکه امروز ارتش ما، سپاه ما، نیروهای مسلّح ما در بین مردم محبوبیت دارند هم همین است: مردم می‌بینند اینها مثل خودشان فکر می‌کنند، مثل خودشان عمل می‌کنند، اعتقاداتی مشابه اعتقادات خودشان دارند، برای همان چیزهایی دل می‌سوزانند که مردم دل می‌سوزانند؛ این، ارتباط بین مردم و نیروهای مسلّح را افزایش می‌دهد. این یک خصوصیت است.^{۱۳}

تحول دینی و انقلابی

بصیرت انقلابی و پایبندی دینی

ارتش جمهوری اسلامی ایران

یکی از خصوصیات ارتش جمهوری اسلامی ایران، بصیرت انقلابی و دینی است. پایبندی دینی است، تعهد دینی است. این خیلی حرف بزرگی است. معنای تعهد دینی این است که ارتش به همه موازینی که اسلام برای نیروهای مسلح و برای فعالیت‌های نظامی مقرر کرده است، پایبند است. ارتش‌های دنیا آن‌وقتی که در یک عرصه‌ای احساس پیروزی می‌کنند، مهارگسیخته وارد میدان می‌شوند، کارهایی از آنها سر می‌زند که شرم‌آور است و نمونه‌هایش را در جاهای مختلف دیده‌ایم. این مال آن‌وقتی است که احساس پیروزی می‌کنند - که به صغیر و کبیر رحم نمی‌کنند - آن‌وقتی هم که احساس خطر می‌کنند، باز به نوعی دیگر دست به کارهایی می‌زنند و اقداماتی می‌کنند که از نظر شرع مقدس اسلام جرم است و از نظر قوانین بین‌المللی هم امروز جرم است. البته قدرتمندان، نه به قوانین بین‌المللی اعتنا می‌کنند، نه به قوانین انسانی اعتنا می‌کنند؛ سلاح‌های ممنوعه را به کار می‌برند و غیر

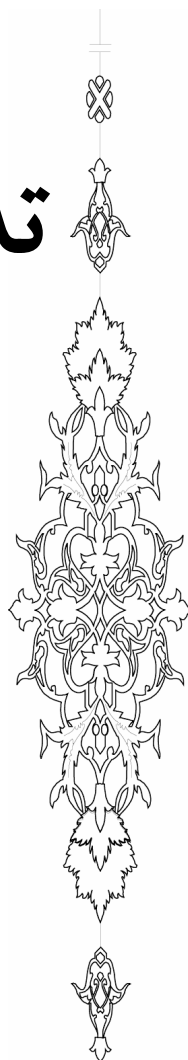
نظامیان را هدف قرار می‌دهند که در جنگ‌هایی که آمریکا مستقیم یا غیر مستقیم در آنها وارد بود، از این جنایت‌ها بته‌وفور ائتلاف افتاد. این وضع ارتش‌های دنیا است.

ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروهای نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، پایبند به تعهدات اسلامی‌اند؛ نه در پیروزی طغیان می‌کنند، نه در هنگام خطر دست به کارهای ممنوع و ابزارهای ممنوع می‌زنند. مدّت‌های طولانی شهرهای ما - چه شهرهای مرزی و چه بعداً حتّی تهران و اصفهان و بسیاری از شهرهای دیگر - زیر تهاجم وحشیانه و کور موشک‌های صدامی قرار داشت؛ در محلات مختلف همین شهر تهران، موشک‌های صدامی می‌آمد؛ موشک‌هایی که به‌وسیله کشورهای اروپایی تجهیز شده بود و فروخته شده بود، به‌وسیله آمریکایی‌ها هدایت می‌شد؛ اهداف به آنها نشان داده می‌شد؛ اهداف نظامی با عکس‌برداری‌های هوایی در اختیار دشمن قرار می‌گرفت، این موشک‌ها می‌آمدند به شهرهای ما می‌خوردند و مردم بی‌دفاع را، مردم غیر نظامی را تارومار می‌کردند؛ خانه‌ها را ویران می‌کردند. ما بعد از

گذشت مدتی توانایی پیدا کردیم که مقابله به مثل کنیم؛ ما هم توانستیم موشک به دست بیاوریم، ما هم توانستیم مقابله به مثل کنیم؛ می توانستیم شهرهایی را که در بُرد موشک ما بود - که از جمله اش خود بغداد بود - بزنیم؛ امام به ما گفتند که اگر خواستید به یک نقطه غیر نظامی - غیر پادگان و امثال اینها - بزنید، حتماً باید قبلاً به وسیله رادیو اعلام بکنید که ما می خواهیم فلان جا را بزنیم تا مردم کنار بروند. شما ملاحظه کنید؛ یک چنین تقیداتی در دنیا معمول نیست.

نیروهای مسلح بسیاری از کشورها - یا تا آنجایی که می شناسیم تقریباً همه کشورها - این تقیدات را ندارند؛ امروز نمونه اش را شما در یمن ملاحظه می کنید؛ چندی قبل در فلسطین دیدید؛ در غزه دیدید؛ در لبنان دیدید؛ در نقاط دیگر مشاهده کردید؛ این ملاحظات را نمی کنند، اما نیروی مسلح متعبد به قوانین اسلامی، این رعایت ها را می کند. ما اگر گفتیم - که گفته ایم - که از سلاح هسته ای استفاده نمی کنیم، به خاطر همین تقیدات است، به خاطر همین پایبندی به تعبد اسلامی و مقررات اسلامی و قوانین اسلامی است. این، یکی از برترین خصوصیات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی است.^{۱۳}

تدابیر فرهنگی و هنری



- جهت‌گیری فعالیت‌های هنری و تبلیغی
- مقابله با تهاجم فرهنگی

جهت‌گیری فعالیت‌های هنری و تبلیغی

شرافت و فضیلت حرفه مداحی

حرفه مداحی حرفه بسیار باشرافتی است؛ چرا؟
چون در طول تاریخ کسانی بودند که ستمگران را،
ظالمان را، زورگویان را مدح می‌گفتند و مدح
می‌کردند؛ امروز هم هستند. امروز هم در دنیا
کسانی هستند که زبان می‌کشایند به مدح پلیدترین
انسان‌های عالم، یا قلم‌هایشان را با مزد - با مزدی

کثیف و پلید - در این راه به کار می‌اندازند؛ شما به‌عکس، زبانتان، نفستان، حنجره‌تان، قدرت هنری‌تان در خدمت مدح فضیلت است. خاندان پیغمبر خاندان فضیلت‌اند؛ سرتاپا فضیلت. مادح خورشید مدّاح خود است؛ شما در واقع با مدح فضیلت خاندان پیغمبر، مدح خودتان را هم می‌کنید و در واقع شرافت این شغل را نشان می‌دهید. من چند سال قبل از این، در همین مجلس مربوط به فاطمه زهرا علیها السلام این شعر را از مرحوم صغیر اصفهانی خواندم:

در حدیث آمد که اندر لیلة الاسراء پیمبر

اشترانی دید، من خود اشتری زان کاروانم

گر نداری باور و حجّت همی خواهی نظر کن

بر کتاب مدح او در دست من کاین هست بارم

رحمت خدا بر صغیر اصفهانی. بنابراین شما کتاب

مدح فضیلت را در دست دارید؛ این شرافت

بزرگی است؛ خوش به حال شما؛ قدر بدانید این

حرفه را، این خصوصیات را و این فرصت را

مغتتم بشمارید.^{۱۲}

بهترین فرصت برای تبلیغ معارف دین

بهترین استفاده از این فرصت [مداحی] چیست؟
تبلیغ معارف دین؛ تبلیغ همان چیزی که این
بزرگواران، این نشانه‌های عظمت و فضیلت برای
خاطر آن، جانشان را کف دست گرفتند؛ این‌همه
رنج بردند؛ این‌همه مصیبت کشیدند؛ حادثه عاشورا
به وجود آمد؛ حوادث گریه‌آور صدر اسلام به وجود
آمد. [اینها] برای چه بود؟ برای ترویج معارف دین
بود. از این فرصت برای ترویج معارف دین، برای
سوق دادن نسل جوان به عمل به دین، به عمل به
شریعت، به عمل به مسئولیت‌های بزرگ این
دوران استفاده کنید. امروز کشور ما، ملت ما و
دنیای اسلام محتاج درست فهمیدن، درست عمل
کردن و ایستادگی کردن است. ملت ایران الگو
است؛ در میان ملت، جوانان موتور حرکت‌اند. این
جوان‌ها در اختیار شما هستند؛ یعنی شما با یک
نگاه ملاحظه خواهید کرد که به یک معنا موتور
حرکت دنیای اسلام، زیر کلید شماست. معارف
دین را تبلیغ کنید.

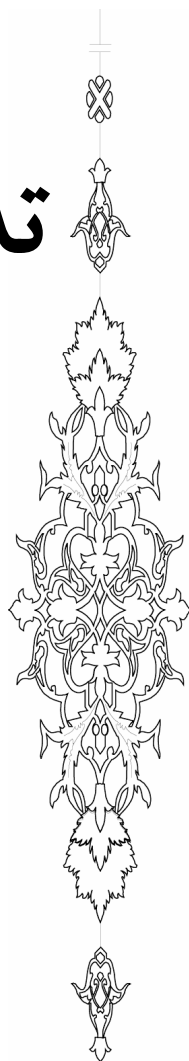
آنچه را مردم احتیاج دارند و آنچه را این جوان‌ها احتیاج دارند برای پاک بودن، برای پاک زیستن، برای سبک زندگی اسلامی، برای مسلمان شدن به معنای واقعی کلمه، برای عاقبت به خیری، به اینها یاد بدهید؛ این در اختیار شماست. کی ما در طول تاریخ این همه مجلس داشتیم که در آنها این همه جوان جمع بشوند و دلهایشان را در اختیار شما بگذارند. در زمان ما و در دوره جوانی ما در مشهد اگر همه مداح‌ها را می‌شمردند، از پنج شش نفر بیشتر نمی‌شدند، در تهران هم یک‌خنده بیشتر از این. این همه مجلس، این همه گوینده، این همه خواننده، این همه هنر، این همه صدای خوش، شعرا هم به کار می‌افتند و آنها هم شعر می‌گویند؛ از این فرصت استفاده کنید.^{۱۲}

مقابله با تهاجم فرهنگی

ضرورت پرهیز از انحراف و خرافه‌گویی

پرهیز از انحراف، پرهیز از خرافه‌گرایی، پرهیز از مشکل‌تراشی در عقاید جوان‌ها؛ گاهی ما یک کلمه‌ای می‌گوییم که یک گرهی در ذهن جوان مخاطب ما به وجود می‌آید؛ این گره را چه کسی می‌خواهد باز کند؟ این گرهی را که ما با بیان ناقص خودمان یا بیان غلط خودمان یا بی‌توجهی و بی‌مسئولیتی خودمان در ذهن این جوان به وجود می‌آوریم و عقیده او را دچار مشکل می‌کنیم، این گره چگونه باز خواهد شد؟ اینها مسئولیت است. اینکه ما مجلس عزاداری و مدح سیدالشهدا را - که عظمت او به خاطر شهادت است، عظمت او به خاطر فداکاری در راه خدا است، عظمت او به خاطر گذشت است؛ گذشت از همه چیز، از همه خواسته‌ها، از همه مطلوب‌ها - تبدیل کنیم به یک نقطه سبک، به یک جایی که یک تعدادی جوان لخت بشوند، بپرند هوا، بپرند پایین و ندانند چه می‌گویند، درست است؟ این شکر این نعمت است که خدا به شما داده؟ این صدای خوش نعمت است؛ این توانایی اداره مجلس نعمت است؛ اینها چیزهایی است که خدا به همه نداده است، به شما داده؛ باید این نعمت‌ها را شکر بگزارید... اما این را هم عرض می‌کنم که انتظارات از جامعه ملأح، امروز در جامعه ایرانی و در کل نگاه منطقه‌ای، انتظار بالایی است.^{۱۲}

تدابیر مدیریتی



- ساماندهی و همگرایی درون سازمان
- نقد و پاسخگویی
- جهت‌گیری در مدیریت

ساماندهی و همگرایی درون سازمان

الگوی انتخاباتی

بحمدالله این جلسه اجلاس [مجلس خبرگان رهبری] آقایان که در آن انتخابات داخلی انجام گرفت ... اجلاس بسیار متین و در واقع الگو برای دستگاه‌هایی [بود] که این جور انتخابات‌ها را انجام می‌دهند؛ با متانت کامل و بدون این حرف‌ها و چیزهایی که معمولاً در جلسات یارگیری و انتخاباتی پیش می‌آید، بحمدالله کار بزرگی را انجام دادید.^۷

نقد و پاسخگویی

رعایت بایدها و نبایدها

در انتقاد ملت و دولت از یکدیگر

هر دولتی منتقدینی دارد، این دولت هم منتقدینی دارد، دولت‌های قبلی هم هرکدام انتقادکنندگانی داشتند؛ تا اینجای قضیه هیچ اشکالی ندارد. کسانی هستند که این روش را قبول ندارند، این رفتار را قبول ندارند، این حرف را قبول ندارند، این سیاست را قبول ندارند؛ اینها منتقدند و انتقاد می‌کنند، مانعی ندارد؛ اما انتقادهای باید در چهارچوب منطقی باشد. خود بنده هم به دولت‌های گوناگون انتقادهایی داشتم، این انتقادهای را همواره هم تذکر داده‌ام، در هیچ موردی از آنچه به نظر من عیب بوده و جای انتقاد بوده است، از تذکر خودداری نکردم؛ منتها این تذکرات را در وضع مناسب و در موقعیت مناسب و با شکل مناسب دادیم؛ یا پیغام دادیم، یا حضوری گفتیم، یا اصرار کردیم. تذکر دادن هیچ اشکالی ندارد اما این تذکر بایستی جوری باشد که اعتماد عمومی را از کسانی که مسئول‌اند و مشغول کارند، سلب نکند؛ تذکر دادن باید جوری باشد که موجب بی‌اعتمادی عمومی نشود، اهانت وجود نداشته باشد و روش‌های خشم‌آلود وجود نداشته باشد؛ همه با برادری اسلامی به

مسئله ارتباط میان دولت و ملت نگاه کنند و با آن شیوه رفتار نکنند.

البته این طرفینی است. من، هم به مردم این توصیه را عرض می‌کنم که با دولت بایستی مهربانانه و با نگاه همراهی و همدلی سخن گفت، هم به مسئولان کشور - در سه قوه - این را تأکید می‌کنم که آنها هم باید با منتقدین خود و با کسانی که از آنها انتقاد می‌کنند، رفتار مناسبی داشته باشند، آنها را تحقیر نکنند، به آنها اهانت نکنند؛ تحقیر مخالفان از سوی مسئولان، خلاف تدبیر و خلاف حکمت است. من مردم عزیزمان را به بی‌تفاوتی دعوت نمی‌کنم، به نظارت نکردن دعوت نمی‌کنم؛ آنها را به اهتمام در مسائل اساسی کشور دعوت می‌کنم؛ اما اصرار می‌کنم که برخوردها نه از سوی مردم نسبت به مسئولین و نه از سوی مسئولین نسبت به منتقدین، تخریبی نباید باشد؛ نه تحقیر باشد، نه اهانت باشد. ممکن است در یک قضیه‌ای، یک عده‌ای دغدغه داشته باشند؛ دغدغه داشتن جرم نیست؛ دلوپس بودن جرم نیست. می‌توانند کسانی حقیقتاً نسبت به یک مسئله مهم و حساس کشور، احساس دلوپسی و دغدغه‌مندی کنند؛ هیچ مانعی ندارد؛ اما این به معنای متهم کردن نباشد، به معنای نادیده گرفتن زحمات و خدمات نباشد. از آن

طرف هم دولت و طرفداران دولت به کسانی که ابراز دغدغه و دلوپسی می‌کنند، بایستی اهانتی نکنند. من این را صریحاً به ملت عزیزمان عرض می‌کنم - قبلاً هم گفتم - من از همه دولت‌ها در دوران مسئولیت خودم حمایت کردم؛ از این دولت هم حمایت می‌کنم. هر جا هم لازم باشد تذکر می‌دهم؛ البته چک سفید امضا هم به کسی نمی‌دهم. نگاه می‌کنم به عملکردها و برحسب عملکردها قضاوت می‌کنم و به توفیق الهی و به کمک الهی، برحسب عملکردها هم عمل خواهم کرد. این مطلب اوّل در توضیح و تبیین آنچه به‌عنوان شعار سال - همدلی و هم‌زبانی میان دولت و ملت - مطرح کردیم؛ همدل باشند، هم‌زبان باشند و همکاری کنند و در کنار هم به سوی رفع مشکلات حرکت کنند.^۹

استفاده از افراد مطلع و امین و نظرات منتقدین

این عرایض ما [مربوط به مسئله هسته‌ای] است، ... اما حالا این خواسته‌ها را اینها با کدام شیوه مذاکراتی می‌توانند تأمین کنند، این به عهده خودشان است؛ بروند بنشینند شیوه‌های درست مذاکراتی را پیدا کنند، از آدم‌های مطلع و امین بهره‌مند بشوند، از نظرات منتقدین مطلع بشوند و آنچه را لازم است انجام بدهند.^{۱۲}

جهت‌گیری در مدیریت

پیگیری نکردن کارها

یکی از مشکلات عمده ما در کشور - که این را برحسب تجربه من عرض می‌کنم ... - پیگیری نکردن است؛ کار را خوب شروع می‌کنیم [اما] پیگیری لازم همیشه وجود ندارد؛ در بعضی از موارد چرا؛ هر جا خوب پیگیری کردیم، به نتایج خیلی خوب رسیدیم، در بسیاری از جاها هم کار، وسط کار متوقف می‌شود، پیگیری نمی‌شود؛ این یکی از مشکلات اساسی است. هرکدام از شما در بخش‌های مختلف، مدیریتی دارید؛ مدیران کشور باید به این مسئله توجه کنند که پیگیری بسیار مهم است.^۵



تدابیر سیاسی و اجتماعی

- دشمن شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن
- افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی
- حفظ وحدت و تقویت همگرایی و انسجام
- اقتدار ملی
- حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب
- حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های اجتماعی
- اندیشه و تفکر سیاسی امام خمینی قدس سره

دشمن‌شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن

اسلام‌هراسی، تهدید یا فرصت؟

آنچه ما امروز در زبان مستکبرین و مخالفین نظام اسلامی و مشخصاً جمهوری اسلامی مشاهده می‌کنیم که با «تغییر رفتار» از آن یاد می‌کنند - گاهی می‌گویند ما تغییر نظام را نمی‌خواهیم، تغییر رفتار را می‌خواهیم - [همین است]. تغییر رفتار با تغییر نظام هیچ تفاوتی ندارد؛ درست همان است؛

یعنی تغییر آن سیرت اسلامی؛ این معنای تغییر رفتار است. تغییر رفتار یعنی شما از آن چیزهایی که از لوازم قطعی و حتمی حرکت به آن سرمنزل است، دست بردارید؛ از آن کوتاه بیاید و نسبت به آن، اهتمام خودتان را از دست بدهید؛ این معنای تغییر رفتار است؛ یعنی همان چیزی که گاهی از آن در برخی از گفته‌ها و نوشته‌ها تعبیر می‌شود به دین حدّ اقلّی؛ یعنی کاستن از آرمان‌ها که به معنای نابودی سیرت دین است. این دین حدّ اقلّی یعنی در واقع دین را حذف کردن.

حالا در چنین وضعیتی هدف ما این است و خطّ مشی قطعی ما باید این باشد که دنبال اسلام تمام و کامل باشیم؛ یعنی دنبال این باشیم که واقعاً تا آنجایی که در قدرت ماست، تلاش کنیم - حالا خدای متعال بیش از آنچه در توان ما و در قدرت ماست، از ما توقّع نمی‌کند - اما تلاش ما این باشد و هدف‌گذاری ما این باشد که همه اسلام - اسلام به کامله، به تمامه - در جامعه ما تحقق پیدا کند. وقتی هدف این شد، فوراً یک مسئله‌ای پیش

می‌آید و آن مسئله «اسلام‌هراسی» است که امروز در دنیا رایج است. به نظر من در برابر پدیده اسلام‌هراسی مطلقاً نباید منفعل شد؛ بله! اسلام‌هراسی وجود دارد؛ عده‌ای دارند مردم را، جوامع را، جوانان را، اذهان را از اسلام می‌ترسانند؛ اینها چه کسانی هستند؟ درست که مسئله را می‌شکافیم و در مسئله دقت می‌کنیم، می‌بینیم که اینها همان اقلیت قلدر و زیاده‌خواهی هستند که از حاکمیت اسلام می‌ترسند؛ از اسلام سیاسی می‌ترسند؛ از حضور اسلام در متن زندگی جوامع می‌ترسند؛ علت ترسشان هم این است که منافع آنها لطمه خواهد خورد. اسلام‌هراسی در واقع ترجمه هراس و سراسیمگی قدرت‌ها در مقابل اسلام است؛ واقع قضیه این است. یعنی شما اینجا زحمت کشیدید، ملت ایران تلاش کردند، زحمت کشیدند، مجاهدت کردند، نظام اسلامی را سر کار آوردند و این نظام اسلامی را تثبیت کردند، پایه‌اش را محکم کردند، آن را در مقابل حوادث گوناگون مصونیت و ایمنی دادند و روزبه‌روز قوی کردند؛

این، قلدرهای دنیا را می ترساند. اسلام هراسی ای که امروز وجود دارد، در واقع انعکاس و بازتاب دغدغه آنهاست، سراسیمگی آنهاست؛ نشان می دهد که شما پیش رفتید؛ نشان می دهد که اسلام توانسته است حرکت خود را به طور موفق تا اینجا پیش ببرد. و البته علی رغم آنها، این حرکت آنها علیه اسلام و تلاش آنها برای اسلام هراسی، نتیجه عکس خواهد داد؛ به این معنا که اسلام را در کانون پرسش جوان ها قرار می دهد؛ یعنی اگر به مردم معمولی دنیا یک تلنگری زده شود، یک توجهی به آنها داده شود، اینها ناگهان به فکر می افتند که علت اینکه این قدر اسلام در این مطبوعات صهیونیستی، در این شبکه های تلویزیونی وابسته به محافل قدرتمند و دارای زر و زور مورد تهاجم قرار می گیرد چیست؟ این خود زمینه یک پرسش است و این پرسش به نظر ما برکاتی دارد و می تواند این تهدید را تبدیل به فرصت کند.^۷

وظیفه مهم

تحقق اسلام کامل و مقابله با دشمنی‌ها

ما بایستی تلاش کنیم، یعنی در نظام جمهوری اسلامی، کار بزرگ و مهم این است که ما همه - هر کسی در هر نقطه‌ای قرار دارد که توانی در این زمینه دارد - باید تلاشمان این باشد که اسلام ناب را مطرح کنیم، اسلام طرفدار مظلوم و ضد ظالم را در دنیا مطرح کنیم. همان جوانی که در اروپاست، یا در آمریکاست، یا در مناطق خیلی دوردست است، از این خصوصیت مبتهج می‌شود، به هیجان می‌آید که معلوم بشود اسلام عبارت است از: نیرویی، انگیزه‌ای، فکری که علیه ظالمین و ستمگران و به نفع مظلومین حرکت می‌کند، برنامه دارد و این را وظیفه خودش می‌داند. اسلام طرفدار عقلانیت، اسلام فلسفه‌های عمیق، اسلام تفکر، اسلامی که در قرآن این همه به عقل و فکر و لبّ (عقل، فکر) و مانند اینها اهمیت داده شده را معرفی کنیم؛ اسلام طرفدار عقلانیت و ضد قشری‌گری، ضد تحجّر، ضد اسیر اوهام و تخیلات

خود شدن - که کسانی به نام اسلام این چیزها را دارند - اسلام ناب را نشان بدهیم، بگوییم اسلام، این است؛ اسلام متعهد در برابر لابی‌گری. بله! امروز دستگاه‌های فراوانی جوان‌ها را به بی‌مبالاتی، به لابی‌گری، به لاقیدی در امور گوناگون سوق می‌دهند. خب! اسلامی که انسان را متعهد دانسته، او را متعهد می‌خواهد و می‌طلبد؛ اسلام حاضر در متن زندگی، در برابر اسلام سکولار! اسلام سکولار شبیه مسیحیت سکولار است که می‌رود در گوشهٔ کلیسا، خودش را زندانی می‌کند و در محیط واقعی زندگی هیچ حضوری ندارد؛ اسلام سکولار هم همین‌جور است؛ کسانی هستند امروز دعوت می‌کنند به اسلام منزوی؛ اسلامی که هیچ کاری به کار زندگی مردم ندارد؛ مردم را به یک عبادتی، به یک چیزی گوشه مسجد یا گوشهٔ خانه‌ها فرا می‌خواند. اسلام واردِ متن زندگی را معرفی کنیم؛ اسلام رحمت به ضعف؛ اسلام جهاد و مبارزه با مستکبران. به نظر من این یک وظیفه‌ای است که به‌عهده همه است؛ دستگاه‌های تبلیغاتی ما، دستگاه‌های علمی ما،

حوزه‌های علمیۀ ما باید این هدف را دنبال بکنند. اینکه امروز اسلام را آماج حملات خودشان قرار داده‌اند [به‌خاطر این است]؛ آن کسانی هم که آماج قرار داده‌اند، مشخص است چه کسانی هستند و چه دستگاه‌هایی و چه جریان‌هایی هستند؛ مشخص است؛ اینها وابستۀ به یک مجموعه قدرتمند زر و زور سیاسی و اقتصادی غالباً صهیونیست یهودی، و اگر صهیونیست یهودی هم نیستند، صهیونیست غیر یهودی - که امروز در دنیا صهیونیست‌های غیر یهودی داریم - هستند. در مقابل اینها ما از این فرصت استفاده کنیم و این سؤال را مطرح کنیم در ذهن مردم دنیا و در ذهن جوان‌ها که فکر کنید، ببینید چرا به اسلام این‌همه حمله می‌کنند؛ آن‌وقت اسلام واقعی را در اختیار اینها بگذاریم.

به نظر بنده، اگر ما مجموعه روحانیون و اهل علم و کسانی که در مسائل دینی کار می‌کنند، در همه مسائل خودمان این را هدف قرار بدهیم یعنی تحقق اسلام به‌کامله و مقابله با دشمنی‌ها با این شکل، موفقیت‌های زیادی خواهیم داشت.^۷

مقبولیت تیم هسته‌ای

و نگرانی از حيله‌گری و شگردهای دشمن

این تیمی و هیئتی که رئیس‌جمهور محترم برای مذاکرات هسته‌ای گذاشته‌اند، مردمان امین و مردمان خوبی هستند. بعضی را ما از نزدیک می‌شناسیم و واقعاً مورد قبول‌اند، بعضی را هم از حرف‌هایشان و از کارهایشان دورادور می‌شناسیم؛ هم امین‌اند، هم دلسوزاند؛ دارند تلاش می‌کنند کار می‌کنند؛ این را ما لازم است که منصفانه بیان کنیم. البته با اینکه این دوستان و این برادران برادران خوبی هستند، برادران امینی هستند و می‌دانیم که دارند برای صلاح کشور تلاش می‌کنند، درعین‌حال، من نگرانم! چون طرف مقابل، طرف حيله‌گری است. از جمله چیزهایی که غالباً پنهان می‌ماند از چشم‌ها، حيله‌گری اشخاص یا جهاتی است که دارای ظاهر بزرگ و فربهی هستند؛ آدم فکر نمی‌کند که اینها هم حيله‌گر باشند. خب! امروز آمریکا ظاهر فربهی دارد؛ قدرت مالی، قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی، قدرت نظامی، قدرت امنیتی، و غفلت می‌شود از اینکه همین دستگاه صاحب قدرت، اهل مودّی‌گری‌های آدم‌های ضعیف

هم باشد، ولی هست؛ اهل حيله گری است، اهل خدعه است، اهل خنجر از پشت زدن است؛ این جورى است. ما نباید این جور تصور بکنیم که حالا اینها چون مثلاً بمب اتم دارند یا وسایل نظامی قدرتمندی دارند، بنابراین، احتیاجی ندارند به اینکه دست به حيله و خدعه بزنند؛ نه! اتفاقاً احتیاجشان هم زیاد است و عمل هم می کنند و واقعاً خدعه گری می کنند؛ این ما را نگران می کند. باید مراقب شگردهای دشمن باشیم! هر وقتی که یک زمان معین شده است برای پایان مذاکرات و ما به این زمان نزدیک می شویم، لحن طرف مقابل - به خصوص لحن آمریکایی ها - تندتر، سخت تر، خشن تر می شود؛ این برای این است که جزو شگردهای اینهاست، جزو حيله ها و خدعه های اینهاست. و می بینید اظهاراتی هم که می کنند، واقعاً اظهارات سخیفی است، اظهارات مشمئزکننده ای است. مسئولین آمریکایی در همین ایام به مناسبت اینکه حالا یک دلقک صهیونیست رفته آنجا و حرف هایی زده، (اشاره به سفر نخست وزیر رژیم صهیونیستی به آمریکا و سخنان وی در کنگره) برای اینکه خودشان را کنار بکشند مطالبی

گفتند، اما ایران را هم متهم کردند که ایران طرفدار تروریسم است. خب! این حرف، خنده‌آور است! امروز در دنیا همه دارند مشاهده می‌کنند که آن قدرت و آن دولتی که از خبیث‌ترین تروریست‌ها - یعنی از همین داعش و امثال اینها - حمایت کرده است و اینها را به وجود آورده و هنوز هم علی‌رغم اینکه به ظاهر می‌گوید در مقابل اینهاست، دست از حمایت اینها برنمی‌دارد، آمریکا است و هم‌پیمانان آمریکا. کسانی که در منطقه دست به دست آمریکا دارند و پشتیبانی می‌کنند، کمک می‌کنند، همکاری می‌کنند، اینها هستند که طرفدار تروریسم و تروریست‌های جرّار (بسیار گشنده) خبیث هستند. آمریکا دولتی را که رسماً اعتراف می‌کند به تروریست بودن - یعنی دولت جعلی صهیونیستی - دارد حمایت می‌کند؛ صریحاً حمایت می‌کنند؛ اصلاً حمایت از تروریسم یعنی این. این زشت‌ترین شکل حمایت از تروریسم است که آنها می‌کنند، آن وقت، در عین حال، جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند به اینکه این طرفدار تروریست است؛ که باید اینها را مورد توجه قرار داد.^۷

نشانه‌های فروپاشی اخلاق سیاسی

در نظام آمریکا

همین نامه‌ای که این سناتورها نوشتند - که انواع مطالب را واقعاً انسان در این نامه [می‌بیند] - از نشانه‌های فروپاشی اخلاق سیاسی در نظام آمریکاست؛ پیداست واقعاً اینها دچار فروپاشی‌اند؛ چون همه دولت‌های عالم طبق مقررات شناخته شده و پذیرفته بین‌المللی به تعهدات خودشان پایبندند.

بالاخره یک دولتی در یک کشوری سرِ کار است، یک تعهدی می‌کند، بعد آن دولت می‌رود دولت دیگری می‌آید، آن تعهد به جای خود باقی است؛ نقضِ تعهد نمی‌کنند. این آقایان سناتور صریحاً برداشتند اعلام کردند که: اگر چنانچه این دولت در آمریکا از کار برکنار شد، این قراردادی که با شما می‌بندد و تعهدی که می‌کند، کأن لم یکن است! این نهایت فروپاشی اخلاق سیاسی است و نشان‌دهنده این است که آن دستگاه دستگاهی است که واقعاً قابل ادامه نیست؛ یعنی آن دستگاه،

دستگاه متلاشی شده‌ای است که این جور چیزها را انسان در آن مشاهده می‌کند. آن وقت می‌گویند: ما می‌خواهیم به ایرانی‌ها یاد بدهیم، درس بدهیم که بفهمند قوانین ما چیست! خب! ما احتیاج به درس آنها نداریم؛ ما اگر چنانچه به توافقی هم برسیم، بلدیم چه جوری عمل بکنیم که بعد آنها نتوانند جمهوری اسلامی را پشت در نگه دارند. این را مسئولین نظام جمهوری اسلامی بلدند که چه جوری عمل بکنند، احتیاج به درس آنها نیست اما آنها این جوری عمل می‌کنند؛ این واقعاً نشان‌دهنده فروپاشی است.^۷

نکات کلیدی در مسائل هسته‌ای

چند جمله در باب مسائل هسته‌ای:

۱- اولاً در زمینه مسائل هسته‌ای، دشمنان ما که طرف مقابل ملت ایران قرار دارند - که عمده هم آمریکا است - اینها دارند با تدبیر و سیاست‌گذاری حرکت می‌کنند. این را ما کاملاً توجّه داریم، می‌فهمند که دارند چه کار می‌کنند؛ آنها به این مذاکرات احتیاج دارند، آمریکا به مذاکرات هسته‌ای بسیار احتیاج دارد. این اختلافاتی هم که می‌بینید در بین آمریکایی‌ها هست، سناتورهای آمریکا یک‌جور، دولت آمریکا یک‌جور، این معنایش این نیست که اینها به این مذاکرات نیازمند نیستند؛ نه! آن جناح مقابل دولت، مایل است امتیازی را که در این مذاکرات وجود دارد، به نام حریفش که حزب دموکرات است، ثبت نشود؛ دنبال این هستند. به این مذاکرات احتیاج دارند و این مذاکرات را برای خودشان لازم می‌دانند اما ابراز استغنا می‌کنند.

در همین پیام نوروزی رئیس‌جمهور آمریکا متأسفانه حرف‌های غیر صادقانه‌ای وجود داشت. با اینکه نسبت به ملت ایران علی‌الظاهر اظهار دوستی

می‌کنند اما انسان کاملاً و بروشنی درمی‌یابد که این اظهارات صادقانه نیست. یکی از حرف‌ها این بود که در ایران کسانی هستند که با حلّ دیپلماتیک مسئله هسته‌ای موافقت ندارند؛ این را او می‌گوید. می‌گوید در ایران کسانی هستند که نمی‌خواهند مسئله هسته‌ای با مذاکرات دیپلماتی حل‌وفصل بشود؛ این دروغ است؛ در ایران هیچ‌کس نیست که نخواهد مسئله هسته‌ای حل بشود و با مذاکرات حل بشود. آنچه ملت ایران نمی‌خواهند عبارت است از قبول تحمیل‌ها و زورگویی‌های آمریکا؛ این را نمی‌خواهد. آنچه ملت ایران در مقابل آن مقاومت می‌کند قبول زورگویی‌های طرف مقابل است. طرف مقابل می‌گوید بیاید مذاکره کنیم و شما حرف‌های ما را موبه‌مو قبول کنید؛ این را می‌گوید. ملت ایران در مقابل این ایستاده است و یقیناً نه مسئولین ما، نه هیئت مذاکره‌کننده و پشت سر آنها ملت ایران، مطلقاً این را قبول نخواهد کرد.

۲- نکته دوم در مورد مسائل هسته‌ای این است که این مذاکراتی که امروز در جریان است که با دولت‌های اروپایی و با آمریکا مذاکره می‌کنند، مذاکره با آمریکا صرفاً در قضیه هسته‌ای است و لاغیر! این را

همه بدانند. ما دربارهٔ مسائل منطقه‌ای با آمریکا مذاکره‌ای نمی‌کنیم؛ هدف‌های آمریکا در مسائل منطقه‌ای، درست نقطهٔ مقابل هدف‌های ماست. ما در منطقه امنیت و آرامش می‌خواهیم، تسلط ملّت‌ها را می‌خواهیم؛ سیاست آمریکا در منطقه ایجاد ناامنی است. شما به مصر نگاه کنید، به لیبی نگاه کنید، به سوریه نگاه کنید! دستگاه‌های استکباری و در رأس آنها آمریکا، درمقابل بیداری اسلامی‌ای که به‌وسیلهٔ ملّت‌ها به‌وجود آمد، یک ضدّ حمله را شروع کردند که هنوز ادامه دارد و ملّت‌ها را در منطقه دارد به‌تدریج بدبخت می‌کند؛ هدف آنها این است؛ این درست نقطهٔ مقابل هدف‌های ماست. ما نه در مسائل منطقه‌ای، نه در مسائل داخلی و نه در مسئلهٔ تسلیحات، با آمریکا مطلقاً صحبت و مذاکره‌ای نداریم؛ مذاکره، صرفاً در قضیهٔ هسته‌ای است و اینکه ما در موضوع هسته‌ای با روش دیپلماسی چگونه می‌توانیم به نتیجه برسیم.

۳- نکتهٔ سوّم؛ اینکه آمریکایی‌ها تکرار می‌کنند که «ما قرارداد با ایران می‌بندیم، بعد نگاه می‌کنیم ببینیم اگر به قرارداد عمل کردند، تحریم‌ها را برمی‌داریم» این حرف، حرف غلط و غیر قابل قبولی است؛ این را ما

قبول نداریم. رفع تحریم‌ها جزو موضوعات مذاکره است، نه نتیجه مذاکرات! آن کسانی که دست‌اندرکار هستند، فرق این دو را بخوبی می‌فهمند. این یک خدعه آمریکایی است که می‌گویند: قرارداد می‌بندیم، نگاه می‌کنیم به رفتارها، بعد تحریم‌ها را برمی‌داریم! این‌جوری نیست؛ همین‌طور که مسئولین ما صریحاً گفته‌اند و رئیس‌جمهور محترم صریحاً گفت، رفع تحریم‌ها باید بدون هیچ فاصله‌ای در هنگام رسیدن به توافق انجام بگیرد، یعنی رفع تحریم جزء توافق است نه چیزی مترتب بر توافق!

۴- یک نکته دیگر؛ آمریکایی‌ها تکرار می‌کنند که ایران بایستی در تصمیم‌هایی که می‌گیرد و چیزهایی که قبول می‌کند، بازگشت‌ناپذیری‌ای وجود داشته باشد؛ این را ما قبول نداریم. اگرچنانچه طرف مقابل می‌تواند به هر بهانه‌ای باز هم تحریم‌ها را علیه ملت ایران برقرار کند، هیچ وجهی ندارد که هیئت مذاکره‌کننده ما بپذیرد و کاری انجام بدهد که این کار برگشت‌ناپذیر است؛ به‌هیچ‌وجه! این یک صنعت مردمی است، یک صنعت بومی است، متعلق به مردم است، دانش آن و فناوری آن مال مردم است، باید پیش برود؛ این پیشرفت جزء، ذات هر صنعت و فناوری است. آنها

بحث بمب اتم را پیش می‌کشند، خب! خودشان هم می‌دانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم اما این را یک بهانه‌ای قرار داده‌اند برای فشار آوردن بر ملت ایران. ما در این مذاکرات به همه تعهدات بین‌المللی پایبند بودیم، ما در این مذاکرات به تعهدات اخلاق سیاسی - اسلامی پایبند بودیم، ما نقض عهد نکردیم، ما دو جور حرف نزدیم، ما تلون به خرج ندادیم؛ نقطه مقابل و طرف مقابل ما آمریکایی‌ها هستند، عهدشکنی کردند، تلون در آراء نشان دادند، تقلب نشان دادند، رفتار آنها یک رفتاری است که برای ملت ما مایه عبرت است؛ آن کسانی هم که در درون مجموعه روشنفکری کشور هنوز ملتفت نبودند که طرف مقابلشان - آمریکا - کیست، خوب است نگاه کنند به این مذاکرات و بفهمند با چه کسی مواجه‌اند و آمریکا امروز در دنیا چه دارد انجام می‌دهد؟! این تهدیدهایی هم که می‌کنند بی‌اثر است؛ اینکه تهدید می‌کنند به تحریم بیشتر، اینکه در خلال حرف‌ها تهدید می‌کنند به تحرک نظامی، اینها تهدیدهایی است که ملت ایران را نمی‌ترساند؛ ملت ایران ایستاده است و ان شاء الله با کمال موفقیت از این آزمون بزرگ بیرون خواهد آمد؛ البته توفیقات الهی می‌تواند ملت ما را در این راه موفق کند.^۹

اعتماد به مجریان مذاکرات هسته‌ای

و دغدغه به فریبکاری دشمن

بنده به مجریان امر [مذاکرات هسته‌ای] اعتماد دارم؛ این را شما بدانید؛ این آقایانی که مشغول کار هستند، اینها افرادی هستند مورد اعتماد ما، من در مورد آنها هیچ تردیدی [ندارم]؛ در آنچه تا حالا بودند، ان شاء الله بعد از این هم تردیدی به وجود نخواهد آمد؛ هیچ تردیدی نسبت به آنها ندارم. لکن در عین حال جداً دغدغه دارم؛ این دغدغه ناشی از آن است که طرف مقابل به شدت اهل فریب و دروغ و نقض عهد و حرکت در خلاف جهت صحیح است؛ طرف مقابل این جوری است. یک نمونه‌اش در همین قضیه اتفاق افتاد؛ بعد از آنکه که مذاکره‌کنندگان ما مذاکره‌شان تمام شد، بعد از چند ساعت بیانیه کاخ سفید منتشر شد در تبیین مذاکرات. این بیانیه‌ای که آنها منتشر کردند - که اسمش را می‌گذارند «فکت‌شیت» - در اغلب موارد خلاف واقع است؛ یعنی روایتی که اینها دارند از مذاکرات و از تفاهم‌هایی که انجام گرفته

است می‌کنند، یک روایت مخدوش و غلط و خلاف واقع است. این بیانیه را آوردند من دیدم؛ چهار پنج صفحه است؛ این چهار پنج صفحه در ظرف این دو سه ساعت که تهیه نشده؛ در همان حالی که اینها داشتند مذاکره می‌کردند، این بیانیه را هم نشستند تأمین کردند. ببینید، طرف این‌جوری است؛ دارد با شما حرف می‌زند، بر سر یک موضوعاتی تفاهم به‌وجود می‌آید، در همان حالی که دارد با شما حرف می‌زند، دارد یک اعلامیه‌ای تهیه می‌کند که برخلاف آن چیزی است که بین شما و او دارد می‌گذرد و تا مذاکره‌تان تمام شد، آن اعلامیه را منتشر می‌کند! طرف این‌جوری است؛ طرف طرف بدعهدی است، طرف متقلّبی است. حرف می‌زنند، بعد هم خصوصی می‌گویند اینها برای آبروداری است؛ برای اینکه مثلاً در مقابل مخالفانشان در داخل کشورشان کم نیاورند، یک چیزهایی را اینها می‌نویسند. خب! این به ما ربطی ندارد. اگر بنا باشد که اینها ملاک عمل قرار بگیرد، آنچه آنها نوشتند، قطعاً ملاک عمل نخواهد بود. آنها البته درباره‌ی ما هم این حرف را می‌زنند. آنها گفتند که ممکن است بعد از آنکه این

مذاکرات انجام گرفت، رهبری برای آبروداری یک اظهار مخالفتی بکند؛ کافر همه را به کیش خود پندارد. ما حرفمان با مردم بر مبنای اعتماد متقابل است؛ مردم به این حقیر ضعیف اعتماد کردند، بنده هم به تک تک این ملت اعتماد دارم؛ به این حرکت عمومی اعتماد دارم؛ معتقدم «يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ»؛ اعتقاد دارم دست خدا است که دارد کار می‌کند. بیست و دوّم بهمن را نگاه کنید، در آن سرما، در آن مشکلات؛ روز قدس را نگاه کنید، در آن گرما با آن دهان روزه؛ چه کسی مردم را می‌آورد در این خیابان‌ها؟ چه گیرشان می‌آید از آمدن در این خیابان‌ها؟ این دست خدا است؛ خدا را می‌بینیم، اعتماد می‌کنیم به این حرکت مردمی، به این احساس مردمی، به این صدق و بصیرت مردمی اعتماد می‌کنیم؛ حرف می‌زنیم باهم؛ آنها [طرف مقابل] جور دیگری عمل می‌کنند، ما را هم با خودشان مقایسه می‌کنند. بنابراین دغدغه این حقیر وجود دارد؛ الآن هم من دغدغه دارم که اینها چه خواهند کرد و چگونه عمل خواهد شد؟^{۱۲}

عدم خوش بینی به مذاکرات هسته‌ای

من البته هیچ‌وقت نسبت به مذاکره با آمریکا خوش‌بین نبودم. نه از باب یک توهم بلکه از باب تجربه؛ تجربه کردیم. نه از باب یک حالا اگر یک روزی - ما که در آن روز قاعدتاً نخواهیم بود - شما ان‌شاءالله در جریان حوادث و جزئیات و یادداشت‌ها و نوشته‌های این روزها قرار بگیرید، خواهید دید که این تجربه ما از کجا حاصل شده؛ تجربه کردیم. لکن با وجود اینکه من خوش‌بین نبودم به مذاکره با آمریکا، با این مذاکرات موردی، مخالفت نکردم، موافقت کردم؛ از مذاکره‌کنندگان هم با همه وجود حمایت کردم، الآن هم حمایت می‌کنم. از رسیدن به یک توافقی که منافع ملت ایران را تأمین کند و عزت ملت ایران را حفظ کند، صددرصد من حمایت می‌کنم و استقبال می‌کنم؛ این را همه بدانند. اگر کسی بگوید که ما مثلاً با توافق یا با رسیدن به یک نقطه مخالفیم، نه، خلاف حق و خلاف واقع گفته است. اگر یک توافقی انجام بگیرد که این توافق توافقی باشد که منافع

ملّت را، منافع کشور را تأمین بکند، بنده کاملاً با آن موافقت خواهم کرد. البتّه این را هم ما گفتیم که توافق نکردن بهتر از توافق بد است - که این حرف را آمریکایی‌ها هم می‌زنند - این فرمول، فرمول درستی است؛ توافق نکردن از توافق کردنی که در آن، منافع ملّت پایمال بشود، عزّت ملّت از بین برود، ملّت ایران با این عظمت، تحقیر بشود [بهتر است]، توافق نکردن شرف دارد بر یک چنین توافق کردنی.^{۱۲}

علت عدم موضع‌گیری در موضوع هسته‌ای

بعضی‌ها سؤال کردند و می‌کنند که: چرا فلانی درباره مسئله هسته‌ای موضع نگرفته است؟ جواب این است که جایی برای موضع‌گیری وجود نداشته است. مسئولین ما، مسئولین هسته‌ای، مباشرین کار به ما دارند می‌گویند هنوز کاری انجام نگرفته، هیچ چیز الزام‌آوری بین دو طرف نگذشته است؛ چه موضع‌گیری‌ای؟! اگر از من بپرسند شما موافق‌اید یا مخالف، می‌گویم نه موافقم، نه مخالف؛ چون هنوز اتّفاقی نیفتاده است؛ هنوز کاری نشده. همه مشکل بر سر آن جزئیاتی است که بنا است بنشینند و یکایک آنها را بحث کنند؛ این را خود مسئولین هم گفته‌اند؛ هم به ما گفته‌اند، هم در مصاحبه‌هایشان به مردم این را گفته‌اند؛ همه مشکل بعد از این است. ممکن است طرف مقابل که یک طرف لجوج، بدعهد، بدمعامله، اهل دبه در آوردن، اهل چک‌وچانه کردن، اهل از پشت خنجر زدن و اهل این‌جور کارها و سیاه‌کاری‌ها است، سر جزئیات بخواهد کشور ما را، ملت ما را،

مذاکره‌کنندگان ما را در یک دایره‌ای محصور کند؛ ما هنوز هیچ چیز در اختیار نداریم، هیچ الزامی به وجود نیامده است. اینکه حالا تبریک می‌گویند، به بنده تبریک می‌گویند، به دیگران تبریک می‌گویند، بی‌معنی است، چه تبریکی؟ آنچه تاکنون انجام گرفته است نه اصل توافق و مذاکره منتهی به توافق را تضمین می‌کند، نه محتوای توافق را تضمین می‌کند؛ هیچ‌کدام را؛ حتی تضمین نمی‌کند که این مذاکرات تا به آخر برسد و به یک توافق منتهی بشود؛ اینکه تا الآن انجام گرفته، این جوری است؛ همه چیز مربوط به بعد از این است.^{۱۲}

عدم اعتماد به طرف مذاکره کننده هسته‌ای

[در مذاکرات هسته‌ای] به طرف مقابل اعتماد نکنید. خوشبختانه اخیراً یکی از مسئولین محترم صریحاً گفت که ما به طرف مقابل هیچ اعتمادی نداریم و این خیلی چیز خوبی است. گفتیم به طرف مقابل اعتماد نکنید، به لبخند او فریب نخورید، به وعده نقد که می‌دهد - وعده نقد، نه عمل نقد - اعتماد نکنید، [چون] وقتی خرش از پل گذشت، برمی‌گردد و به ریش شما می‌خندد! این قدر اینها وقیح‌اند. امروز که یک تفاهم اولیه به صورت یک یادداشت و یک اعلامیه منتشر شده است و هنوز هیچ کار نشده است و خود طرفین می‌گویند که الزامی وجود ندارد، همین حالا که توانسته‌اند این مقدار حرکت را بکنند، شما دیدید رئیس‌جمهور آمریکا در تلویزیون ظاهر شد با چه ژستی، با چه ریختی!^{۱۲}

افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی

توسعه و پیشرفت انقلاب اسلامی

در مصاف با نظام سلطه

ملت ایران کار بزرگی انجام داد؛ کار عظیمی انجام داد. در دنیایی که مبتنی بر مدار زور و زورگویی و چپاولگری قدرتمندان و زورمندان است و ملت‌های مستضعف در مناطق فراوانی از عالم، دائماً در زیر فشار این زورمندان قرار دارند، در این دنیا یک موجودی، یک هویتی سر بلند کرد که صریحاً، بدون ملاحظه، با شجاعت کامل این حرکت غلط عالم را - که حرکت سلطه‌گری است و ما از آن تعبیر می‌کنیم به نظام سلطه - نفی کرد؛ این کار ملت ایران است. ملت ایران نظام سلطه را که مبتنی بر سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است، نفی کرد. مبنای دنیای قدرتمند چپاولگر، بر تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است؛ امروز هم همین جور است، در دورانی که انقلاب اسلامی به وجود آمد هم همین جور بود و در طول تاریخ هم همین جور بوده است؛ البته امروز شدیدتر از دوران‌های

گذشته است؛ چون امروز ابزارهای سلطه، قابل مقایسه با صد سال پیش و هزار سال پیش و پنج هزار سال پیش نیست؛ لذا سلطه‌گران امکان تسلط بیشتری بر مظلومان و بر مستضعفان دارند و از این امکان دارند به‌طور کامل استفاده می‌کنند؛ منابع را می‌برند، فرهنگ‌ها را نابود می‌کنند، انسان‌ها را تذلil می‌کنند، در بین ملت‌های مظلوم و محروم گرسنگی را گسترش می‌دهند؛ و فجایع فراوان دیگر. در مقابل این حرکت، یک هویتی به‌وجود آمد به نام انقلاب اسلامی که متکی بود به مبانی وحی، مبانی الهی، اخلاق الهی، حرکت الهی و آنچه قرآن با صراحت دارد آن را بیان می‌کند؛ این حرکت ملت ایران است. این حرکت بحمدالله روزبه‌روز هم توسعه پیدا کرده؛ این حرکت پیش رفته.^۲

ضرورت خودداری از سطحی‌نگری

در چالش‌های جهانی

چالش‌های جهانی هم داریم؛ به نظر من، از سطحی‌نگری در چالش‌های جهانی بایستی خودداری کرد. ما امروز با آمریکا چالش داریم، با بعضی از کشورهای اروپایی چالش داریم؛ حالا امروز موضوع چالش به‌طور آشکار و نمایان، مسئله هسته‌ای است؛ مسائل گوناگون دیگر هم هست که مایه چالش بین ما و اینهاست؛ نگاه کنیم بینیم این چالش از چه چیزی ناشی می‌شود؛ یعنی ریشه‌ها را بفهمیم و از سطحی‌نگری پرهیز کنیم. و مشکلاتی را هم که متوجه ما می‌شود درست بشکافیم. حالا مثلاً فرض بفرمایید ما از تحریم صدمه دیدیم و آسیب‌هایی از تحریم به اقتصاد ما، به مسائل گوناگون ما وارد شده است؛ این آسیب‌ها ناشی از چیست؟ انسان اگر چنانچه درست موشکافی کند، می‌بیند این آسیب‌ها بیشتر ناشی از وابستگی ما به نفت است مثلاً؛ یا بیشتر ناشی از عدم حضور مردم در متن میدان اقتصادی است،

[یعنی] دولتی کردن اقتصاد؛ بیشتر ناشی از اینهاست. اگر ما نگاه کنیم و عامل اصلی را بشناسیم و آن عامل اصلی را به نحوی علاج کنیم، تحریم یا بی‌اثر خواهد شد یا کم‌اثر خواهد شد. اینکه دشمن می‌تواند ما را تحریم کند و مثلاً دست روی نفت ما بگذارد و این ما را آزار می‌دهد، به‌خاطر این است که ما نفت را در زندگی خودمان و در اقتصاد خودمان عمده کرده‌ایم؛ اینکه وقتی با دولت برخورد می‌کند، دستگاه‌های گوناگون دولتی مورد تحریم قرار می‌گیرند، به‌خاطر این است که این دستگاه‌ها متعلق به دولت‌اند. ما می‌توانستیم در عرصه اقتصادی، دست‌های گوناگون مردمی را وارد نکنیم. آن اشتباهاتی که کردیم در اوایل انقلاب که همین‌طور اصرار کردیم بر اینکه همه‌چیز بایست متعلق و در اختیار دولت باشد و چیزهای جزئی کوچک زندگی را هم ما سپردیم به دولت، خب! نتیجه‌اش همین چیزهاست؛ اینها را بایستی علاج کرد.

به نظر ما اگر این جور فکر کنیم و این جور حرکت بکنیم، مشکلات حل خواهد شد؛ یعنی ما در مشکلات، وابسته به عطف محبت طرف مقابل نخواهیم بود؛ می‌توانیم واقعاً خودمان تأثیر بگذاریم بر فضای چالشی‌ای که بین ما و دشمنان ما و مستکبرین وجود دارد؛ از جمله همین مذاکراتی که حالا جاری است. فعلاً مذاکراتی که بر فعالیت‌های دیپلماسی ما و فعالیت‌های سیاست خارجی ما بیشتر سایه افکنده، مذاکرات مربوط به مسائل هسته‌ای است. همین حرف، همین معیار، همین منطق، در این مذاکرات هم به نظر ما کاملاً کارایی دارد.^۷

فقط موضوع هسته‌ای محور مذاکرات

این مذاکراتی که دارد انجام می‌گیرد - که بخشی از آن هم مذاکره با طرف‌های آمریکایی است - فقط در موضوع هسته‌ای است؛ فقط! ما در هیچ موضوع دیگری فعلاً با آمریکا مذاکره نداریم؛ هیچ؛ این را همه بدانند؛ نه در مسائل منطقه، نه در مسائل گوناگون داخلی، نه در مسائل بین‌المللی؛ امروز فقط موضوع مورد بحث و مورد مذاکره، مسائل هسته‌ای است. حالا، این تجربه‌ای خواهد شد؛ اگر طرف مقابل از کج‌تابی‌های معمولی خودش دست برداشت، این یک تجربه‌ای برای ما می‌شود که خیلی خوب! پس می‌شود در یک موضوع دیگر هم با اینها مذاکره کرد؛ اما اگر دیدیم نه، این کج‌تابی‌هایی که همیشه از اینها دیده‌ایم باز هم وجود دارد و کج‌راهه دارند می‌روند، خوب! طبعاً تجربه گذشته ما تقویت خواهد شد. طرف مقابل ما همه دنیا هم نیستند، به این هم توجه بشود. گاهی در تعبیرات آدم می‌شنود - من گلايه هم کردم - از بعضی از دوستان که می‌گویند جامعه

بین‌المللی! جامعه بین‌المللی را آنها می‌گویند، جامعه بین‌المللی‌ای در مقابل ما نیست؛ یک آمریکا و سه کشور اروپایی؛ همین. آنهایی که در این مسئله دارند با ملت ایران لجبازی و کج‌تابی و بدعهدی و خباثت می‌کنند، یکی آمریکاست، یکی [هم] سه کشور اروپایی؛ کس دیگری در مقابل ما نیست. همین دو سال، دو سال و نیم قبل از این در همین شهر تهران، نمایندگان ارشد بیشتر از ۱۵۰ کشور آمدند، حدود پنجاه رئیس کشور در تهران بود در جریان جنبش غیرمتعهدها که در تهران بود جمع شدند؛ مال دو سه سال پیش [است]، مال صد سال پیش که نیست؛ مال همین تازه است؛ جامعه بین‌المللی اینها هستند. اینکه ما مدام بگوییم «جامعه بین‌المللی باید اعتماد کند»، جامعه بین‌المللی کجا بود؟ جامعه بین‌المللی به ما کاملاً هم اعتماد دارد؛ در همین کشورها هم خیلی از ملت‌هایشان، دولت‌هایشان را قبول ندارند.^{۱۲}

عدم دخالت در جزئیات مذاکرات هسته‌ای

بنده در جزئیات مذاکره [هسته‌ای] دخالتی نکردم، باز هم نمی‌کنم؛ من مسائل کلان، خطوط اصلی، چهارچوب‌های مهم و خطّ قرمزها را به مسئولین کشور همواره گفته‌ام؛ عمدتاً به رئیس‌جمهور محترم که ما با ایشان جلسات مرتّب داریم، و موارد معدودی هم به وزیر محترم خارجه؛ خطوط اصلی و کلی. جزئیات کار، خصوصیات کوچک که تأثیری در تأمین آن خطوط کلان ندارد، مورد توجّه نیست؛ اینها در اختیار آنها است، می‌توانند بروند کار کنند. اینکه حالا گفته بشود که جزئیات این مذاکرات تحت نظر رهبری است، این حرف دقیقی نیست؛ البته بنده احساس مسئولیت می‌کنم، نسبت به این مسئله به هیچ وجه بی‌تفاوت نیستم.^{۱۲}

ضرورت همزمانی توافق و لغو تحریم‌ها

در این جزئیات مذاکرات [هسته‌ای] - که خیلی هم این چند ماه آینده مهم است - اتّفاقی که باید بیفتد این است که تحریم‌ها به‌طور کامل و یکجا بایستی لغو بشود. اینکه یکی از آنها می‌گوید تحریم‌ها شش ماه دیگر لغو می‌شود، یکی می‌گوید نه ممکن است یک سال هم طول بکشد، یکی دیگر می‌گوید ممکن است از یک سال هم بیشتر بشود، اینها بازی‌های متعارف معمول اینهاست؛ اینها هیچ قابل اعتناء و قابل قبول نیست؛ تحریم‌ها بایستی - اگر چنانچه حالا خدای متعال مقدّر فرموده بود و توانستند به یک توافقی برسند - در همان روز توافق به‌طور کامل لغو بشود؛ این باید اتّفاق بیفتد. اگر قرار باشد که لغو تحریم‌ها باز متوقّف بشود بر یک فرایند دیگری، پس چرا ما اصلاً مذاکره کردیم؟ اصلاً مذاکره و نشستن پشت میز مذاکره و بحث کردن و بگومگو کردن برای چه بود؟ برای همین بود که تحریم‌ها برداشته بشود؛ این را باز بخواهند متوقّف کنند به یک چیز دیگری، اصلاً قابل قبول نیست.^{۱۲}

حفظ وحدت و تقویت همگرایی و انسجام

چهار شاخص نظام‌سازی اجتماعی اسلام

بحث را با یک تأمل قرآنی آغاز می‌کنم. خداوند متعال برای آن کسانی که وعده نصرت داده است، شرطی مقرر فرموده است: «وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج ۳۹) «والبته خدا بر پیروزی آنان سخت توانا است.» «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج ۴۱) همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و امیدارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و فرجام همه کارها از آن خدا است.» خداوند متعال، چهار شاخص را در این آیه شریفه برای آن مؤمنانی که قدرت در اختیار آنها قرار می‌گیرد و از زیر سلطه قدرتمندان جائر خارج می‌شوند، معین کرده و وعده کرده است که: «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»؛ خدای متعال قادر است که یک چنین ملّتی را نصرت کند و یقیناً هم نصرت خواهد کرد. از این چهار شرط، یکی نماز است، یکی زکات است، یکی امر به

معروف است و دیگری نهی از منکر. هر کدام این چهار خصوصیت و چهار شاخص، یک جنبه فردی و شخصی دارند، لکن در کنار آن، یک جنبه اجتماعی و تأثیر در نظام‌سازی اجتماعی [هم] دارند.

۱- نماز با آن همه راز و رمزی که در حقیقت نماز نهفته است که معراج هر مؤمن است، «قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ» (من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۰؛ «نماز تقرّب هر پرهیزکار است.») است، وسیلهٔ فوز و سعادت است، از همهٔ اعمال برتر و بالاتر است، حتی نماز دارای جنبهٔ اجتماعی هم هست. جنبهٔ اجتماعی نماز این است که یکایک مسلمانان به وسیلهٔ نماز با یک مرکز واحدی در تماس می‌شوند. در آن واحد در وقت نماز، همهٔ مسلمانان در همهٔ نقاطی که دنیای اسلام گسترده است، دل را به یک مرکز واحدی متصل می‌کنند؛ این اتصال همهٔ دل‌ها به یک مرکز واحد، یک مسئلهٔ اجتماعی است، یک مسئلهٔ نظام‌ساز است، معین‌کننده و شکل‌دهندهٔ هندسهٔ نظام اسلامی است.

۲- زکات که دارای جنبه‌های فردی است و گذشت و اعطای «ما یحب» را به انسان می‌آموزد که خود این یک تجربه و آزمون بسیار مهم است، اما یک ترجمان اجتماعی دارد؛ زکات در استعمالات قرآنی، به معنی مطلق انفاقات است اعم از زکات مصطلحی است که در آیه شریفه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (توبه ۱۰۳ «از اموال آنان صدقه‌ای بگیر.») به آن اشاره شده است؛ زکات یعنی مطلق انفاقات مالی، [اما] جنبه اجتماعی و ترجمان اجتماعی نظام‌ساز زکات این است که انسانی که در محیط اسلامی و جامعه اسلامی، برخوردار از مال دنیوی است، خود را متعهد می‌داند، مدیون می‌داند، طلبکار نمی‌داند، خود را بدهکار جامعه اسلامی می‌داند؛ هم در مقابل فقرا و ضعفا، هم در مقابل سیبل‌الله؛ بنابراین، زکات با این نگاه، یک حکم و شاخص نظام‌ساز است.

۳ و ۴- و اما امر به معروف و نهی از منکر که در واقع به نوعی زیربنای همه حرکات اجتماعی

اسلام است که: «بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ»؛ (کافی، ج ۵، ص ۵۶؛ «با آن همه فرائض و واجبات برپا می‌شود.») امر به معروف یعنی همه مؤمنان در هر نقطه‌ای از عالم که هستند، موظف‌اند جامعه را به سمت نیکی، به سمت معروف، به سمت همه کارهای نیکو حرکت دهند؛ و نهی از منکر یعنی همه را از بدی‌ها، از پستی‌ها، از پلشتی‌ها دور بدارند. هر کدام از این چهار شاخص، به نحوی ترجمان ساخت و هندسه نظام اسلامی است.

در حاشیه عرض بکنیم که این معنای مهم امر به معروف و نهی از منکر را نباید به مسائل زیر نصاب اهمیت منحصر کرد؛ بعضی تصور می‌کنند: امر به معروف و نهی از منکر منحصر می‌شود به اینکه انسان به فلان زن یا فلان مردی که یک فرع دینی را رعایت نمی‌کند، تذکر بدهد؛ البته اینها امر به معروف و نهی از منکر است اما مهم‌ترین قلم امر به معروف و نهی از منکر نیست. مهم‌ترین قلم امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از امر به بزرگ‌ترین معروف‌ها و نهی از بزرگ‌ترین

منکرها. بزرگ‌ترین معروف‌ها در درجهٔ اوّل عبارت است از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی؛ این امر به معروف است. معروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم؛ هر کسی که در این راه تلاش کند، آمر به معروف است؛ حفظ عزّت و آبروی ملّت ایران، بزرگ‌ترین معروف است. معروف‌ها اینها هستند: اعتلای فرهنگ، سلامت محیط اخلاقی، سلامت محیط خانوادگی، تکثیر نسل و تربیت نسل جوان آماده برای اعتلای کشور، رونق دادن به اقتصاد و تولید، همگانی کردن اخلاق اسلامی، گسترش علم و فنّاوری، استقرار عدالت قضائی و عدالت اقتصادی، مجاهدت برای اقتدار ملّت ایران و ورای آن و فراتر از آن، اقتدار امت اسلامی و تلاش و مجاهدت برای وحدت اسلامی؛ مهم‌ترین معروف‌ها اینها است و همه موظّفاند در راه این معروف‌ها تلاش کنند؛ امر کنند. نقطهٔ مقابل اینها هم عبارت است از: منکرها. ابتدال اخلاقی منکر است، کمک به دشمنان اسلام منکر است، تضعیف

نظام اسلامی منکر است، تضعیف فرهنگ اسلامی منکر است، تضعیف اقتصاد جامعه و تضعیف علم و فناوری منکر است؛ از این منکرها باید نهی کرد. اولین امر به معروف هم خود ذات مقدس پروردگار است که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَاتِّبَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ»؛ (نحل ۹۰) «درحقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کارهای زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد.» خدا آمر به معروف و ناهی از منکر است؛ معروف‌ها هم مشخص شده است، منکرها هم معلوم شده است. وجود مقدس پیامبر معظم اسلام ﷺ از برترین آمران به معروف و ناهیان از منکر است؛ آیه قرآن [می‌فرماید] «يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ (اعراف ۱۵۷) «همان پیامبری که آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد، و از کار ناپسند باز می‌دارد.» ائمه علیهم‌السلام بزرگ‌ترین آمران به معروف و ناهیان از منکرند؛ در زیارت می‌خوانید: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَآمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ (کافی، ج ۴، ص ۵۷۰)

«شهادت می‌دهم که نماز را به پا کردی و زکات را پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر کردی.» مؤمنین و مؤمنات در هر نقطه‌ای از جهان اسلام آمران به معروف‌اند که فرمود: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يَأْتُونَ الزَّكَاةَ»؛ (توبه ۷۱) «و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده و امری‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و نماز را برپا می‌کنند و زکات می‌دهند.» اینها، چهار پایه اصلی برای نظام‌سازی است که از هر کدام از اینها، شاخه‌هایی منشعب می‌شود. نظام اسلامی متکی است به اقامهٔ صلات، ایتاء زکات، امر به معروف، و نهی از منکر؛ یعنی انسجام و ارتباط اجتماعی و قلبی میان آحاد مردم در نظام اسلامی.^۹

ضرورت حمایت مردم از دولت‌ها

در نظام اسلامی

می‌خواهم نتیجه بگیرم برای آنچه به‌عنوان شعار سال [۹۴ «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی»] ... عرض کردم. در جامعه ما، در کشور عزیز و پهناور ما، اسلام با هر منشأ اجتماعی افراد و با هر سلیقه اجتماعی، از همه ما انسجام را، هم‌افزایی را، به یکدیگر کمک کردن را می‌خواهد. دولت‌ها در نظام اسلامی باید مورد حمایت مردم قرار بگیرند؛ حتی از سوی آن کسانی که به این شخص خاص در دولت رأی ندادند هم باید مورد پشتیبانی و حمایت قرار بگیرند؛ این حرف حقیقی و لبّ معنای انسجام اجتماعی و ملی در کشور اسلامی ماست. همه باید به‌عنوان یک واحد، با دولتی که مسئول کار و بر سر کار است، اتحاد کلمه نشان بدهند و به آن کمک کنند؛ مخصوصاً در آن مواردی که کشور با مسائل مهم و چالش‌های مهمی روبه‌رو است.^۹

حمایت از مسئولین کشور

وظیفهٔ آحاد ملت

امروز وظیفهٔ همهٔ آحاد ملت این است که از مسئولین کشور حمایت کنند و به مسئولین دولتی کمک کنند. این مخصوص این دولت نیست، مربوط به همهٔ دولت‌هاست؛ دولت‌هایی هم که بعداً سرِ کار می‌آیند همین خصوصیت را دارند. اولاً به خاطر اینکه همهٔ دولت‌ها دغدغهٔ اصلی و اساسی‌شان حلّ مشکلات مردم است؛ البته ممکن است توانایی‌های مختلفی داشته باشند و همه در یک ردیف نباشند؛ ثانیاً ممکن است که سلايق گوناگونی داشته باشند؛ اما هدف در همهٔ این دولت‌ها عبارت است از اینکه در دورهٔ مسئولیت خود در حدّ توان خودشان بتوانند مشکلات کشور را حل کنند. هر دولتی که در چهارچوب قانون اساسی بر سر کار بیاید، دولت قانونی است، دولت مشروع است. مهم نیست که چقدر و چه نسبتی از آحاد رأی‌دهندگان به این رئیس‌جمهور یا آن رئیس‌جمهور رأی دادند؛ تعداد کاهش و افزایش

آراء به محبوبیت ارتباط پیدا می‌کند، اما به مشروعیت و قانونیت ارتباطی ندارد. هر کسی با هر تعداد رأیی که از طرف اکثریت مردم بر طبق چهارچوب قانون اساسی انتخاب شد؛ این مشروع است، دولت قانونی است و باید مردم او را قانونی بدانند و تا آنجایی که می‌توانند به او کمک کنند؛ [البته] حقوق دوجانبه‌ای برقرار است.^۹

فرصت‌های بزرگ و چالش‌های پیش رو

عرض کردیم این [همدلی و هم‌زبانی]، وقتی اهمیت پیدا می‌کند که فرصت‌های بزرگی در اختیار است و چالش‌های بزرگی را انسان انتظار می‌برد؛ امروز از همین روزهاست. امروز، هم فرصت‌های بسیار بزرگی داریم، هم چالش‌هایی در پیش روی ماست که بایستی با این چالش‌ها برخورد کنیم و با کمک این فرصت‌ها، بر این چالش‌ها به توفیق الهی پیروز بشویم.

۱- فرصت نیروی انسانی:

خب! امروز فرصت‌های بزرگی داریم؛ یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌های ما مربوط می‌شود به نیروی انسانی کارآمد و مبتکر که در کشور ما بحمدالله به‌وفور و فراوانی، نیروی کارآمد و عمدتاً جوان و دارای ابتکار و روحیه وجود دارد.

یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌های ما، همراهی مردم ما و جوان‌های ما با نظام و هدف‌های نظام و امام بزرگوار است. من به شما برادران و خواهران عزیز توجّه می‌دهم که نگاه کنید در این

راهپیمایی‌های روز قدس یا بیست‌ودوم بهمن، عمده جوان‌ها هستند؛ این جوان‌ها، همان جوان‌هایی هستند که شبانه‌روز به وسیله رسانه‌های صوتی و تصویری و اینترنتی، در زیر بمباران تخریب قرار دارند؛ غوغایی است در دنیا؛ در دنیای مجازی! در دنیای رسانه‌های صوتی و تصویری، صداها رسانه، و با یک اعتبار هزارها رسانه، در حال بمباران افکار جوان‌های ما هستند! بعضی از آنها سعی می‌کنند جوان‌ها را از دین برگردانند، بعضی سعی می‌کنند آنها را از نظام اسلامی منصرف کنند، بعضی سعی می‌کنند آنها را به ایجاد اختلاف و ادا کردن، بعضی سعی می‌کنند آنها را در خدمت هدف‌های خبیث خود بگیرند، بعضی سعی می‌کنند آنها را به ولنگاری و بیکارگی سوق بدهند؛ این بمباران به‌طور دائم بر روی سر جوان‌های ما و به وسیله همین دستگاه‌ها و رسانه‌های صوتی و تصویری و اینترنتی در حال انجام است؛ در عین حال، شما نگاه می‌کنید، می‌بینید ده‌ها میلیون از همین جوان‌ها در سرتاسر کشور در

روز بیست و دوّم بهمن می‌آیند و شعار می‌دهند و ابراز احساسات می‌کنند و نسبت به امام، نسبت به اسلام، نسبت به نظام اسلامی ابراز ارادت می‌کنند؛ این چیز کوچکی نیست، این فرصت بسیار بزرگی است.

۲- فرصت پیشرفت‌های علمی:

یکی دیگر از فرصت‌ها عبارت است از پیشرفت‌های علمی‌ای که در دوران تحریم به وجود آمده است. یک وقت قدرت‌ها و دولت‌ها و پول‌ها و سرمایه‌های جهانی و بین‌المللی به کمک یک ملّتی می‌آیند؛ یک وقت همه درها را به روی یک ملّت می‌بندند، درعین حال آن ملّت می‌تواند در بخش‌های مختلف کارهای بزرگ بکند. امروز شما این کارها را مشاهده می‌کنید؛ اینها را دست‌کم نباید گرفت. همین فاز دوازدهم پارس جنوبی که چند روز قبل از این به وسیله رئیس‌جمهور افتتاح شد، یک طرح صنعتی بسیار بزرگ و پیچیده است که می‌تواند رشد اقتصادی کشور را و محصول تلاش عمومی کشور را به صورت محسوسی

افزایش بدهد. از این قبیل چیزها فراوان داریم. ملاحظه کردید در رزمایش نیروهای مسلح، دستگاه‌هایی وارد عرصه شده‌اند که دشمنان از دیدن اینها تعجب می‌کنند؛ این تعجب را به زبان هم می‌آورند؛ نه اینکه ما تعجب آنها را حدس بزنیم، خودشان می‌گویند که تعجب می‌کنند؛ اینها همه در زمان تحریم اتفاق افتاده است. این چیز کوچکی نیست، این فرصت بسیار بزرگی است، اینها را در طول سال‌های متمادی تحریم - یعنی از سالهای ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ که این تحریم‌های به گمان آنها فلج‌کننده بر کشور سایه می‌انداخته است - جوان‌های ما انجام دادند، نیروهای مبتکر ما انجام دادند. این خیلی فرصت بزرگی برای کشور است؛ [پس] همین تحریم‌ها هم فرصت است. ... خود همین تحریم‌ها به یک معنا فرصت است برای ملت ایران؛ بله! دشواری‌هایی به وجود آورده است اما این تحریم، می‌تواند فرصت باشد. ...

۳- چالش اقتصاد ملی:

امروز یکی از نقدترین و بزرگ‌ترین چالش‌های کشور مسئله اقتصاد ملی است؛ اقتصاد. انتظار به حق

مردم ما، این است که از یک اقتصاد شکوفا برخوردار باشند، رفاه عمومی باشد، طبقه ضعیف از وضعیت غیرقابل قبول خارج بشود، از مشکلات نجات پیدا کند؛ اینها انتظارات مردم ماست و این انتظارات به حق است؛ اقتصاد کشور نیازمند یک حرکت جدی و یک کار بزرگ است. ... چند سال قبل از این پیش‌بینی کردم و گفتم دشمنان بر روی اقتصاد ما متمرکز خواهند شد، (در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدس ۱۳۸۶/۱/۱) مسئولین باید به فکر باشند، خودشان را آماده کنند؛ کمرها را محکم کنند برای مواجهه با خصومت دشمنان و سیاست‌های خصمانه دشمنان که روی اقتصاد کشور متمرکز شده‌اند. ...

امروز دهه عدالت و پیشرفت از نیمه گذشته است. یک دهه را ما به عنوان دهه عدالت و پیشرفت معین کردیم و معرفی کردیم که از نیمه گذشته؛ بیست سال چشم‌انداز به نیمه رسید، بیست سالی که برای چشم‌انداز معین کردیم و سیاست‌گذاری کردیم، ده سال آن گذشته است؛ ده

سال [دیگر] در مقابل روی ما است، اینها مسائل مهمی است؛ حساسیت مسائل اقتصادی با توجه به این واقعیت‌ها بیشتر می‌شود.

دشمنان ما صریحاً می‌گویند که: هدفشان از فشارهای اقتصادی، یک هدف سیاسی است. هدف آنها این است که مردم ایران را در مقابل نظام اسلامی قرار بدهند؛ (شعار مرگ بر آمریکای حضّار) توجه بفرمایید؛ البتّه بله! «مرگ بر آمریکا»، چون آمریکا آن عامل اصلی این فشارها است و خودشان هم اصرار دارند بر اینکه متمرکز بشوند روی اقتصاد ملّت عزیزما. هدفشان چیست؟ هدف این است که مردم را در مقابل دستگاه قرار بدهند؛ این را صریحاً می‌گویند که: می‌خواهیم فشار اقتصادی بیاوریم تا وضعیت مردم سخت بشود و مردم وادار به اعتراض بشوند در مقابل دولت و در مقابل نظام اسلامی! این را صریحاً می‌گویند. البتّه به‌دروغ گاهی ادّعا می‌کنند که طرف‌دار ملّت ایران‌اند که این دروغ‌ها را نمی‌شود باور کرد و نباید از دشمن باور کرد، لکن هدفشان، همان هدف سیاسی است.

می‌خواهند این امنیتی که امروز در کشور ما هست را - که این امنیت، در منطقه غرب آسیا که ما در آن قرار داریم، بی‌نظیر است؛ بحمدالله امروز نه در شرق ما، نه در غرب ما، نه در شمال ما، نه در جنوب ما، در هیچ کشوری امنیتی مانند امنیتی که امروز بر کشور ما و ملت ما حاکم است، وجود ندارد - به‌دست مردم از بین ببرند و مردم را وادار کنند به برهم زدن امنیت؛ و حرکات اعتراضی را در کشور شروع کنند؛ دارند تحریک می‌کنند، دارند کار می‌کنند، دارند برنامه‌ریزی می‌کنند. این کاری است که باجدیت و با شدت به‌دنبال آن هستند؛ خب! این یک شرایط مهم است، این یک چالش بزرگ است. وقتی یک چنین چالشی در کشور وجود دارد، همه نیروها باید در کنار هم قرار بگیرد، با هم کار کنند و مسئله اقتصاد را جدی بگیرند.^۹

ضرورت ایجاد همدلی و هم‌زبانی

[با بیانیه مذاکرات هسته‌ای] بعضی‌ها موافقت کردند، بعضی مخالفت کردند؛ در این مطبوعات ما، در این نوشته‌های [کشور] ما، در سایت‌های فضای مجازی و غیره، بعضی ستایش می‌کنند، بعضی هم مخالفت می‌کنند.

به اعتقاد بنده، مبالغه نباید کرد! عجله هم نباید کرد! باید ببینیم چه اتفاقی خواهد افتاد؛ البته من به خود مسئولین هم این را گفته‌ام همین چند روز؛ مسئولین باید بیایند مردم را و به‌خصوص نخبگان را از جزئیات و واقعیات مطلع کنند؛ ما چیز محرمانه نداریم، چیز مخفی نداریم. این مصداق همدلی با مردم است؛ همدلی و هم‌زبانی که ما گفته‌ایم، همدلی یک چیز زورکی نیست، یک چیز دستوری نیست که کسی دستور بدهد که مردم همدلی کنید، مردم هم بگویند چشم، این همدلی نمی‌شود؛ همدلی مثل یک گل است، مثل یک نهال و بوته گل است، باید نهال را نشاند در زمین، بعد از آن مراقبت کرد، آن را آبیاری کرد، از لطمه زدن

به آن باید جلوگیری کرد تا این همدلی رشد کند؛ بدون این، همدلی نخواهد شد. همدلی از هم‌زبانی هم بهتر است، هم‌زبانی هم خوب است.

ای بسا هندو و ترک هم‌زبان

ای بسا دو ترک چون بیگانگان

پس زبان محرمی خود دیگر است

همدلی از هم‌زبانی بهتر است

همدلی لازم است؛ همدلی را باید به‌وجود آورد؛ همدلی را باید رشد داد. این توصیه من به همه است. الآن فرصت خوبی است برای همدلی؛ یک عده‌ای مخالف‌اند، یک عده‌ای اعتراض دارند؛ خیلی خب! مسئولین ما که مردمان صادقی هستند، مردمان علاقه‌مند به منافع ملی‌اند، بسیار خب! یک جمعی از مخالفین را - از آن افرادی را که شاخص‌اند - دعوت کنند، حرف‌های آنها را بشنوند؛ ای بسا در حرف‌های آنها یک نکته‌ای باشد که این نکته را اگر رعایت کنند، کارشان بهتر پیش برود؛ اگر چنانچه نکته‌ای هم نبود، آنها را قانع کنند؛ این می‌شود همدلی؛ این می‌شود

یکسان‌سازی دل‌ها و احساس‌ها، و به تبع آن عمل‌ها. به نظر من بنشینند، بشنوند، بحث کنند. حالا ممکن است بگویند آقا ما سه ماه بیشتر زمان نداریم؛ خب! حالا سه ماه بشود چهار ماه، آسمان که به زمین نمی‌آید؛ چه اشکالی دارد؟ کمالینکه آنها در یک برهه دیگری هفت ماه زمان را عقب انداختند. خیلی خب! دوستان ما هم اگر چنانچه در این همدلی‌ها و هم‌زبانی‌ها و تبادل‌نظرها یک وقتی گرفته شد، چه اشکال دارد، وقتی گرفته بشود، یک خرده زمان آن تصمیمات نهایی عقب بیفتد؛ طوری نخواهد شد.^{۱۲}

اقتدار ملّی

مهم‌ترین شروط

تحقق آرزوهای بزرگ ملّت ایران

در سال ۹۴، آرزوهای بزرگی برای ملّت عزیزمان داریم که همه این آرزوها هم دست یافتنی است. آرزوهای بزرگ ما برای ملّت در این سال، پیشرفت اقتصادی است؛ اقتدار و عزّت منطقه‌ای و بین‌المللی است؛ جهش‌های علمی به معنای واقعی است؛ عدالت قضائی و اقتصادی است؛ و ایمان و معنویّت است که از همه مهم‌تر و پشتوانه همه آن سرفصل‌های دیگر است. به نظر ما همه این خواسته‌ها و آرزوها دست یافتنی است؛ هیچ‌کدام از اینها چیزهایی نیست که از ظرفیّت ملّت ایران و ظرفیّت سیاست‌های نظام بیرون باشد. ظرفیّت‌های ما بسیار زیاد است. ... این ظرفیّت عظیم و مهم دست یافتنی است ولی شروطی دارد؛ یکی از مهم‌ترین شروط عبارت است از همکاری‌های صمیمانه میان ملّت و دولت؛ اگر این همکاری صمیمانه از دو سو شکل بگیرد، یقیناً همه

آنچه را که جزو آرزوهای ماست دست یافتنی است و آثار آن را مردم عزیزمان به چشم خواهند دید. دولت، کارگزار ملت است؛ و ملت، کارفرمای دولت است. هرچه بین ملت و دولت صمیمیت بیشتر و همکاری بیشتر و همدلی بیشتری باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت. باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ هم دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمّیت و توانایی‌های ملت را به‌درستی بپذیرد، هم ملت به دولت که کارگزار کارهای اوست، به معنای حقیقی کلمه اعتماد کند. ... لذا به نظر من امسال را باید سال همکاری‌های گستردهٔ دولت و ملت دانست؛ من این شعار را برای امسال انتخاب کردم: «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی». امیدواریم این شعار در عمل تحقّق پیدا کند و هر دو کفهٔ این شعار، یعنی ملت عزیزمان، ملت بزرگمان، ملت با همّت و با شجاعت‌مان، ملت بصیر و دانایمان، و همچنین دولت خدمتگزار بتوانند به این شعار به معنای حقیقی کلمه عمل بکنند و آثار و نتایج آن را ببینند.^۸

حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب

برکات مجاهدت و شهادت یک ملت

ما مدّعی نیستیم که توانستیم اهداف اسلامی را در کشور پیاده کنیم؛ ما این را اصلاً ادّعا نمی‌کنیم. ما در بسیاری از موارد توانایی‌هایمان محدود بوده است و آنچه را می‌خواستیم عمل کنیم، نتوانستیم در آن حدّ مورد علاقه خودمان عمل کنیم اما حرکت خودمان را ادامه دادیم؛ ما به سمت این قله داریم حرکت می‌کنیم. سعی کردند ما را از این حرکت پشیمان کنند، نتوانستند؛ سعی کردند متوقّف کنند، نتوانستند؛ سعی کردند ما را به عقب برگردانند، نتوانستند. بله! به قله نرسیدیم اما از این دامنه، مبالغ زیادی حرکت کردیم و پیش رفتیم و این حرکت ادامه دارد و این انگیزه ادامه دارد و این انگیزه روزبه‌روز ان‌شاءالله بیشتر خواهد بود و متوقّف نمی‌شود. یک روزی بعضی‌ها فکر می‌کردند و بعضی‌ها هم به زبان می‌آوردند که: آقا! شما این بچه‌های دانشجو را دارید می‌برید جبهه - درحالی‌که ما نمی‌بردیم، خودشان داشتند با شوق می‌رفتند؛

آنهايي هم كه جلويشان گرفته مي‌شد، با انواع تلاش‌ها و ترفندها افراد پيرامون خود را وادار مي‌کردند كه اجازه بدهند بروند - دانشگاه‌ها خالي مي‌شود، علم متوقف مي‌شود؛ حركت آنها و تلاش آنها و مجاهدت آنها موجب شد كه ما در حركت علمي خودمان؛ از ساير حركاتي كه در جامعه به وجود مي‌آيد، پيشتر و بيشتر جلو برويم. بحمدالله امروز ما در حركت علمي مان در سطح كشور، يك وضعيت قابل قبولى داريم؛ يك وضعيت افتخارآمизи داريم؛ آن روز تصوّر نمي‌شد؛ آن روز شايد گفته مي‌شد كه اگر چنانچه اين نخبه، اين هنرمند، اين دانشجو، اين استاد، اين معلم برود به جبهه و كشته بشود، خلاً به وجود مي‌آيد. معلوم شد كه بركات شهادت و جهاد در راه خدا خيلي بيش از اين حرف‌هاست. آنها رفتند، [اما] امروز بحمدالله برجستگاني به وجود آمدند كه در عالم علم، در زمينه‌هاي هنر، در بخش‌هاي گوناگون، برجسته‌اند؛ يعني قابل نشان دادن در سطح بين‌المللي و جهاني هستند. اينها بركات حركت و مجاهدت يك ملت است و اين ادامه خواهد داشت؛ پيش خواهد رفت و ادامه خواهد داشت.^۲

زنده نگه داشتن یاد شهیدان

از نیازهای حیاتی و ضروری کشور

من عقیدهٔ راسخ دارم بر اینکه یکی از نیازهای اساسی کشور، زنده نگه داشتن نام شهدا است؛ این یک نیازی است که ما - چه آدم‌های مقدس‌مآب و متدینی باشیم؛ چه آدم‌هایی باشیم که خیلی هم مقدس‌مآب نیستیم، اما به سرنوشت این کشور و به سرنوشت این مردم علاقه‌مندیم - هرچور که فکر بکنید، بزرگداشت شهدا برای آیندهٔ این کشور، حیاتی و ضروری است. فرهنگ شهادت یعنی فرهنگ تلاش کردن با سرمایه‌گذاری از خود برای اهداف بلندمدت مشترک بین همهٔ مردم؛ که البته در مورد ما آن اهداف، مخصوص ملت ایران هم نیست، برای دنیای اسلام بلکه برای جهان بشریت است. این فرهنگ در جامعه‌ای اگر جا افتاد، درست نقطهٔ مقابل فرهنگ فردگرایی غربی امروز [است] که همه‌چیز را برای خود و با محاسبهٔ شخصی می‌سنجند؛ برای همه‌چیز یک قیمت اسکناسی و پولی قائل‌اند و آن، به دست آوردن آن



پول است؛ این درست نقطهٔ مقابل آن فرهنگ است؛ یعنی: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ»؛ (حشر ۹) اینها کسانی هستند که ایثار می‌کنند؛ فرهنگ ایثار، فرهنگ گذشت، فرهنگ مایه گذاشتن از خود برای سرنوشت جامعه و برای سرنوشت مردم. این فرهنگ اگر عمومی شد، این کشور و هر جامعه‌ای که این فرهنگ را داشته باشد، هرگز متوقف نخواهد شد؛ به عقب بر نخواهد گشت و پیش خواهد رفت. این کار شما این فرهنگ را زنده می‌کند. بنابراین من از همهٔ برادران و خواهرانی که در این کار نیک مشغول همکاری و شرکت در این کار هستند تشکر می‌کنم و امیدوارم که همه موفق باشید. این سه مجموعه‌ای که امروز اینجا حضور دارید - مجموعهٔ ستاد بزرگداشت شهدای هنرمند، ستاد بزرگداشت شهدای دانشجوی، ستاد بزرگداشت شهدای معلمان امور تربیتی - هر کدام از اینها در نوبهٔ خود یک کار باارزش و پرمغز و پرمضمونی است که ان شاء الله آثار آن را هم در جامعه مشاهده خواهیم کرد.^۲

شهیدان، از قشرهای برتر و نخبه جامعه

بسیار جلسه نورانی و معطر و پرمغز و پرمعنایی است. کسانی که به عنوان شهید در این جلسه معرفی شدند، جزو قشرهای برتر و نخبه جامعه اند؛ دانشجویان اند، هنرمندان اند، معلمان اند، دانش آموزان اند؛ این نشان دهنده این است که انگیزه فداکاری در راه خدا و شهادت در این راه، در سطوح گوناگون در جامعه ما رواج و گسترش داشته؛ این خیلی مطلب مهمی است. استاد دانشگاه می رود شهید می شود، هنرمند می رود شهید می شود، دانشجو می رود شهید می شود. بسیاری از این نام آوران عرصه دفاع مقدس ما - که نام هایشان زینت بخش خیابان های ما و مراکز ما و عکس هایشان زینت بخش محیط های زندگی ماست - یا اغلبشان، دانشجویانی بودند؛ بعضی از اینها حقیقتاً نوابغ بودند؛ هنرمندانی بودند، معلمان بودند، اساتیدی بودند؛ رفتند و جان خودشان و عمر خودشان را - ارزشمندترین چیزی که انسان از امور مادی در اختیار دارد یعنی زندگی خودشان را - در راه خدا، در راه اهداف، هدیه کردند، تقدیم کردند؛ این بسیار مهم است.^۲

حقیقت نظام اسلامی

نظام اسلامی که ما مدّعی آن هستیم و دنبال آن هستیم - حالا نظام اسلامی به معنای مجموعه ظرفیت‌هایی است در کشور که حرکت عمومی مردم را و مسئولین را شکل می‌دهد؛ به این می‌گوییم نظام؛ همه ظرفیت‌هایی که موجب حرکت عمومی مردم و مسئولین می‌شود، مجموع اینها، نظام اسلامی است - وقتی این نظام واقعاً اسلامی است که در آن همه اجزای اسلام محفوظ باشد و صورت و سیرت اسلام در آن حفظ بشود. صورت اسلام، همین حرف‌های ما و اظهارات ما و کارهایی که می‌کنیم و این ظواهر امر است؛ سیرت اسلام، این است که ما یک هدفی را، یک آرمانی را، یک سرمنزلی را در نظر بگیریم و تعریف کنیم و برای رسیدن به آن سرمنزل، برنامه‌ریزی کامل کنیم، و در این راه عمل کنیم، حرکت کنیم، با همه وجود راه بیفتیم؛ آن وقت در آن صورت، سیرت اسلامی هم، هم، محفوظ خواهد ماند، هم رو به کمال خواهد رفت؛ یعنی در یک حد هم متوقّف نمی‌ماند؛ خب! این برنامه‌ای است که ما برای رسیدن به آن اهداف، به آن احتیاج داریم.^۷

وظیفه ما

تحقق اسلام کامل

در همه کارهایی که ما داریم، در همه تلاش‌هایی که می‌کنیم، چه تصمیم‌هایی که در مسائل می‌گیریم، چه در مسائل فرهنگی، ... اقتصادی ما باید این اصل را از یاد نبریم که وظیفه ما تحقق بخشیدن به اسلام به‌کامله است؛ باید دنبال اسلام کامل باشیم. این‌جور نباشد که از آرمان اسلام بکاهیم به‌خاطر اینکه مثلاً در فلان قضیه موفق بشویم؛ نه! موفقیت ما، پیشرفت ما وابسته به این است که ان‌شاءالله بتوانیم [اسلام کامل را محقق کنیم]. اگر این‌جور شد، خدای متعال هم کمک خواهد کرد، و نصرت الهی قطعاً و یقیناً و بدون هیچ تردیدی متوقف به این است که ما دین خدا را نصرت کنیم: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمّد ۷ «اگر خدا را یاری کنید، یاری‌تان می‌کند.») دیگر صریح‌تر از این و واضح‌تر از این، حرفی وجود ندارد؛ «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ» یعنی دین خدا را نصرت کنید؛ «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ

أَقْدَامَكُمْ»؛ (محمّد ۷ ... و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.) «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ»؛ (حج ۴۰ «و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد.») اینها دیگر چیزهای مؤکّدی است که وعده‌های الهی است؛ نباید به این وعده‌های الهی بی‌توجّه بود؛ «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ»؛ (فتح ۶ «به خدا گمان بد برده‌اند.») اینکه واقعاً انسان وعده خدا را غیر قابل تحقّق بداند، بدترین سوءظنّ به خدای متعال است که خدای متعال در سوره مبارکه اَنَّا فَتَحْنَا، اَن كَسَانِي را که این جور حرکت می‌کنند، مورد غضب خود دانسته است. (فتح ۶ «و [تا] مردان و زنان نفاق‌پیشه و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد برده‌اند، بد زمانه بر آنان باد و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنّم را برای آنان آماده گردانیده و چه بد سرانجامی است.»)

امیدواریم خداوند متعال به شما و به ما توفیق بدهد که بتوانیم آنچه را وظیفه ماست در این زمینه، انجام بدهیم و برکات الهی را که ناشی از این جور حرکت کردن است، ان شاء الله شامل حال خودمان، کشورمان، ملتّمان قرار بدهیم.^۷

حقیقت بیست‌ونهم فروردین

معنای بیست‌ونهم فروردین را باید درست فهمید. بیست‌ونهم فروردین یعنی ارتش متعلق است به ایران، به انقلاب، به مردم؛ و در خدمت هدف‌های مردم و در خدمت هدف‌های انقلاب ایستاده است؛ همان‌طور که الآن این جوان‌های عزیزمان در سرود خواندند، ارتش به پای انقلاب ایستاد. این معنای بیست‌ونهم فروردین است. این از جمله کارهای بزرگ بود و آثار ماندگاری داشت؛ بعد از این هم آثار بیشتری خواهد داشت. و ان‌شاءالله شما جوان‌ها در این فضا، در این محیط، با این جهت‌گیری رشد می‌کنید و ان‌شاءالله برای کشورتان افتخار خواهید آفرید.^{۱۳}

حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های اجتماعی

ضرورت دریافت و رساندن پیام شهیدان

در مورد شهید خدای متعال می‌فرماید که اینها زنده‌اند: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ». (بقره ۱۵۴) «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» * فرحین بما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». (آل عمران ۱۶۹ - ۱۷۰) اینها آیات قرآن است؛ اینها صریح در یک معارفی است که از این معارف هیچ مسلمانی نمی‌تواند چشم‌پوشد. هر کسی به اسلام و به قرآن اعتقاد دارد، این معارف بایستی جلوی چشمش باشد. این آیه شریفه قرآن می‌گوید اینها زنده‌اند؛ حیات اینها یک حیات واقعی است، یک حیات معنوی است و نزد خدای متعال مرزوق‌اند؛ یعنی دائم تفضلات الهی دارد به اینها می‌رسد؛ «فَرَحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». (آل عمران ۱۷۰) آن طرف مرز زندگی و مرگ، چه خبر است؟ انسان‌ها از آن عالم و نشئه مجهول، چه می‌دانند؟ در مورد شهدا می‌دانیم

که اینها خرسندند، خوشحال‌اند، مسرورند؛ «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». بعد از این بالاتر: «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ»؛ (آل‌عمران ۱۷۰) یعنی با ما دارند حرف می‌زنند، خطاب می‌کنند به ما: «أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». (آل‌عمران ۱۷۰) خیلی مهم است؛ این گوشی که بتواند ندای ملکوتی شهدا را بشنود، این گوش را باید در خودمان به‌وجود بیاوریم. آنها دارند به ما بشارت می‌دهند، مژده می‌دهند، خوف و حزن را نفی می‌کنند: «أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». ما بر اثر ضعف‌های خودمان، دچار خوف می‌شویم، دچار حزن می‌شویم؛ اینها به ما می‌گویند که: شما خوف ندارید، حزن ندارید یا در مورد خودشان می‌گویند: یا در مورد ما - بنابر اختلافی که حالا در تفسیر این آیه شریفه ممکن است مطرح بشود - خوف و حزن را برمی‌دارند؛ چه در این نشئه، چه در آن نشئه. برای یک ملت چقدر مهم است که در حرکت خود، در پیشرفت خود حقیقتاً دارای خوف نباشد،

دارای حزن نباشد، با امید حرکت کند؛ این پیام شهادت به ما؛ که باید این پیام را شنید.

شما با این جلسات، با این اجتماعاتی که تشکیل می‌دهید، موظفاید این پیام را به گوش‌ها برسانید. ... وقتی جلسه‌ای تشکیل می‌شود در بزرگداشت شهیدان، آنهایی که شرکت می‌کنند در این جلسه، هرچه دارای ارج و مقام باشند، بیش از آنچه آنها به آن جلسه برکت و فایده و عظمت بدهند، آن جلسه است که به آنها خیر و برکت و هدایت و معرفت می‌دهد؛ واقع قضیه این است. کاری کنید که این جلسات، این برکات را داشته باشد؛ اینها را گسترش بدهد، این فرهنگ را در جامعه گسترش بدهد.^۲

بزرگداشت شهیدان

تداوم حرکت جهادی و شهادت

جلسات بزرگداشت، ادامه حرکت جهادی و ادامه شهادت است. اگر نام شهیدان ما تکرار نمی‌شد، تجلیل نمی‌شدند و احترام به آنها و خانواده‌های آنها در جامعه ما به صورت یک فرهنگ در نمی‌آمد - که خوشبختانه به صورت فرهنگ درآمده - امروز بسیاری از این یادهای ارزشمند و گرانها فراموش شده بود؛ این ارزشگذاری عظیمی که با حرکت شهادت در یک جامعه به وجود می‌آید، به فراموشی سپرده شده بود. نباید بگذارید این اتفاق بعد از این هم بیفتد؛ روزبه روز باید یاد شهدا و تکرار نام شهدا و نکته‌یابی و نکته‌سنجی زندگی شهدا در جامعه ما رواج پیدا کند. و اگر این شد، آن وقت مسئله شهادت که به معنای مجاهدت تمام‌عیار در راه خدا است، در جامعه ماندگار خواهد شد. و اگر این شد، برای این جامعه دیگر شکست وجود نخواهد داشت و شکست معنا نخواهد داشت؛

پیش خواهد رفت. عیناً مثل ماجرای حسین بن علی علیه السلام؛ امروز ۱۳۰۰ سال یا بیشتر از شهادت حضرت اباعبدالله علیه السلام می‌گذرد و روزبه‌روز این داستان برجسته‌تر و زنده‌تر شده. این داستان در بطن خود دارای یک مضامینی است که این مضامین برای حیات اسلامی جامعه ضروری است. اگر این مضامین گسترش پیدا نمی‌کرد، از اسلام و از قرآن و از حقایق معارف اسلامی هم امروز خبری نبود. اینجا هم همین‌جور است؛ نگذارید نام شهدا و یاد شهدا فراموش بشود یا در جامعه ما کهنه بشود؛ و البته با ابتکارات؛ این جلسات بزرگداشتی که آقایان به‌وجود می‌آورید - که خیلی با ارزش است - صرفاً یک جلسه ترحیم باشکوه نیست؛ این جلسات، دارای مضامین ویژه خودش است؛ بایستی شهادت را معنا کند، شهید را معرفی کند، فرهنگ شهادت را در جامعه ماندگار کند.^۲

ارزیابی تحقق عزم ملّی و مدیریت جهادی

در سال ۹۳

سال ۹۳ هم در عرصه داخلی و هم در عرصه خارجی و بین‌المللی برای کشور ما سال پرماجرایی بود؛ چالش‌هایی داشتیم، پیشرفت‌هایی هم داشتیم؛ ما در اوّل سال ۹۳ با توجّه به همین چالش‌ها بود که عنوان سال را گذاشتیم «عزم ملّی و مدیریت جهادی». با نگاهی به آنچه در سال ۹۳ گذشت، مشاهده می‌کنیم که عزم ملّی بحمدالله بُروز و ظهور داشت. ملّت ما عزم راسخ خود را هم در تحمّل برخی مشکلاتی که برای او وجود داشت، نشان داد، هم در روز بیست و دوّم بهمن، در روز قدس و در راهپیمایی عظیم اربعین این عزم را، این همّت را از خود بُروز داد و نشان داد. مدیریت جهادی هم در برخی از بخش‌ها بحمدالله بارز و آشکار بود. در آن بخش‌هایی که مدیریت جهادی را انسان مشاهده کرد، پیشرفت‌ها را هم در آنجا مشاهده کردیم. این البته توصیه مخصوص سال ۹۳ نیست، هم عزم ملّی و هم مدیریت جهادی برای امسال و برای همه سال‌های پیش رو برای ملّت ما مورد نیاز است.^۸

اندیشه و تفکر سیاسی امام خمینی ره

امام خمینی ره و احیای ارتش

بدون شک یکی از برجسته‌ترین و مفیدترین اقدامات و ابتکارات امام بزرگوار، اعلام «روز ارتش» بود. (اعلام روز ارتش ۱۳۵۸/۱/۲۶) اگر یک نگاهی بکنیم به انگیزه‌هایی که آن روز در سطح کشور و نسبت به همه زوایای کشور در ذهن دشمنان ایران و انقلاب وجود داشت، می‌فهمیم که اعلان یک روز به عنوان روز ارتش کار بزرگی بود، کار مفیدی بود، کار ضروری و لازمی بود. بعضی از شما جوان‌ها یادتان نیست آن روزها را، بعضی هم اصلاً در آن ایام در دنیا نبودید؛ انگیزه بسیار قوی و خطرناکی وجود داشت حتی از درون خود ارتش برای نابود کردن ارتش ایران؛ تلاش می‌کردند؛ برای این کار، منطق و فلسفه ارائه می‌کردند. در داخل خود ارتش عناصری وجود داشتند که به عنوان ارتش مکتبی و ارتش توحیدی، می‌خواستند ارتش را از بین ببرند و نابود کنند؛ چنین انگیزه‌هایی وجود داشت، امام در مقابل این

انگیزه‌ها ایستاد؛ امام تشخیص دادند که ارتش باید با قوّت و قدرت بماند و نقش ایفا کند و عوارضی را که توانسته بود در دوران طاغوت، ارتش را از مردم جدا بکند، بایستی زائل کرد؛ و زائل کردند. ارتش به‌عنوان یک مجموعه انقلابی و نه فقط انقلابی به زبان و ادّعا، بلکه انقلابی در عمل، در عرصه‌ها باقی ماند، در وسط میدان باقی ماند و نقش ایفا کرد.^{۱۳}



تدابیر دفاعی و رزمی

- افزایش آمادگی همه جانبه
- تعامل و هماهنگی بین نیروهای مسلح

افزایش آمادگی همه جانبه

ضرورت آمادگی

برای دفاع مقتدرانه و همه جانبه

یک خصوصیت دیگری که باید نیروهای مسلح ما به آن توجه داشت باشند، خوشبختانه توجه هم کرده‌اند و این کاملاً آشکار است، مسئله عمل به آیه شریفه: «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِيبِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (انفال ۶۰) و هرچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید. است. معنای این آیه این است که غافلگیر نشوید؛ معنایش این است که اگر چنانچه دشمنی به شما حمله کرد، شما بر اثر کمبود امکانات، کمبود سلاح و مهمات، کمبود آمادگی، خسارت تحمل

نکنید، که خسارت شما خسارت ملت است، خسارت شما خسارت اسلام است. لذا عرض کردم پیشرفتهایی که تا امروز نیروهای مسلح ما در این زمینه داشته‌اند نمونه است. یعنی در سطح کشور با اینکه خوشبختانه کشور ما از لحاظ پیشرفتهای علمی و فناوری یک سطح قابل قبول و برجسته‌ای در دنیا دارد، اما در بین مجموعه پیشرفتها، پیشرفتهای تسلیحاتی و پیشرفتهای نظامی ما جزو برترین‌ها است. آن مقداری که ما در طول این سال‌ها توانسته‌ایم تجهیزات و امکانات کشور را پیش ببریم، در این فاصله زمانی، در این مقطع زمانی، با این فشارها، با این تحریم، با این کمبود منابع، یک کار بسیار فوق‌العاده است؛ بسیار فوق‌العاده است.

خوشبختانه نیروهای مسلح در بخش‌های مختلف، خودشان یا بالمباشره یا با برنامه‌ریزی و با استفاده از دستگاه‌های علمی و فناوری توانسته‌اند کارهای بزرگی بکنند و این کار باید ادامه پیدا کند. آنچه من تأکید می‌کنم این است که پیشرفتهای

کشور در زمینه‌های تسلیحاتی و در زمینه‌های آمادگی‌های رزمی باید همچنان طریق پیشرفت را ادامه بدهد؛ دشمنان ما این را نمی‌خواهند. امروز یکی از ابزارهای فشار تبلیغاتی بر جمهوری اسلامی همین مسئله است - مسئله موشک‌ها، مسئله پهپادها، مسئله امکانات نظامی و همین چیزهایی که با هنر جوانان ما در داخل کشور بدون کمک گرفتن از این و آن به وجود آمده است - می‌خواهند این نباشد، می‌خواهند این را متوقف کنند. منطق صحیح عقلایی با پشتوانه آیه قرآن به ما می‌گوید این راه را باید دنبال بکنید.

طرف مقابل با وقاحت تمام ما را تهدید نظامی می‌کند؛ با وقاحت، مرتب تهدید نظامی می‌کند؛ چند وقتی بود ساکت بودند، باز چند روز قبل از این یکی از آنها دهن باز کرد و راجع به گزینه‌های روی میز و گزینه نظامی بنا کرد حرف زدن. خب! این لاف را می‌زنند، این غلط زیادی را می‌کنند، آن وقت می‌گویند جمهوری اسلامی قدرت دفاع را از خود سلب کند؛ این حرفی که آنها می‌زنند

ابلهانه نیست؟ حتی اگر ما را این جور صریحاً هم تهدید نمی کردند، لازم بود به حکم: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ»، (انفال ۶۰) ما به فکر باشیم؛ حتی اگر تهدید هم نمی کردند باید ما این مراقبت را می کردیم، این آمادگی ها را افزایش می دادیم؛ حالا که صریحاً هم دارند تهدید می کنند. از آن طرف تهدید می کند، از آن طرف می گوید شما نباید موشک بسازید، نباید چنین کنید؛ نباید چنان کنید، مدام دستورات بدون پشتوانه و ابلهانه در فضای تبلیغاتی یا در قرارهای بین المللی صادر می کنند. نخیر، جمهوری اسلامی اولاً ثابت کرده است و نشان داده است که در دفاع از خود کاملاً مقتدرانه و در نهایت اقتدار عمل می کند؛ همه ملت مثل یک مشت مستحکم گرد هم می آیند و در مقابل متجاوز، در مقابل متعرض، در مقابل مهاجم غیر منطقی می ایستند؛ در دفاع، ملت ما یکپارچگی کامل دارد و هیچ چیز دیگری تأثیر نمی گذارد؛ این یک. و جمهوری اسلامی خود را آماده نگه می دارد و آمادگی خود را حفظ می کند.^{۱۳}

هشدار!

به مسئولان نیروهای مسلح

این همیشه باید آویزه گوش مسئولان نیروهای مسلح باشد: حفظ امنیت کشور، حفظ امنیت مرزها، حفظ امنیت عمومی زندگی مردم، چیزهایی است که به عهده مسئولانی است که در این زمینه فعال اند.

از خداوند متعال می‌خواهیم که روزبه‌روز توفیقات نیروهای مسلح را افزایش بدهد و به شما جوان‌ها ان شاء الله توفیق بدهد و بتوانید نقش ایفا کنید. نقش هم فقط جنگیدن نیست، آمادگی ایجاد کردن، پیشرفت ایجاد کردن و سازندگی درونی شخصی و سازندگی تشکیلاتی و سازمانی و مانند اینها، جزو کارهای بزرگ است؛ البته یک روز هم اگر درگیری رخ بدهد، حضور در عرصه‌های نبرد هم جزو آمادگی‌ها و جزو امتحان‌ها و مانند اینهاست. امیدواریم که ان شاء الله خداوند در همه زمینه‌ها به شما توفیق بدهد.^{۱۳}

تعامل و هماهنگی بین نیروهای مسلح

ضرورت افزایش آمادگی روزافزون

نیروهای مسلح

همهٔ دستگاه‌های جمهوری اسلامی - از وزارت دفاع تا سازمان‌های ارتش و سپاه و دیگر دستگاه‌های مختلف - باید این را به‌عنوان یک دستورالعمل بشناسند و آمادگی‌ها را روزبه‌روز افزایش بدهند؛ هم در زمینهٔ تسلیحات، هم در زمینهٔ سازماندهی‌ها، هم در زمینهٔ آن چیزی که در نیروهای مسلح بیشترین تأثیر را دارد یعنی آمادگی روحی و روحیه.

خوشبختانه در کشور ما، نیروهای ما، جوان‌های ما، مردان دلاور ما، در این زمینه هیچ چیزی کم ندارند، هیچ کم ندارند؛ از لحاظ روحیه خوشبختانه هیچ احساس کمبود نمی‌کنیم. همان چیزی که هدف انقلاب بود، همان چیزی که هدف بیست‌ونهم فروردین بود، همان چیزی که هدف تشکیل سپاه پاسداران بود که امام بزرگوار اینها را تدبیر کردند، تحقق پیدا کرده است: روحیه‌ها بالا و

آمادگی‌ها بسیار! همین حالا جوان‌های زیادی که نه انقلاب را دیدند، نه امام را دیدند، نه روزهای جنگ را درک کردند، نه خاطره‌ای از آن روزها دارند و جوان امروز هستند، از داخل ارتش به بنده از طرق مختلف پیغام می‌دهند که آماده فداکاری‌اند. خلبان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی یک‌جور پیغام می‌دهد، خلبان هوانیروز یک‌جور پیغام می‌دهد، عنصر وابسته به نیروی دریایی یا نیروی زمینی یک‌جور پیغام می‌دهد؛ آمادگی دارند. این روحیه بالا را هر ارتشی که داشته باشد، هر سازمان مسلحی که داشته باشد، مسلماً در برخوردها، در امتحانات، در ابتلائات پیش خواهد رفت؛ با همین روحیه باید پیش بروید. بنابراین حفظ بصیرت، حفظ جهت‌گیری صحیح، آمادگی‌های لازم، روحیه خوب و افزایش روزافزون تجهیزات و امکانات و آمادگی‌های رزمی یکی از کارهای اساسی‌ای است که نیروهای مسلح بایستی داشته باشند.^{۱۳}

تدابیر اقتصادی و مالی



• جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی

• توزیع عادلانه ثروت

جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی

جدّیت در تحقق اقتصاد مقاومتی

مسئله اقتصاد مقاومتی ... خب! از وقتی که این عنوان مطرح شده، شاید هزار مرتبه از طرف مسئولین - با کم و زیادش - تأیید شده؛ مسئولین مختلف، فعالان اقتصادی، حتّی فعالان سیاسی، مسئولین دولتی، مجلس، غیره، مکرّر گفته‌اند: اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مقاومتی؛ خب! خوب است؛ لکن با اسم و با تکرار زبانی هیچ اتّفاقی نمی‌افتد؛ هیچ اتّفاقی نمی‌افتد. با بردن اسم دارو و تکرار اسم دارو، هیچ بیماری خوب نمی‌شود؛ دارو را باید مصرف کرد. شما در مجلس، در دولت نگاه کنید ببینید که واقعاً برای اقتصاد مقاومتی به همان مفهوم حقیقی خودش چه کارهایی انجام گرفته و چه کارهایی باید انجام بگیرد. این را به نظر من به‌طور جدّی دنبال نکنید.^۱

نکات کلیدی در اقتصاد کشور

من چند نکته را در باب اقتصاد عرض می‌کنم.

۱- نکته اوّل این است که امروز عرصه اقتصاد، به‌خاطر سیاست‌های خصمانه آمریکا، یک عرصه کارزار است، یک عرصه جنگ است، جنگی از نوع خاص. در این عرصه کارزار، هر کسی بتواند به نفع کشور تلاش کند، جهاد کرده است. امروز هر کسی بتواند به اقتصاد کشور کمک بکند، یک حرکت جهادی انجام داده است. این جهاد است؛ البتّه جهادی است که ابزار خودش را دارد، شیوه‌های مخصوص خود را دارد، باید این جهاد را همه با تدبیر مخصوص خود و سلاح مخصوص خود انجام بدهند. این نکته اوّل.

۲- نکته دوّم این است که در نگاه کلان به اقتصاد کشورمان دو جور نگاه وجود دارد. من خواهش می‌کنم به‌خصوص صاحب‌نظران و همچنین جوانان و عامه مردم عزیزمان به این نکته توجه کنند که دو جور نگاه به رونق اقتصادی و پیشرفت اقتصاد وجود دارد:

الف - یک نگاه می‌گوید که: ما پیشرفت اقتصاد را باید از ظرفیت‌های درون کشور و درون مردم تأمین بکنیم. ظرفیت‌های بسیار زیادی در کشور وجود دارد که از این ظرفیت‌ها یا استفاده نشده است یا درست استفاده

نشده است؛ از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم؛ [یعنی] اقتصاد درون‌زا؛ اقتصادی که مایه خود و ماده خود را از درون کشور و از امکانات کشور و از توانایی‌های مردم خودمان به دست می‌آورد. این یک نگاه است که می‌گویند برای رونق اقتصادی نگاه کنیم به امکانات درونی کشور و استعدادها را و ظرفیت‌ها را بشناسیم، آنها را به درستی به کار بگیریم، [آن وقت] اقتصاد رشد خواهد کرد، نمو خواهد کرد؛ این یک نگاه.

ب - نگاه دوّم به اقتصاد کشور، نگاه به پیشرفت اقتصاد با استفاده از کمک بیرون از مرزهاست؛ می‌گوید: سیاست خارجی‌مان را تغییر بدهیم تا اقتصاد ما درست بشود، با فلان مستکبر کنار بیایم تا اقتصاد رونق پیدا کند، تحمیل قدرت‌های مستکبر را در بخش‌های گوناگون و مسائل گوناگون بپذیریم تا اقتصادمان رونق پیدا کند؛ این هم نگاه دوّم است.

امروز شرایط کشور به ما نشان داده است که این نگاه دوّم، یک نگاه کاملاً غلط و عقیم و بی‌فایده است. همین تحریم‌هایی که امروز علیه ملت ایران اعمال می‌شود، دلیل محکم و متقنی است بر غلط بودن این نگاه؛ یعنی شما وقتی که به امید قدرت‌های خارجی نشستید تا آنها بیایند اقتصاد شما را رونق بدهند و با زیر بار آنها رفتن،

اقتصاد را رونق بدهید، آنها به حدّ کم قانع نیستند. وقتی که شما نگاه می‌کنید به بیرون، مواجه می‌شوید با یک مسئله‌ای مثل کاهش قیمت نفت؛ ناگهان قدرت‌های مستکبر با همراهی ایادی منطقه‌ای خودشان متأسفانه به این نتیجه می‌رسند که قیمت نفت را به نصف و گاهی کمتر از نصف برسانند؛ شما مواجه می‌شوید با یک چنین مشکلی؛ وقتی نگاه به بیرون باشد، این است! وقتی شما نگاه به درون کردید، دیگر این جور نیست. امروز خارجی‌ها و رؤسای قدرت‌های مستکبر می‌خواهند همین نگاه دوّم را در مردم ما تقویت کنند.

من پیام رئیس جمهور آمریکا را که به مناسبت عید نوروز خطاب به مردم ایران کرده است دیدم؛ او در این پیام می‌گوید که شما بیاید حرف‌های ما را قبول بکنید؛ در واقع محتوا و محصول حرف او این است. می‌گوید: در مذاکرات هسته‌ای آن چیزی را که ما به شما دیکته می‌کنیم این را شما قبول بکنید تا در کشور شما کار به وجود بیاید، تا سرمایه به وجود بیاید، تا فعالیت اقتصادی در کشور شما راه بیفتد؛ یعنی همین نگاه دوّم! این نگاه نگاهی است که هرگز به نتیجه نخواهد رسید؛ باید نگاه کنیم به درون کشور، ظرفیت‌های درونی بسیار است. این اقتصاد مقاومتی‌ای که ما عنوان کردیم و مطرح کردیم

و خوشبختانه مورد قبول و استقبال همه صاحب نظران قرار گرفت - یعنی من حتی یک نفر از صاحب نظران اقتصادی و اجتماعی را ندیدم که آنچه را به عنوان سیاست اقتصاد مقاومتی مطرح شده، او رد کند - ناظر به همین است؛ یعنی ناظر به امکانات درونی کشور. وقتی که اجازه نمی دهند که شما برای زمین خودت از بیرون آب بیاوری، باید چاه حفر کنی و از درون زمین خودت آب بیرون بیاوری تا محتاج آب آن همسایه بخیل نباشی؛ باید از درون خود استمداد کنیم و بتوانیم کارها را پیش ببریم. این هم نکته دوم.

۳- نکته سوّم؛ نه در اقتصاد و نه در هیچ برنامه دیگری، بدون هدف گذاری نمی شود حرکت کرد، باید هدف گذاری بشود. اگر در هر کاری بدون هدف گذاری مسئولان دولتی حرکت کنند و پیش بروند، کار به روزمرگی خواهد رسید؛ به نتیجه نمی رسد. هدف گذاری مشخص و ثابتی باید وجود داشته باشد که به سمت آن هدف، همه دستگاه ها را و همه امکانات را بسیج کنند. به نظر بنده آن چیزی که امسال و سال های بعد از این باید به عنوان هدف اقتصاد مورد توجه باشد، عبارت است از

سرمایه‌گذاری بر روی تولید داخلی. همه تلاش‌ها از سوی همه باید برای تقویت تولید داخلی بسیج بشود. از همه مسئولانی که در زمینه‌های اقتصادی فعالیت دارند و از همه آحاد مردم باید مطالبه بشود که به مسئله تقویت تولید داخلی کمک کنند.

البته راه‌هایی وجود دارد برای کمک که من بعضی را عرض می‌کنم. یکی از لازم‌ترین کارها این است که از بنگاه‌های تولیدی متوسط و کوچک حمایت بشود؛ یکی از کارها این است که فعالیتهای بنگاه‌های دانش‌بنیان تقویت بشود. اینکه ما روی علم و فناوری تکیه می‌کنیم، فقط به خاطر این نیست که می‌خواهیم نصاب علمی خودمان را بالا ببریم؛ پیشرفت علم و فناوری به پیشرفت اقتصاد کمک می‌کند؛ بنگاه‌هایی که دانش‌بنیان هستند می‌توانند به اقتصاد ملی کمک کنند. یکی از کارهای لازم، نهضت کاهش خام‌فروشی است. اینکه من چندی پیش راجع به وابسته بودن اقتصادمان به نفت اعتراض کردم و در سخنرانی گفتم، ناظر به این است. ما باید کاری کنیم که خام‌فروشی به‌تدریج کاهش پیدا کند، تا اینکه به‌کلی از بین برود؛ باید ارزش افزوده ایجاد کرد. بانک‌ها می‌توانند نقش ایفا

کنند؛ هم نقش کمک کننده و هم نقش تخریب کننده؛ این مورد توجه مسئولان ارشد بانکی کشور باید قرار بگیرد. بعضی از بانک‌ها در سرتاسر کشور با شیوه‌های خاص برخی از بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط را به تعطیلی کشاندند، نابود کردند؛ بانک‌ها می‌توانند کمک بکنند و یا می‌توانند تخریب کنند. یکی از کارهای اساسی، تسهیل سرمایه‌گذاری است؛ یکی از کارهای اساسی کاهش واردات کالاهای مصرفی است؛ یکی از کارهای اساسی مبارزه با قاچاق است. کارهای گوناگونی را مسئولین دولتی می‌توانند انجام بدهند؛ بخشی از آنها این چیزهایی بود که من اینجا عرض کردم. البته این کارها همه کارهای دشواری است؛ گفتن این حرف‌ها آسان است، عمل کردن آنها مشکل است. اما همین کار مشکل را مسئولین حتماً بایستی انجام بدهند! چون مسئله، مسئله مهمی است. مردم هم می‌توانند نقش ایفا کنند. آن کسانی که قادر بر سرمایه‌گذاری هستند، سرمایه‌گذاری‌شان را متوجه تولید کنند و در تولید سرمایه‌گذاری بکنند. کسانی که مصرف‌کننده هستند - که همه ملت ما در واقع مصرف‌کننده‌اند - محصولات داخلی را مصرف کنند

که من روی این بارها و بارها تکیه کردم و امروز هم عرض می‌کنم و تکیه می‌کنم. همه سعی بکنند محصولات داخلی را مصرف بکنند، کارگر ایرانی را حمایت بکنند، کارگاه تولیدی داخلی را با مصرف کردن [محصول] آن رونق بدهند. پرهیز از اسراف؛ کسانی که اهل اسراف‌اند، بدانند: این اسراف و زیاده‌روی و ریخت‌وپاش که در اسلام این‌همه مذمّت شده است، سرنوشت اقتصاد ملّی را تعیین می‌کند؛ اگر چنانچه از اسراف و زیاده‌روی و ریخت‌وپاش اموال شخصی، چه آب، چه نان، وسایل تشریفاتی زیادی در مهمانی‌ها، در عقدها، در عروسی‌ها، در بقیه مراسم و چه بقیه چیزهای دیگر پرهیز بشود، به اقتصاد ملّی کمک می‌کند. آن کسانی که در کارهای تجارت خارجی و دادوستد خارجی هستند، می‌توانند نقش ایفا کنند؛ نقش آنها هم عبارت است از صحّت عمل، تا بتوانند آبروی ملّت ایران را [حفظ کنند]. این هم نکته سوّم.

۴- نکته چهارم در زمینه اقتصاد این است که: تحریم تنها ابزار دشمن است. این را بدانند! تنها ابزار دشمن برای مقابله با ملّت ایران امروز عبارت است از

تحریم؛ اگر ما درست عمل کنیم، با تدبیر عمل کنیم، تحریم می‌تواند بی‌اثر بشود. همچنان‌که اشاره کردم، همین دستگاه‌های تولیدی و صنعتی‌ای که امروز خوشبختانه دستگاه‌های دولتی آنها را افتتاح می‌کنند - از جمله همین فاز دوازدهم پارس جنوبی که قبلاً اشاره کردم و همین پیشرفت‌های نظامی و همین پارک‌های علم و فناوری و امثال اینها - کارهایی است که می‌تواند این‌جور تحریم را از بین ببرد؛ اثر تحریم را اوّل کاهش بدهد، بعد هم از بین ببرد. تحریم، مشکل‌ترین آنها بود اما برای ما برکاتی هم داشت. تحریم به ما نشان داد که باید به خودمان متکی باشیم و به ما ثابت کرد که می‌توانیم از نیروهای درونی خودمان استفاده کنیم. اگر مسئولین دولتی و آحاد مردم و به‌خصوص فعالان بخش‌های اقتصادی همّت بکنند، تلاش بکنند و دستگاه‌های رسانه‌ای عمومی هم کمک بکنند - که حالا اشاره خواهم کرد - ان‌شاءالله خواهیم دید که تحریم قادر نخواهد بود که ملت ایران را از پیشرفت باز دارد.^۹

حمایت از حقوق مالکین و مبارزه با مفسدان اقتصادی

عرضه محصولات مهندسین

در مبادلات بین‌المللی

کاری که شما [مهندسین کشور] باید بکنید این است که اولاً این مسئله «ما می‌توانیم» - که خوشبختانه یک شعار مقبولی در نزد همه انسان‌های منصف در این کشور است - را به مردم نشان بدهید ... در بخش‌های مختلف تلاش کنید که کارهای نکرده، انجام بگیرد. حالا مثلاً فرض بفرمایید در صادرات خدمات مهندسی ما بیشتر کارهای عمرانی را مشاهده می‌کنیم؛ شما کاری کنید که محصولات مهندسی کشور در مبادلات کشور حضور داشته باشند؛ یعنی واقعاً بتوانیم ما محصول کارهای مهندسین خودمان در کارخانجات و در قطعه‌سازی و در بخش‌های گوناگون وسیع مهندسی را در بازار مبادلات بین‌المللی جهانی عرضه کنیم؛ این کار مهمی است که این هم از عهده شماها بر می‌آید؛ یعنی شما در این زمینه الآن مسئولیت دارید، داخل دولت یا

مجلس هستید و می‌توانید تصمیم بگیرید. و سعی کنید که این فشار واردات بر کشور را کم کنید؛ این یک مسئله واقعاً مهمی است. امروز فشار واردات، کشور را دارد از پا درمی‌آورد؛ بهانه‌های مختلفی هم وجود دارد. مثلاً مسئله قاچاق؛ رقم‌هایی که این روزها می‌گویند، رقم‌های عجیب و غریب گیج‌کننده بیست و چند میلیارد قاچاق [است!] واقعاً سر انسان گیج می‌رود. خب! حالا آن وقت به بهانه اینکه قاچاق نشود، پس ما راه را باز کنیم که از طریق قاچاق نیاید، از طریق گمرکات بیاید که ما بتوانیم سودی هم ببریم! این به نظر من منطق قوی‌ای نیست؛ کاری کنید که محصولات کشور مقهور واردات نشود. این محصولات، همان محصولاتی است که در این بخش‌های مختلف به وسیله جوان‌های با استعداد ما، مردان مؤمن ما، توانای ما، بعضاً نابغه ما دارد به وجود می‌آید و تولید می‌شود. این یک نکته است که به نظر من بسیار مهم است.^۱

تدابیر خدمت‌رسانی

• تأمین توأمان نیازهای مادی و معنوی

تأمین توأمان نیازهای مادی و معنوی

اهداف کمیته امداد امام خمینی علیه السلام

رجاء واثق دارم مجموعه فوق [کمیته امداد امام خمینی علیه السلام] و رئیس محترم این نهاد انقلابی با استعانت از پروردگار متعال و بهره‌گیری از تجربیات ارزشمند موجود، در تحقق هدف نورانی این تشکیلات الهی که همانا توانمندسازی و شکوفایی استعدادها و تأمین خوداتکایی نیازمندان و محرومان و تقویت و رشد ایمانی و اعتقادی آنان با ارائه خدمات اجتماعی، حمایتی، فرهنگی و معیشتی می‌باشد، گام‌های اساسی و تکمیلی بردارند. ... گرچه تکیه اصلی کمیته امداد امام خمینی علیه السلام بر کمک‌های کمی و کیفی مردم عزیز کشورمان باید باشد، اما ایفای نقش توسط دولت و مجلس و دستگاه قضایی در پشتیبانی‌های همه‌جانبه از این نهاد انقلابی در جهت انجام مأموریت‌های مقدس آن، امری انکارناپذیر است.^{۱۰}

تدابیر بهداشت و سلامت

• محیط زیست

محیط زیست

ضرورت هماهنگی دستگاه‌های مرتبط

با محیط زیست

از مشاهده این جمعیت بحمدالله بزرگ در ارتباط با مسائل زیست محیطی، هم انسان خوشحال می‌شود، هم نگران می‌شود؛ خوشحال از این جهت که بحمدالله این همه نیروی انسانی شاداب و گرم و علاقه‌مند و وارد در کار، متوجه این مسئولیت بزرگ و مهم‌اند؛ لکن نگرانی‌ای هم وجود دارد و آن اینکه آیا این مجموعه‌ای که شما هستید که از دستگاه‌های مختلف هستید، حول یک محور، هماهنگی لازم را دارید یا نه؟! اهمیت مسئله محیط زیست ایجاب می‌کند که همه دستگاه‌هایی که به‌نحوی با مسئله محیط زیستی انسان در کشور مرتبط‌اند، با یکدیگر به‌صورت صمیمانه همکاری کنند. به‌هرحال از خداوند متعال، هدایت او را و کمک او را برای شما مسئلت می‌کنیم.^۵

ضرورت تحرّک جدّی مسئولان

ما هر سال در هفته نهال‌کاری و روزهای مربوط به محیط زیست و مانند اینها، به صورت نمادین یکی دو درخت اینجا بر زمین می‌نشانیم؛ خب! احساس وظیفه‌ای بود که مردم توجّه پیدا کنند به مسئله درخت‌کاری؛ بی‌تأثیر هم نبوده. به درخت‌کاری - به خصوص در برخی از مناطق کشور، از جمله تهران - در این سال‌ها توجّه شده است؛ برخی از کمبودها و مشکلاتی که در گذشته به وجود آمده، به تدریج اندکی حل شده؛ لکن همه مسئله این نیست. امسال به نظر ما رسید که به مناسبت اهمّیت مسائلی که امروز ما دست به گریبان با آن مسائلیم، خوب است که این جلسه را تشکیل بدهیم و قدری مطالبی را عرض بکنیم. بعد هم دنباله کار رها نشود و مسئولان در پی یک اقدام اساسی و جدّی در [حلّ] مسائل مربوط به محیط زیست ان شاء الله باشند. البته برای من یک گزارشی آوردند از صحبت‌هایی که در این چند سال - از سال ۷۷ تا امروز، پانزده سال - درباره

این مسئله کرده‌ایم، خیلی حرف‌ها گفته شده، توصیه‌ها شده، لکن توصیه به تنهایی علاج و درمان مشکلات بزرگ نیست. یک تحرّک و حرکت جدّی‌ای باید دنبال کار باشد. البتّه کارهای خوبی هم در این سال‌ها انجام گرفته که چشم به آنها هم نمی‌شود بست.^۵

اسلام و کره خاکی زمین

نظر اسلام نسبت به زمین و کره خاکی و این مجموعه‌ای که گاهواره زندگی انسان و محل ولادت و نشوونما و سپس مرکز بازگشت انسان است؛ نظر اسلام نسبت به زمین و آنچه در زمین است:

۱- یک جا قرآن می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ»؛ (رحمن ۱۰) زمین را - یعنی این کره ارضی را - برای انسان‌ها ما آفریدیم؛ مال همه است. متعلق به بعضی نیست؛ بعضی حق بیشتری از بعضی دیگری ندارند؛ متعلق به نسلی دون (بدون توجه به) نسلی نیست؛ امروز متعلق به شماست؛ فردا متعلق به فرزندان شما، به نوه‌های شما و به دودمان شما تا آخر؛ و در همه‌جای سطح کره زمین این‌جوری است. خلقت زمین مال انسان‌هاست؛ متعلق به آنهاست.

۲- در یک آیه دیگر می‌فرماید: «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»؛ (بقره ۲۹) همه آنچه در زمین است و متعلق به زمین است، برای شما انسان‌ها آفریده

شده؛ بنابراین، چون مال خودتان است، به نفع شماست، متعلق به شماست، باید تخریش نکنید. همه چیزش هم [باارزش] است؛ یک چیزهایی هست که به نظر انسان سطحی ممکن است باارزش بیاید، چیزهایی هم به نظر او بی ارزش بیاید، اما همه آنها باارزش است. یک روزی هم در همین کشور ما کسانی بودند که می گفتند: این ماده متعفن، به چه درد ما می خورد؟ منظورشان نفت بود. عده ای ممکن است از سرسبزی منطقه شمال کشور لذت ببرند، از کویرها خوششان نیاید؛ اما بروید با آقای دکتر کردوانی بنشینید و ببینید ایشان راجع به کویر چه می گوید. همه آنها مثل هم است؛ همه آنها نعمت است، همه آنها موهبت است، همه آنها هم مال شماست؛ حق ندارید تخریب کنید؛ نه باغ و بوستان را، نه جنگل را، نه مرتع و دشت را، نه کویر را؛ همه آنها متعلق به انسان هاست؛ بایستی از اینها بهره ببرید.

۳- در آیه دیگر می فرماید: «وَ اسْتَعْمَرْکُمْ

فیها»؛ (هود ۶۱) خداوند متعال که خالق این زمین و

خالق شماس، شما را موظف کرده است که این زمین را آباد کنید؛ یعنی ظرفیت‌های موجود در این مجموعه کره ارضی را به فعلیت برسانید. خیلی از ظرفیت‌ها هست که ناشناخته است، بعد شناخته می‌شود و بعد اهمیت آنها و ارزش آنها فهمیده می‌شود؛ این کار کار شماس؛ شما باید بکنید. امروز هم که ما خیال می‌کنیم از همه ظرفیت‌های زمین داریم استفاده می‌کنیم، حقیقت مطلب این نیست؛ ممکن است میلیون‌ها برابر آنچه امروز شما از آب و از خاک و از هوا و از مواد زیرزمینی و از محصولات روی زمین استفاده می‌کنید، بشود به‌نحوی استفاده کرد که امروز ما از آن خبری نداریم. باید بشر به‌طور دائم ظرفیت‌های جدیدی را پیدا کند؛ از این ظرفیت‌ها به نفع زندگی بشر استفاده کند.

۴- یک آیه دیگر درباره «الدّالّخصام» است؛ یعنی لجوج‌ترین، خبیث‌ترین، سرسخت‌ترین دشمنان که خصوصیاتِ برایش ذکر می‌شود؛ یکی از خصوصیات این است: «إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي

الْأَرْضِ لِيَفْسِدَ فِيهَا وَ يَهْلِكَ الْحَرثَ وَ النَّسْلَ»؛ (بقره ۲۰۵) حرث و نسل را از بین می‌برد، فاسد می‌کند؛ کشت را - یعنی تولید گیاهی را و تولید انسانی را - نابود می‌کند و از بین می‌برد.

امروز اگر شما نگاه کنید در سیاست‌های دنیا می‌توانید پیدا کنید کسانی را که همین کار را بالفعل با همه ملّتها و یا با بسیاری از ملّتها دارند انجام می‌دهند؛ اِهْلَاکِ حَرثٍ وَ اِهْلَاکِ نَسْلِ؛ این را خدای متعال فساد می‌داند، بعد هم می‌فرماید: «وَ اللّٰهُ لَا يَحِبُّ الْفَسَادَ». (بقره ۲۰۵) حالا این چند آیه بود که من خواندم؛ دهها روایت با مضامین عالی در اسلام، در متون دینی ما درباره زمین، درباره محیط زیست ما هست؛ همین آیاتی که الآن اینجا تلاوت کردند (نحل ۹ تا ۱۳) از جمله این آیات است که اشاره می‌کند به فرآورده‌های روی زمین که همه‌اش مال بشریت و متعلّق به شماست؛ قضیه محیط زیست، خیلی قضیه مهمّی است.^۵

مسئولیت انسان در قبال طبیعت

و چالش‌های جهانی و کشوری

خلاصه اهمیت این قضیه [محیط زیست] عبارت است از مسئولیت انسان در قبال طبیعت؛ باید احساس مسئولیت کند. همچنان‌که در قبال انسان‌ها احساس مسئولیت می‌کنیم، در قبال طبیعت هم باید احساس مسئولیت کنیم. اسلام و ادیان الهی خواسته‌اند تعادل میان انسان و طبیعت را حفظ کنند؛ این، آن هدف اساسی و اصلی است. عدم حفظ این تعادل ناشی از عواملی است که عمده‌اش خودخواهی‌های انسان است؛ قدرت‌طلبی است؛ قلدری و گردن‌کلفتی بعضی از ما انسان‌هاست. وقتی این اتفاق نیفتاد - یعنی این تعادل حفظ نشد - آن‌وقت بحران محیط زیست پیش می‌آید؛ بحران محیط زیست به همه بشر و به همه نسل‌ها آن‌وقت ضرر می‌زند.

۱- چالش جهانی:

امروز این بحران مخصوص ما نیست - حالا اگر تعبیر «بحران» صحیح باشد؛ لا اقل «چالش

بزرگ» - این چالش بزرگ، امروز مخصوص ما نیست؛ امروز در همه دنیا این چالش وجود دارد و ناشی از همان عدم احساس مسئولیت است. شما دیدید در قضیه «پیمان کیوتو» (پیمان بین‌المللی بین کشورهای صنعتی به منظور کاهش گازهای گلخانه‌ای که عامل اصلی گرم شدن کره زمین هستند). آمریکا به عنوان یک دولت قلدر ایستاد - چندسال قبل از این من در نماز جمعه هم مطرح کردم و همین را گفتم (خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۱/۱/۱۶) - یعنی یک برخورد قلدرمآبانه با یک پیمانی که این پیمان مربوط به یک کشور و دو کشور و این گوشه دنیا و آن گوشه دنیا نیست؛ مربوط به همه جهان است. مسئله گازهای گلخانه‌ای چیزی نیست که به یک کشور و به یک عده از مردم صدمه بزند؛ نه! مال همه بشریت است. متنها مشکل اساسی در باب مسائل محیط زیست این است که آثار تخریب با آسانی و بزودی ظاهر نمی‌شود؛ وقتی ظاهر شد، علاج آن آسیب‌ها و مشکل‌ها هم بعضاً بلندمدت و بعضاً ناممکن است. فرض بفرمایید که آب شدن یخ‌های

قطبی - که منتهی بشود به بالا آمدن سطح آب دریاها و مسائل گوناگون زیستی فراوان دیگری که برایش پیش می‌آید - دیگر چیزی نیست که قابل علاج باشد برای بشر؛ اینها دیگر چیزهایی نیست که بشود در ظرف ده سال و بیست سال و صد سال جبران کرد؛ آثار ماندگاری برای بشریت دارد. یعنی وقتی انسان‌هایی پیدا شدند که احساس مسئولیت نکردند، ثروت‌های عمومی عالم را خواستند تبدیل کنند به ثروت شخصی، از هر امکانی برای فربه کردن وجود خودشان استفاده کنند، نتیجه می‌شود این. قلدری بشر، خشکنی‌های قلدرمآبانه و گردن‌کلفتی‌های قدرت‌های بشری، قدرت‌های زر و زور در دنیا و در سطح جهان یک‌چنین نتایج و آثاری دارد. خب! اینها در ابعاد جهانی این‌جوری است.

۲- چالش کشوری:

در ابعاد کشوری هم همین است؛ در ابعاد کشوری هم که ما حالا دربارهٔ مسائل کشور خودمان فعلاً داریم بحث می‌کنیم، قضیه این است؛

یعنی آنجا هم آسیب‌ها آسیب‌هایی نیست که به‌آسانی بشود برطرف کرد. فرض بفرمایید: فرسایش خاک در کشور بر اثر سهل‌انگاری‌ها و بدعمل‌کردن‌ها و ندانم‌کاری‌ها؛ فرسایش خاک چیزی نیست که بعد بشود به‌آسانی جبران‌ش کرد.

قضیهٔ خاک از قضیهٔ آب مهم‌تر است؛ ما مشکل آب هم داریم، مشکل بزرگی هم هست، لکن برای تهیهٔ آب راه‌های فراوانی وجود دارد؛ برای تهیهٔ خاک حاصلخیز این راه‌ها دیگر وجود ندارد. یعنی بی‌توجهی به مبانی حفظ محیط زیست، گاهی اوقات یک چنین مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد؛ آسیبی که وارد می‌شود، آسیبی نیست که بشود [جبران کرد]. خب! می‌شود پیشگیری کرد، می‌شود علاج کرد؛ هم پیشگیری می‌شود کرد بسیاری از این چیزها را - که عمده‌تاً هم پیشگیری است - هم بعضی‌ها قابل علاج است و بایستی اینها را علاج کرد.

حالا فرض بفرمایید مسئلهٔ آلودگی هوا. جزو مسائل مهمّ زیست محیطی امروز ما در کشور،

مسئله آلودگی هوا در شهرهای بزرگ کشور است؛ در تهران و کلان‌شهرهای کشور؛ خب! مسئله مهمی است، این را می‌شود پیشگیری کرد، می‌شود هم علاج کرد. اگر ما حقیقتاً با هم همدل، هم‌زبان، هم‌نیت نیروهایمان را روی هم بگذاریم - همه کسانی که اطراف این قضیه هستند - این کار را می‌شود حل کرد. فلان کشور یک پنجم خاک ما وسعت دارد، دو برابر ما جمعیت دارد، مشکل آلودگی هوا را حل کرده؛ پس می‌شود [حل] کرد. بنابراین، این کار ممکن است؛ ما هم می‌توانیم حل کنیم. مسئله غبار را - به قول معروف این ریزگردها را - مثلاً می‌شود حل کرد؛ اینها قابل حل است، البته صبر، حوصله، تدبیر، دنبال‌گیری و این چیزها لازم است. مسئله محیط زیست، مسئله این دولت و آن دولت نیست؛ مسئله طولانی‌مدت است؛ مسئله زید و عمرو نیست؛ مسئله این جریان و آن جریان نیست؛ مسئله همه کشور است؛ همه باید دست‌به‌دست هم بدهند و این مشکل را حل کنند.^۵

سه عنصر اساسی در محیط زیست

سه عنصر اساسی در محیط زیست هست که اینها را بایستی مورد توجه قرار داد: هوا، آب، خاک. همهٔ همّت را باید [روی اینها] گذاشت.

۱- هوا:

[طبق] این آماری که به من دادند، در تهران هفتاد درصد مشکل آلودگی هوا، مربوط به حمل و نقل است، سی درصد مربوط به صنایع آلاینده است - حالا این آماری است که به من دادند؛ ممکن است اندکی کمتر یا زیاده‌تر [باشد]؛ در بین شما متخصصین هستند، اطلاعاتشان ممکن است دقیق‌تر باشد - خیلی خب! پس [عامل] معلوم شد؛ عامل را وقتی شناختیم، یک قدم به حلّ مشکل نزدیک شدیم؛ باید با جدّیت سراغ این مسئله رفت. این چیزها چیزهای تبلیغاتی نیست؛ اینها از آن اموری نیست که اوّل تابلویش را باید زد؛ [بلکه] اوّل باید کار را انجام داد. وقتی کار انجام گرفت، همهٔ مردم بدون تابلو [هم] احساس می‌کنند.

مسئله و مشکل پدیدهٔ غبار که دیروز در خوزستان، امروز در کرمان و ممکن است فردا در

یک نقطه دیگر زندگی مردم را مشکل بکند، باید علاج بشود. مشکل پدیده غبار فقط تنفس مردم نیست؛ به بنده گزارش دادند که جنگل‌های غرب کشور - جنگل‌های بلوط - به‌خاطر این پدیده غبار در خطر نابودی است؛ که اگر چنانچه خدای ناکرده این مشکل پیش بیاید، ضررهایش به‌مراتب بیشتر از آن چیزی است که ما از تنفس در تهران یا در یک جای دیگر در هوای غبارآلود ضرر و زیان می‌بینیم. باید به‌طور جدی دنبال بود، باید کار را دنبال کرد، باید دید علت چیست؛ علت‌ها را شناخت و به‌صورت جدی درصدد علاج برآمد.

۲- آب:

یک مسئله، مسئله آب و مصرف آب [است]. من دو سه سال پیش به نظرم در صحبت اول فروردین (در حرم رضوی ۱۳۹۰/۱/۱) اشاره کردم که نود درصد آب کشور صرف کشاورزی می‌شود. همه مصارف دیگر - مصارف شرب و شهر و صنعت و غیره - ده درصد است. ما اگر چنانچه بتوانیم با تدابیری در آن نود درصد که صرف کشاورزی می‌شود، ده درصد صرفه‌جویی بکنیم، معنایش این است که به همان

اندازه‌ای که امروز آب برای شرب و شهر و روستاها و صنعت و غیره مصرف می‌کنیم، به همین اندازه آب در اختیار کشور قرار می‌گیرد. این چیز کوچکی است؟ این چیز با این عظمت، ارزش این را ندارد که همه مسئولین، دست‌اندرکار بشوند و بروند دنبال این قضیه؟ با آبیاری قطره‌ای، با شبکه‌سازی‌های درست و خوب [صرفه‌جویی کنند]. آب پشت سدها را ما اگر چنانچه جمع کنیم، [اما] شبکه‌سازی درست نکنیم - کمالینکه متأسفانه در موارد زیادی قضیه از این قرار است - خب! این آب را درواقع هدر می‌دهیم، تبخیر می‌شود می‌رود؛ علاوه بر اینکه حالا مشکلاتی هم پشت سدها به وجود می‌آید. کارهای فراوانی است که باید انجام بگیرد؛ اینها جزو چیزهای بسیار مهم است.

۳- خاک:

مسئله خاک. عرض کردیم فرسایش خاک، در بلندمدت خطر بزرگ‌تری از کمبود آب است. چند سال قبل از این بحث‌های آبخیزداری و آبخوانداری و مانند اینها مطرح شد، کارهایی هم انجام گرفت؛ باید اینها با جدیت و قوت دنبال بشود؛ این کارها متوقف نماند.^۵

الزامات محیط زیست

[پس] اولاً تهیه سند ملی برای مسائل محیط زیست؛ [و بعد] همکاری دستگاه‌ها که اول اشاره کردم که همه دستگاه‌ها باید به‌جد با همدیگر همکاری کنند؛ [و بعد] پیوست محیط زیستی برای همه برنامه‌های سازندگی. همه برنامه‌های سازندگی از شهری و صحرایی و صنعتی و بقیه طرح‌ها، حتماً یک پیوست محیط زیستی باید داشته باشد؛ جاده می‌خواهید بکشید، مشخص باشد که تأثیرش در محیط زیست چیست؛ کارخانه می‌خواهد نصب بشود، باید معلوم باشد که تأثیرش در محیط زیست چیست؟ بعضی از مسائل تجاری، بعضی از نقل و انتقال‌ها و کارهای بازرگانی؛ اینها بایستی پیوست محیط زیست داشته باشد.^۵

هَمّت استفادهٔ بهینه از آب

۱- بنده یک مورد را خودم دیدم در یکی از ییلاقات مشهد - جاعرق - یک دوست قدیمی ما یک زمین کوچکی داشت و دارد. یک آب مختصری به قدر مثلاً نصف آنچه از لولهٔ قوری می‌آید بیرون، آن بالا بود. این آب را جمع کردند، هدایت کردند، حفظ کردند، چند استخر در این زمین از این آب به وجود آمد و زمین آباد شد؛ از یک آب خیلی مختصر که می‌توانست به هدر برود و هیچ کس هم نفهمد و نبیند.

۲- یکی از دوستان ما نقل می‌کرد و می‌گفت: در یزد - که خب! یزد جزو مناطق کم‌آب کشور است - یک نفری دعوت کرد از ما در یک باغی، بوستانی - یک جایی ترتیب داده بود با درخت و کشت و زرع و همه چیز - گفتش که می‌خواهید منع آب اینجا را ببینید؟ گفتیم: بله! گفت ما را مبالغ طولانی‌ای برد - شاید مثلاً چند کیلومتر؛ حالا من درست یادم نیست خصوصیات را - آنجا رفتیم، دیدیم: بله! به قدر یک لولهٔ آفتابه، مختصر

آبی دارد می‌آید؛ این آدم همت کرده، این آب را حفظ کرده، هدایت کرده، آورده، از این آب استفاده بهینه کرده. یعنی از این آب‌های کشور می‌شود مردم در محیط‌های زندگی خودشان استفاده‌های بهینه بکنند.^۵

لزوم نگهداری درخت

«درخت‌کاری»، از جمله کارهای خوب است. البته درخت را می‌کارند، من شنیدم درست نگهداری نمی‌شود. درخت‌کاری رایج شده، اما درخت که کاشتید، باید درخت را نگهداری کنید؛ حالا یا خودشان نگهداری بکنند یا دستگاه‌های شهرداری بکنند؛ بالاخره این کار باید انجام بگیرد.^۵

ضرورت ایجاد گردشگاه عمومی مردمی

در شرق تهران

یک جاهایی هم هست در اطراف تهران - حالا این را من اینجا بگویم - طرف شرق تهران، یک بوستان بزرگی است، یک منطقه خیلی وسیعی است بین بزرگراه بابایی تا ارتفاعات قوچک؛ یک زمینی است متعلق به ارتش. بنده گاهی اوقات در این مسیرهای صبحگاهی در بعضی از روزها از آنجا می‌رویم و ارتفاعات را حرکت می‌کنیم، راه می‌رویم؛ من هروقت آنجا می‌روم، دلم می‌لرزد! چون می‌دانم ده‌ها چشم طمع‌کار متوجه اینجاست. کارهایی هم شروع کردند، ما جلوی‌شان را گرفتیم، یک تشری زدیم، دعوایی کردیم؛ می‌دانم موقتاً دست برداشتند، اما منتظراند یک غفلی صورت بگیرد؛ یا این حقیر نباشم، یا غفلی پیش بیاید، بالاخره بروند اینجا را تصرف کنند؛ واقعاً انسان دلش می‌لرزد؛ یک بوستان بزرگ شاید چند صد هکتاری - نمی‌دانم چقدر است - که اصلش هم ظاهراً متعلق به ارتش بوده، لکن الآن مورد استفاده

ارتش نیست و مورد اختلاف بین ارتش و وزارت اطلاعات و اینهاست. به نظر من اینجا مال مردم است. اینجا باید به صورت یک گردشگاه عمومی مردمی دربیاید. مکرّر هم من این را پیغام دادم به مسئولین گوناگون، شهرداری باید برود اینجا را تصرف کند، در اختیار مردم بگذارد. جای بسیار وسیع، خوب، خوش آب و هوا در شرق تهران، پُر درخت. حتّی من یک وقتی آنجا دیدم یک گله آهو یا بز کوهی بود که از دور دیده می شد؛ یک جای این جوری. [این] در اختیار مردم قرار بگیرد، مردم بروند استفاده بکنند. اگر کوتاهی بشود، آنجا هم مثل بعضی جاهای دیگر [خواهد شد] که متأسّفانه کوتاهی شد و یک وقت دیدیم که ساختمان ها آنجا سر بلند کردند و مدّعی پیدا شد، بعضی از دستگاه ها هم متأسّفانه از روی غفلت - نه از روی غرض - فلان زمین ها را به کارمندان خودشان دادند، آنها هم به یکی دیگر فروختند؛ این کارهایی و بی انضباطی هایی که متأسّفانه در زمینه زمین ها و

در زمینه این منطقه تنفسی شهرهای بزرگ به وجود می‌آید و از این قبیل [قبلاً هم] به وجود آمده است. به هر حال، مسئله، مسئله بسیار مهمی است؛ کار، کار مهمی است. ما در این زمینه‌ها همیشه هر سال صحبت کرده‌ایم. من حالا اینها را گفتم تا در معرض اطلاع مردم و قضاوت مردم قرار بگیرد و بر این اساس نمره بدهند به دستگاه‌ها. معیار، دست مردم باشد، به دستگاه‌ها نمره بدهند، قضاوت کنند راجع به دستگاه‌ها که کدام دستگاه توانست درباره محیط زیست این اقدامات را بکند و این موفقیت‌ها را به دست بیاورد و کدام دستگاه نتوانست. امیدواریم ان شاء الله خداوند همه شما را از کسانی قرار بدهد که می‌توانید در این زمینه‌ها کار کنید.^۵

تدابیر نظارت و بازرسی

- برخورد با تخلفات و مبارزه با فساد
- نظارت و کنترل عملکرد مسئولان

برخورد با تخلفات و مبارزه با فساد

قطع دست‌درازی به جنگل‌ها

با استحکام کامل

یک مسئله مسئله جنگل‌ها و مراتع است؛ این جنگل‌های ما و مراتع ما، هم ریه‌های تنفسی شهرها و محیط‌های زندگی‌اند، هم نگهبان خاک‌اند و خاک را که این‌همه درباره اهمیتش گفتیم، حفظ

می‌کنند؛ این جنگل‌ها را باید حفظ کرد. متأسفانه در بخش‌های مختلف کشور، این جنگل‌های متراکم و انبوه شمال کشور بعضاً مورد چپاول و غارت، و بعضاً آخر(و بعضی دیگر) مورد بی‌توجهی و بی‌اهتمامی قرار می‌گیرد. من تأکید می‌کنم اجازه ندهید به این جنگل‌ها دست‌درازی بشود! بخش‌های مختلف کشور که مسئولیتی در این زمینه دارند، از منابع طبیعی گرفته تا محیط‌زیست تا بقیه دستگاه‌هایی که ارتباطی با این قضایا دارند، اجازه ندهند با بهانه‌های مختلف - از شهرسازی درست کردن و جذب گردشگر و هتل‌داری و مانند اینها بگیرند تا مدرسه علمیه و حوزه علمیه؛ همه اینها بهانه‌هایی می‌شوند و شده تاکنون - که جنگل‌های ما دست بخورند، به آنها تعرض بشود؛ به جنگل‌ها تعدی بشود و تاکنون به جنگل تعدی شده؛ جلویش را با استحکام کامل بگیرید.^۵

ضرورت قاطعیت

و عَرَضِه نشان دادن مسئلؤلان

یک مسئله پدیده زمین خواری است. البتّه پدیده زمین خواری پدیده جدیدی نیست؛ قدیمی است؛ ما از دوره نوجوانی و جوانی مکرّر می شنیدیم: زمین خواران، زمین خواران! خب! توقّع این بوده است که در نظام اسلامی و جمهوری اسلامی این پدیده متوقّف بشود؛ اجازه ندهیم کسانی بیایند با دست اندازی به زمین های گوناگون اطراف شهر و حومه های شهر و مناطق خوب، ثروت عمومی را به نوبه خود تبدیل کنند به ثروت شخصی. این بوستان عظیمی که فرض کنید در فلان نقطه شهر واقع است، یک ثروت عمومی است؛ [اینکه] کسانی بیایند با زرنگی، با دست کاری کردن قانون، با احیاناً خریدن یکی دو نفر آدم سست عنصر در فلان دستگاه، این ثروت عمومی را تبدیل کنند به ثروت شخصی خودشان، خیلی رنج آور است!

حالا بحث زمین خواری، یواش یواش شده کوه خواری! بنده گاهی که می روم ارتفاعات شمال

تهران و نگاه می‌کنم، انسان واقعاً خیلی متأسف می‌شود. بارها من در دیدار با مسئولین شهری و مسئولین دولتی و مانند اینها این مسائل را در میان گذاشته‌ام. خب! تلاش هم کرده‌اند لکن قاطع باید برخورد کنند. مسئولین باید در مقابل این سوءاستفاده‌کننده قاطعیت به خرج بدهند؛ غرضه باید به خرج بدهند؛ نگذارند فلان آدم سوءاستفاده‌چی با شیوه‌های مشخص [سوءاستفاده کند]! انسان از آن بالا که نگاه می‌کند، می‌فهمد و می‌بیند که چه کار دارند می‌کنند! اوّل می‌روند اجازه می‌گیرند، یک تأسیساتی در انتهای یک زمین درست می‌کنند؛ بعد که انتهای زمین مال آنها شد، همه سطح زمین به‌طور طبیعی قابل نقل و انتقال خواهد شد؛ از این کارها می‌کنند! این شمال تهران و غرب تهران، در واقع مجاری تنفسی شهر تهران است؛ ارتفاعات شمال تهران را یک‌جور، طرف زمین‌های غرب تهران را یک‌جور. در مشهد - شهر ما - من رفتم دیدم طرف ارتفاعات جنوب شهر که درواقع مرکز تنفس شهر است، دارند

افرادی آن بالا خانه می‌سازند، هتل می‌سازند، ساختمان‌های چند طبقه می‌سازند؛ اینها بد است! اینها غلط است! جرم بدانید اینها را!! یکی از کارهای اساسی، «جرم‌انگاری» در قانون است؛ اینها را باید جرم دانست در قانون و این کسانی که این کارها را می‌کنند تعقیب قضائی کرد. صرف اینکه بروند قلعه (پاسگاه) بنا بکنند، کافی نیست؛ که آن را هم متأسفانه در مواردی نمی‌کنند، کوتاهی می‌کنند!

نباید اجازه داد که منبع شرب تهران مورد تعرض قرار بگیرد؛ منبع هوا و تنفس تهران مورد تعرض قرار بگیرد! منابع زندگی در تهران - پایتخت کشور و مرکز دولت اسلامی - مورد تعرض یک عده‌ای قرار بگیرد؛ با اینها باید برخورد کنید! اگر خدای ناکرده در داخل دستگاه‌ها کسانی هستند که کوتاهی می‌کنند، با آنها شدیدتر برخورد کنید؛ اینها جزو کارهای لازم و اساسی است. هم منابع طبیعی، هم شهرداری، هم محیط زیست، هم دستگاه‌های نظارتی - همه اینها - بایستی با این


وضع آسَف‌بار مقابله کنند. بالاخره حفظ محیط زیست و رعایت محیط زیست، یک وظیفه حاکمیتی است؛ البته مردم هم نقش دارند؛ مردم می‌توانند نقش‌های خوبی ایفا کنند، همکاری کنند؛ شرطش این است که دستگاه‌های حاکمیتی به‌طور جدّی دنبال قضیه باشند. اگر جدّیت به‌خرج بدهند، مردم هم به اینها کمک خواهند کرد.^۵

نظارت و کنترل عملکرد مسئولان

نمره‌دهی مردم

به دستگاه‌ها

مردم ... نمره بدهند به دستگاه‌ها. معیار، دست مردم باشد، به دستگاه‌ها نمره بدهند، قضاوت کنند راجع به دستگاه‌ها که کدام دستگاه توانست ... این اقدامات را بکند و این موفقیت‌ها را به دست بیاورد و کدام دستگاه نتوانست.^۵



تدابیر امنیتی و حفاظتی

• مقابله با توطئه‌ها و دست‌ها و دسیسه‌های پنهان

مقابله با توطئه‌ها و دست‌ها و دسیسه‌های پنهان

نظارت هسته‌ای فقط با شیوه نظارتی متعارف!

به بهانه نظارت و به بهانه بازرسی [هسته‌ای] ... هیچ شیوه نظارتی غیر متعارف که جمهوری اسلامی را به یک کشور اختصاصی از لحاظ نظارت تبدیل می‌کند، به‌هیچ‌وجه مورد قبول نیست. همین نظارت‌های متعارفی که در همه دنیا معمول است، اینجا هم همان نظارت‌ها [باشد]، و نه بیشتر.^{۱۲}

ورود به حریم امنیتی و دفاعی کشور مطلقاً ممنوع

به‌هیچ‌وجه [به مذاکره‌کننده‌گان هسته‌ای] اجازه داده نشود که به بهانه نظارت، اینها به حریم امنیتی و دفاعی کشور نفوذ کنند؛ مطلقاً. مسئولین نظامی کشور به‌هیچ‌وجه مأذون نیستند که به بهانه نظارت و به بهانه بازرسی و مانند این حرف‌ها، بیگانگان را به حریم و حصار امنیتی و دفاعی کشور راه بدهند، یا توسعه دفاعی کشور را متوقف کنند؛ توسعه دفاعی کشور، توانایی دفاعی کشور، مشت محکم ملت در عرصه نظامی، این بایستی همچنان محکم بماند و محکم‌تر بشود؛ یا حمایت ما از برادران مقاوممان در نقاط مختلف؛ اینها مطلقاً نبایستی در مذاکرات مورد خدشه قرار بگیرد.^{۱۲}

تدابیر حقوقی و قانونی

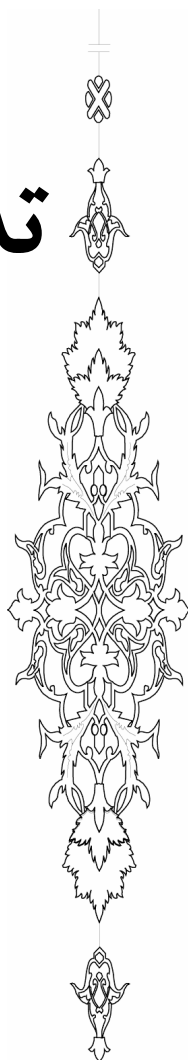
• قانون‌گرایی و ضابطه‌گذاری

قانون‌گرایی و ضابطه‌گذاری

ضرورت جرم‌انگاری تخریب محیط زیست

جرم‌انگاری تخریب محیط زیست. دستگاه قضائی و دستگاه‌های ضابط، و پیش از آنها قوانین مجلس، باید روی این تکیه بکنند. البته قوانینی داریم و الآن قوانین خوبی هست، منتها بازنگری لازم است؛ بایستی تخریب محیط زیست جرم محسوب بشود؛ به‌عنوان جرم بایستی تعقیب بشود. پالایش و بازنگری قوانین موجود، تقویت نظارت‌های بی‌اغماض - نظارت انجام بگیرد، هیچ‌گونه اغماضی هم در این نظارت‌ها صورت نگیرد و رؤسای دستگاه‌ها شخصاً نظارت کنند - و شاید از جهتی از همه مهم‌تر، فرهنگ‌سازی است؛ فرهنگ‌سازی؛ مردم بدانند که اهمیت حفظ محیط زیست چقدر است؟ این را از دبستان باید شروع کنیم، در کتاب‌های درسی؛ باید بچه‌های ما اهمیت مرتع و جنگل و هوا و آب و خاک و دریا و مانند اینها را از کودکی بفهمند و روی آن حساس باشند. حفظ حریم محیط زیست باید جزئی از فرهنگ عمومی بشود. البته نقش رسانه ملی را هم نباید نادیده گرفت، بایستی حتماً رسانه ملی نقش ایفا کند اما مردم هم می‌توانند کار کنند.^۵

تدابیر پژوهشی، تحقیقاتی



• جهت‌گیری تحقیقاتی و پژوهشی

• تولید علم و افزایش قدرت علمی

جهت‌گیری تحقیقاتی و پژوهشی

ضرورت پیگیری سنت طرّاحی و ابتکار

در نیازهای گوناگون کشور

در باب مسائل مهندسی ... بگردید دنبال خال‌ها، ببینید کجا ما خال داریم؟ خب! ما در زمینه ساخت قطعه، مثلاً فرض کنید که ساخت ماشین‌آلات خوب است، پیشرفت کرده‌ایم، در زمینه‌های گوناگونی ابتکارهایی را ما مشاهده می‌کنیم. مهندسی در طرّاحی، مهندسی در ساخت کارخانجات، آن کارهایی است که ما بایستی اینها را جدی بگیریم و دنبال بکنیم. اگر چنانچه شما توانستید این سنت طرّاحی و ابتکار در طرّاحی‌های نیازهای گوناگون را جا بیندازید، آن وقت همان سنت حسنه‌ای است که تا هر وقتی که این در کشور وجود دارد، خدای متعال به شما ثواب خواهد داد. کارهایی را که خال کشور است، نیاز کشور است، اینها را دنبال بکنید.^۱

تولید علم و افزایش قدرت علمی

ضرورت وجود صنعت هسته‌ای برای کشور

من یک خواسته‌هایی از مسئولین داشته‌ام که این را به آنها عرض کردم، گفتم و روی آنها اصرار دارم. یکی این مسئله است که بدانند دستاورد کنونی هسته‌ای ما چیز باارزشی است؛ این را بدانند؛ به چشم کم‌ارزش و چیز سبک به آن نگاه نکنند؛ چیز با ارزشی است. صنعت هسته‌ای برای یک کشور، یک ضرورت است. اینکه بعضی از روشنفکرانها قلم بردارند و قلم بزنند که «آقا ما صنعت هسته‌ای را می‌خواهیم چه کار کنیم» این فریب است؛ این شبیه همان حرفی است که زمان قاجارها وقتی نفت کشف شده بود و انگلیس‌ها آمده بودند می‌خواستند نفت را ببرند، اینجا دولتمرد قاجاری می‌گفت ما این ماده بدبوی عفن را می‌خواهیم چه کار کنیم، بگذارید بردارند ببرند! این شبیه آن است. صنعت هسته‌ای برای یک کشور یک ضرورت است؛ هم برای انرژی، هم برای داروهای هسته‌ای که بسیار مهم است، هم

برای تبدیل آب دریا به آب شیرین، و هم برای بسیاری از نیازهای دیگر در زمینه کشاورزی و غیر کشاورزی. صنعت هسته‌ای در دنیا، یک صنعت پیشرفته است، یک صنعت مهم است؛ این را هم بچه‌های ما خودشان به دست آوردند؛ این انفجار ظرفیت‌های درونی و استعدادهای درونی بچه‌های ما بود. حالا فلان کشور عقب‌افتاده، می‌گوید اگر ایران غنی‌سازی داشته باشد من هم می‌خواهم غنی‌سازی داشته باشم؛ خیلی خب! برو تو هم غنی‌سازی کن؛ بلدی، برو بکن! ما که غنی‌سازی را از کسی نگرفتیم، استعداد درونی ماست؛ [اگر] شما هم استعداد درونی در ملت داری، برو غنی‌سازی کن؛ [این] بهانه‌گیری‌های بچه‌گانه که بعضی از کشورها می‌کنند. غنی‌سازی و آنچه در زمینه هسته‌ای تا امروز پیش‌آمده است، یک دستاورد بسیار مهم است؛ این چیز کمی نیست. و این گام‌های ابتدائی ما در این صنعت است. باید در این صنعت کار بشود، حرکت بشود، پیشرفت بشود. حالا چند کشور جنایتکاری که خودهاشان

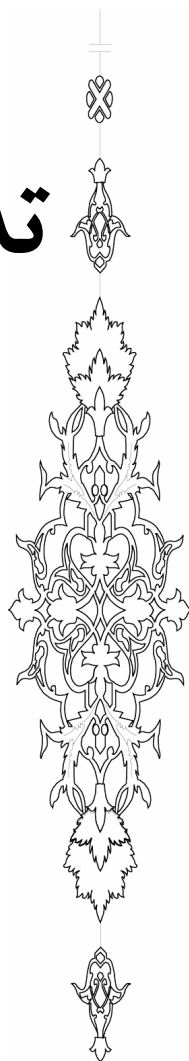
یا بمب هسته‌ای را علیه ملّت‌ها به کار بردند مثل آمریکا، یا آزمایش کردند مثل فرانسه - فرانسه همین ده دوازده سال قبل از این سه آزمایش هسته‌ای پشت سر هم در اقیانوس کرد که اینها مخرب است و محیط دریایی را نابود می‌کند؛ سه آزمایش هسته‌ای بسیار خطرناک؛ [در] دنیا هم یک جنجال مختصری کردند، بعد هم دهن‌ها را بستند، تمام شد - اینها دارند به ما می‌گویند! ما دنبال انفجار هسته‌ای نیستیم، دنبال آزمایش هسته‌ای نیستیم، دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ نه به‌خاطر اینکه آنها می‌گویند، [بلکه] به‌خاطر خودمان، به‌خاطر دینمان و به‌خاطر عقلمان. هم فتوای شرعی ما این است، هم فتوای عقلی ما این است. فتوای عقلی ما هم این است که ما امروز و فردا و هیچ وقت به سلاح هسته‌ای احتیاج نداریم؛ سلاح هسته‌ای برای یک کشوری مثل کشور ما مایهٔ دردسر است که حالا تفصیل این بماند. بنابراین دستاورد هسته‌ای، بسیار مهم است و دنبال کردن این صنعت و صنعتی کردن کشور، بسیار چیز لازمی است؛ بایستی این مورد توجّه باشد.^{۱۲}

ضرورت عدم توقف

توسعه علمی و فنی هسته‌ای

توسعه علمی و فنی هسته‌ای در ابعاد گوناگون، به هیچ وجه نبایستی متوقف بشود! توسعه باید ادامه پیدا کند، توسعه فنی. حالا محدودیت‌هایی را ممکن است لازم بدانند قبول بکنند، ما حرفی نداریم. برخی از محدودیت‌ها را قبول کنند، اما توسعه فنی حتماً بایستی ادامه پیدا بکند و با شدت و قدرت پیش برود.^{۱۲}

تدابیر نیروی انسانی



- گزینش اصلح
- بهره‌وری بهینه از نیرو

گزینش اصلح

گستره کار مهندسی در کشور

و نقش مجموعه‌های جوان مهندسی

دامنه کار مهندسی در کشور حقاً و انصافاً

گسترده است. ... یک نکته در زمینه مسائل مربوط

به مهندسين کشور ... ناگفته ماند و آن نقش

مجموعه‌های جوان مهندسی در مسائل انقلاب بود؛

هم در دوران مبارزات انقلابی، دانشکده‌های فنی ما در همه جای کشور جزو پیشروان مبارزات بودند؛ هم بعد از پیروزی انقلاب، به‌خصوص در دوران دفاع مقدس، مهندسین واقعاً آنجا سربازان ازجان‌گذشته‌ای بودند که همه توانایی خود، نیروی خود، استعداد خود، هنر خود، نبوغ خود را به کار گرفتند که ما در جنگ اینها را دیدیم. می‌توان گفت هر روزی یک پدیده نو از این جوان‌های بااستعداد که رشته‌های مهندسی را طی کرده بودند، بروز پیدا می‌کرد؛ بعد از دوران دفاع مقدس هم همین‌جور. حالا همین رشته‌های نانو و سلول‌های بنیادی و بایو(فناوری زیستی) ... اینها همه کارهای بعد از دوران دفاع مقدس است که باز هم جوان‌های مهندس ما در این زمینه‌ها کار کردند.

خب! مسئولیت‌های مهمی هم داشتند؛ الآن هم که نگاه می‌کنیم، الحمدلله خیلی از رؤسای کشور مهندسین‌اند و این مایه اعتراض بعضی‌ها هم هست؛ می‌گویند دائم مهندسین را می‌آورند سر کار.^۱

بهره‌وری بهینه از نیرو

توجه و اهتمام به مسئولیت

الحمد لله ... مهندسین ما در مراکز حسّاس
زیادند؛ شما، هم در مجلس مهندس زیاد دارید،
هم در دولت مهندس زیاد دارید، هم در بخش‌های
گوناگون؛ به مسئولیت خودتان با استفاده از ابزار
مهندسی واقعاً توجه کنید و اهتمام بورزید؛ ببینید
چه چیزهایی را بایست انجام داد، آنها را ان شاء الله
انجام بدهید.^۱



تدابیر برون مرزی

- جهت گیری در جهان اسلام
- جهت گیری در مصاف با استکبار
- جهت گیری در سیاست خارجی
- در قبال کشورهای همسایه
- جهت گیری تحولی در جهان

جهت‌گیری در جهان اسلام

کارهای بزرگ ملت و دولت ایران

مسئلاً کارهای بزرگی برعهده ملت و دولت ایران است؛ مسئله اتحاد اسلامی، مسئله کمک به ملت‌های مستضعف، گسترش نفوذ معنوی اسلام در منطقه که امروز پرچم آن دست ملت ایران است، اینها کارهای بزرگی است که اگرچنانچه خدای متعال توفیقات خود را شامل حال ملت عزیزمان بکند - که ان شاء الله خواهد کرد، به برکت دعا‌های شما، به برکت همت و تلاش شما و به‌خصوص جوانان - این کارهای بزرگ را ان شاء الله انجام خواهیم داد.^۹

ضرورت تصمیم کشورهای اسلامی

برای رهایی از داعش

اگر کسی دست پنهان دشمن را در این قضایا [اختلافات داخلی کشورهای اسلامی را] نبیند، خود را فریب داده است!! ... صهیونیست‌ها و بسیاری از دولت‌های غربی و بیش از همه آمریکا، از این قضایا خشنودند و تصمیم ندارند، مسئله داعش را تمام کنند. ... چه کسانی این جریان‌ها را پشتیبانی مالی و تسلیحاتی می‌کنند؟ ... بیگانه‌ها قطعاً نمی‌خواهند این مسائل حل شود.

بنابراین، این کشورهای اسلامی هستند که باید برای حل این مشکلات تصمیم بگیرند، ولی متأسفانه تصمیم جمعی مناسب و سازنده‌ای گرفته نمی‌شود.^{۱۱}

جهت‌گیری در مصاف با استکبار

ضرورت تقویت امت اسلامی

در مصاف با آمریکا و اسرائیل

امروز آمریکا و صهیونیست‌ها از اختلافات داخلی برخی کشورهای اسلامی خوشحال هستند و راه حل این مشکلات، همکاری کشورهای اسلامی و انجام اقدامات عملی مناسب و سازنده است. ... قدرت هر یک از کشورهای مسلمان در دنیای اسلام، در واقع قدرت امت اسلامی است و سیاست کلی جمهوری اسلامی ایران این است که کشورهای اسلامی یکدیگر را تقویت و از تضعیف هم خودداری کنند و تقویت روابط ایران و ترکیه نیز به تحقق همین هدف کمک می‌کند. ... تأکید همیشگی ما این است که کشورهای اسلامی از اعتماد به غرب و آمریکا بهره‌ای نمی‌برند و امروز نیز همه به روشنی، نتیجه اقدامات غرب در منطقه را که به ضرر اسلام و منطقه است، می‌بینند.^{۱۱}

رژیم آمریکا

بزرگ‌ترین عامل تهدید و ناامنی در دنیا

جمهوری اسلامی برای هیچ کشوری تهدید نیست؛ ما برای همسایه‌های خودمان هم هیچ‌وقت تهدید نبودیم، چه برسد به جاهای دوردست؛ این را تاریخ نزدیک ما به‌طور واضح نشان می‌دهد. حتی آن‌وقتی که برخی از همسایه‌های ما برخوردهایی کردند که شایسته همسایگی نبود، ما از خودمان خویشتن‌داری نشان دادیم. جمهوری اسلامی به هیچ کشوری تعرض نمی‌کند و نخواهد کرد. حالا افسانه جعلی مسئله هسته‌ای و سلاح هسته‌ای را آمریکایی‌ها و پشت‌سرش اروپایی‌ها و بعضی بادمجان‌دورقاب‌چین‌های دیگر عَلم کردند که بگویند جمهوری اسلامی مایه تهدید است؛ نه، مایه تهدید، خود آمریکا است. امروز بزرگ‌ترین مایه تهدید در دنیا رژیم آمریکا است که بدون هیچ مهارتی، بدون هیچ پایبندی وجدانی و دینی‌ای، در هر کجایی که لازم بداند دخالت‌های بی‌وجه می‌کند و دخالت‌های ناامن‌کننده از او سر می‌زند؛

آمریکا دنیا را ناامن کرده است. در این منطقه ما، ناامن‌کننده، رژیم صهیونیستی است که سگ زنجیری آمریکا است؛ اینها هستند که دنیا را ناامن کرده‌اند. جمهوری اسلامی دنیا را ناامن نمی‌کند، منطقه را هم ناامن نمی‌کند، حتی محیط همسایگان را هم ناامن نمی‌کند، حتی در موارد زیادی بدرفتاری‌های برخی از همسایگان را هم با بزرگواری تحمل می‌کند. ناامنی از ناحیه قدرت‌های بی‌مهار است که همه‌جا را تصرف می‌کنند. امروز این حوادث گریه‌آور در یمن جاری است و آمریکایی‌ها از ظالم حمایت می‌کنند، غربی‌ها از ظالم حمایت می‌کنند؛ ناامنی از ناحیه آنهاست، اینها هستند که کشورها را ناامن می‌کنند، اینها هستند که محیط زندگی را برای انسان‌ها ناامن می‌کنند؛ ناامنی مال آنهاست. جمهوری اسلامی - هم برای خود، هم برای دیگران - امنیت را بزرگ‌ترین نعمت الهی می‌داند و برای حفظ امنیت خود می‌ایستد و دفاع می‌کند.^{۱۳}

جهت‌گیری در سیاست خارجی

بیداری اسلامی و ضد حمله دشمنان اسلام

موضع جمهوری اسلامی در خصوص تمام کشورها، از جمله یمن، مخالفت با دخالت خارجی است. بنابراین، از نظر ما راه حل بحران یمن نیز توقف حملات و دخالت خارجی علیه مردم این کشور است و این، یمنی‌ها هستند که باید برای آینده کشورشان تصمیم‌گیری کنند. ... در مقابل این بیداری، دشمنان اسلام، ضدحمله خود را مدت‌هاست آغاز کرده‌اند و واقعیت تأسفبار این است که برخی از حکومت‌های اسلامی نیز خیانت می‌کنند و پول و امکانات خود را در خدمت دشمن قرار می‌دهند. ... کمک ایران به مردم عراق برای جلوگیری از تسلط تروریست‌ها، [است و] ... ایران در عراق حضور نظامی ندارد، اما روابط تاریخی، ریشه‌دار و بسیار نزدیکی بین دو ملت ایران و عراق برقرار است.^{۱۱}

در قبال کشورهای همسایه

ضرورت به کارگیری ظرفیت‌ها و اشتراکات

دو کشور

افغانستان، علاوه بر منابع انسانی و فرهنگی غنی، منابع طبیعی سرشاری نیز دارد، که مجموعه این ظرفیت‌ها و اشتراکات باید در خدمت ارتقای سطح همکاری‌های دو کشور قرار گیرد. ... البته آمریکایی‌ها و برخی کشورهای منطقه، ظرفیت‌های افغانستان را نمی‌شناسند و موافق همدلی و همکاری‌های دو کشور نیز نیستند، اما ایران، امنیت و پیشرفت همسایه خود افغانستان را، امنیت و پیشرفت خود می‌داند. ... مسائل میان دو کشور از قبیل «مهاجرین، آب، حمل و نقل و امنیت» نیز همگی قابل حل هستند و باید همه این مسائل را با جدیت و در قالب یک جدول زمان‌بندی شده، بررسی و حل کرد. ... مردم افغانستان بسیار با استعداد و هوشمند هستند و این استعداد در کسب دانش، باید به درستی به کار گرفته شود، زیرا تحصیل‌کردگان افغانستانی برای بازسازی کشور شما مورد نیاز هستند.^{۱۴}

جهت‌گیری تحولی در جهان

به خاک مالیده شدن بینی سعودی‌ها

در برابر یمنی‌ها

سعودی‌ها بدعت بدی گذاشتند در این منطقه و البته خطا کردند، اشتباه کردند. کاری که امروز دولت سعودی در یمن دارد انجام می‌دهد، عیناً همان کاری است که صهیونیست‌ها در غزه انجام دادند. دو جنبه دارد: یکی اینکه جنایت است، نسل‌کشی است، قابل تعقیب بین‌المللی است، بچه‌ها را می‌کشند، خانه‌ها را خراب می‌کنند، زیربناها را نابود می‌کنند، ثروت‌های ملی را در یک کشور از بین می‌برند؛ خب! این یک جنایت بزرگ است؛ این یک طرف قضیه است؛ طرف دیگر قضیه این است که سعودی‌ها در این مسئله خسارت خواهند کرد، ضرر خواهند کرد و به هیچ‌وجه پیروز نخواهند شد. دلیل خیلی واضحی دارد؛ دلیلش این است که توانایی‌های نظامی صهیونیست‌ها چندین برابر توانایی نظامی این سعودی‌های کذا و کذا [است]؛ چندین و چند

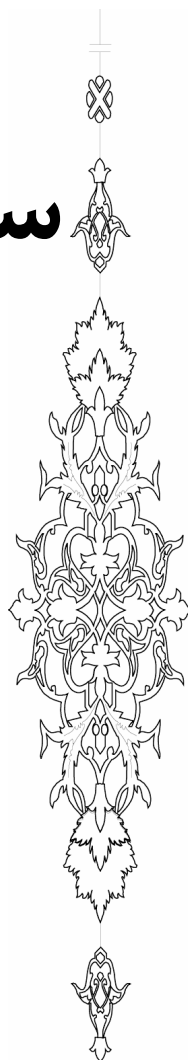
برابر اینها، آنها توانایی نظامی داشتند؛ طرف مقابل آنها هم غزّه یک وجبی بود. اینجا طرف مقابل یک کشور است، یک کشور ده‌ها میلیونی؛ یک ملت، کشور پهناور و وسیع. اگر آنها توانستند در غزّه پیروز بشوند، اینها هم خواهند توانست در اینجا پیروز بشوند؛ البتّه اگر آنها هم پیروز می‌شدند، باز پیروزی اینها احتمالش صفر بود؛ الآن احتمالش زیر صفر است. اینها قطعاً ضربه خواهند خورد؛ قطعاً بینی سعودی‌ها به خاک مالیده خواهد شد. ما با سعودی‌ها اختلافات متعدّدی در مسائل گوناگون سیاسی داریم؛ امّا این را همیشه می‌گفتیم که سعودی‌ها در کار سیاست خارجی‌شان یک وقار و متانتی نشان می‌دهند؛ این وقار و متانت را هم از دست دادند. چند جوان بی‌تجربه، امور آن کشور را در دست گرفتند و دارند آن جنبه توحّش را غلبه می‌دهند بر جنبه متانت و ظاهرسازی؛ این به ضررشان تمام خواهد شد. من هشدار می‌دهم به سعودی‌ها، از این حرکت جنایت‌آمیزی که در یمن می‌کنند باید دست بردارند؛ این در این منطقه قابل قبول نیست.

آمریکا هم البته از آنها دفاع می‌کند، حمایت می‌کند؛ طبیعت آمریکا این است، در همه قضایا طرف ظالم را می‌گیرد؛ طرف آن چهره بد را می‌گیرد، به جای اینکه طرف مظلوم را بگیرد؛ این طبیعت آنهاست، اینجا هم همان جور دارند عمل می‌کنند؛ ولیکن ضربه خواهند خورد، شکست خواهند خورد. حالا جنجال درست خواهند کرد که «ایران در کار یمن دخالت کرد»؛ بله، این دخالت است؛ اینکه ما نشسته‌ایم اینجا دو کلمه حرف می‌زنیم، این می‌شود دخالت؛ [اما اینکه] هواپیماهای جنایتکارشان آسمان یمن را ناامن کرده‌اند، آن دخالت نیست! آنها برای یک چنین دخالتی، بهانه‌های ابلهانه برای خودشان جور می‌کنند؛ این بهانه‌ها، نه از لحاظ منطق بین‌المللی قابل قبول است، نه ملت‌ها می‌پذیرند، و نه خدا می‌پذیرد.

بنابراین، آنچه لازم است همین است؛ بایستی اینها هرچه زودتر دست از این جنایت و فاجعه‌باری بردارند. ملت یمن یک ملت بزرگی

است، مَلّت کهنی است، مَلّت دیرینی است؛ هزاران سال سابقه دارد. این مَلّت این ظرفیت را دارد، این توانایی را دارد که بنشیند برای خودش تکلیف دولت را معین بکند. البته کسانی سعی کردند خلأ قدرت ایجاد کنند، جنجال درست کنند، مسائلی را که در لیبی متأسفانه پیش آمده - که بسیار وضعیت بد و رقت‌باری امروز در لیبی هست - می‌خواستند همین اوضاع را در یمن [هم] به‌وجود بیاورند؛ خوشبختانه نتوانستند. جوان‌های مؤمن، جوان‌های علاقه‌مند و معتقدین به منهاج امیرالمؤمنین علیه الصّلاة و السّلام توانستند بایستند در مقابل اینها؛ شیعه و سنی و شافعی و زیدی و حنفی و همه جورشان ایستاده‌اند در مقابل هجمه دشمن و ان‌شاءالله پیروز خواهند شد و پیروزی متعلّق به مَلّت‌هاست.^{۱۲}

سایر تدابیر



- پیام برای وقف کتابخانه توسط خانواده شهید شفیعی
- انتصاب نماینده ولی فقیه در استان قزوین و امام جمعه شهر قزوین
- انتصاب سردار سرتیپ اشتری به فرماندهی نیروی انتظامی

پیام برای وقف کتابخانه توسط خانواده شهید شفیعی

بسمه تعالی

به شهید عزیز درود می‌فرستم و نیز به این پدر
و مادر صبور و آگاه و پرگذشت.
امید است حسنات و انوار ساطع از فداکاری
این عزیزان و دیگر شهدا، و ایثارگران بزرگوار،
سرمایه و ذخیره ماندگاری برای کشور و تاریخ
ما باشد.^۳

سید علی خامنه‌ای

۱۳۹۳/۱۲/۱۱

«مطلب شفیعی» شهید ۲۰ ساله از شهدای کربلای هشت شلمچه،
و از اهالی یکی از روستاهای شهرستان بهاباد یزد و دانشجوی دانشگاه
امام صادق تهران بود که پدر ۸۴ ساله و مادر ۸۲ ساله این شهید تنها
منزل مسکونی خود را با زیربنای ۲۳۰ مترمربع وقف نهاد کتابخانه‌های
عمومی کشور کردند. این کتابخانه با ۲۵۱ عضو و ۹۸۲۵ نسخه کتاب،
طی سفر هفته گذشته دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور به استان
یزد افتتاح و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

انتصاب نماینده ولی فقیه در استان قزوین و امام جمعه شهر قزوین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ
عبدالکریم عابدینی دامت برکاته

اکنون که جناب حجت الاسلام و المسلمین
آقای باریک‌بین دامت برکاته پس از خدمات
ارزشمند انقلابی و جهادی در حوزه تبلیغ و تربیت
دینی که سال‌های دراز با کمال سلامت و صداقت
بدان اشتغال داشتند، از مسئولیت امامت جمعه
کناره‌گیری کرده‌اند، جناب‌عالی را که بحمدالله
متصف به علم و عمل انقلابی می‌باشید، به امامت
جمعه شهر قزوین و نمایندگی خود در آن استان
منصوب می‌کنم.

مجاهدت‌ها و تلاش‌های ارزشمند مردم شریف
 قزوین چه در دوران مبارزات انقلابی و چه در
 سال‌های دفاع مقدس، برگ افتخارآفرین دیگری
 بر دفتر قطور افتخارات علمی و سیاسی آن منطقه
 پر استعداد افزوده است. انتظار می‌رود جناب‌عالی
 در برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های علمی و تبلیغی و
 اجتماعی خود، گام‌های بلند دیگری در این راه
 بردارید و به‌ویژه نسل جوان و پیرانگیزه را در
 جهت هدف‌های انقلاب اسلامی، پدران‌ه و
 صمیمانه راهنمایی نمائید. توفیق شما را از خداوند
 متعال مسألت می‌کنم.^۴

سید علی خامنه‌ای

۱۳۹۳/۱۲/۱۳

انتصاب سردار سرتیپ اشتری به فرماندهی نیروی انتظامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سردار سرتیپ پاسدار حسین اشتری

نظر به تعهد و شایستگی و حسن سوابق خدمتی و بنا به پیشنهاد وزیر محترم کشور و جانشین فرمانده کل قوا در امور نیروی انتظامی، شما را به سمت فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران منصوب می‌کنم.

لازم است اقدامات شایسته دوران تصدی سردار سرتیپ احمدی‌مقدم، نظیر: ارتقاء فضای اسلامی و انقلابی ناجا، صیانت از کارکنان خدوم و توجه جدی به معیشت آنان، تقویت مرزبانی و کاهش تخلفات جاده‌ای تداوم یابد و رعایت‌های دقیق در بهبود خدمات انتظامی و برنامه‌ریزی مستمر و ابتکار عمل لازم در برقراری امنیت و آرامش اخلاقی و اجتماعی، دنبال شود.

از قوای سه‌گانه، به‌ویژه وزارت کشور، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، صدا و سیما، ستاد کل نیروهای مسلح و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، انتظار می‌رود که در شرایط حساس کنونی، حمایت‌های لازم از نیروی انتظامی را در ابعاد مادی و معنوی، به‌عمل آورند.

از تلاش‌های بی‌دریغ و مؤثر سردار سرتیپ احمدی‌مقدم در دوره تصدی فرماندهی آن نیرو، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

توفیق شما و همه کارگزاران ناجا و حامیان این نیروی عظیم را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم.^۶

سید علی خامنه‌ای

۱۸ / اسفند / ۱۳۹۳

پی‌نوشت‌ها

۱. ۹۳/۱۱/۰۶ (انتشار ۹۳/۱۲/۰۴) بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت روز ملی مهندس
۲. ۹۳/۱۱/۲۷ (انتشار ۹۳/۱۲/۰۷) بیانات در دیدار اعضای ستادهای «کنگره شهدای امور تربیتی»، «کنگره شهدای دانشجوی» و «کنگره شهدای هنرمند»
۳. ۹۳/۱۲/۱۱ پیام برای وقت کتابخانه توسط خانواده شهید شفيعی
۴. ۹۳/۱۲/۱۳ انتصاب نماینده ولی فقیه در استان قزوین و امام جمعه شهر قزوین
۵. ۹۳/۱۲/۱۷ بیانات در دیدار مسئولان و فعالان حفظ منابع طبیعی، محیط زیست و فضای سبز شهری
۶. ۹۳/۱۲/۱۸ انتصاب سردار سرتیپ اشتری به فرماندهی نیروی انتظامی
۷. ۱۲/۲۱/۹۳ بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری (هفدهمین اجلاس مجلس خبرگان رهبری)
۸. ۹۴/۰۱/۰۱ بیانات به مناسبت حلول سال ۱۳۹۴ هجری شمسی
۹. ۹۴/۰۱/۰۱ بیانات در حرم مطهر رضوی در اولین روز سال ۱۳۹۴
۱۰. ۹۴/۰۱/۱۶ انتصاب اعضای هیأت امناء و رئیس کمیته امداد امام خمینی (ره)
۱۱. ۹۴/۰۱/۱۸ (گزارش خبری) بیانات در دیدار رئیس‌جمهور ترکیه
۱۲. ۹۴/۰۱/۲۰ بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام) به مناسبت میلاد فاطمه زهرا (علیها‌السلام)
۱۳. ۹۴/۰۱/۳۰ بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران به مناسبت روز ارتش
۱۴. ۹۴/۰۱/۳۰ (گزارش خبری) بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری افغانستان